

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نماینده‌ی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۶۷-۱۶۶، سال ۱۳۹۵

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: الماس نصر دهنیری

سر دبیر: عباسعلی بیگدلی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی بسیج

همکاران این شماره:

۱- سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده ۲- بهزاد پورنقدی ۳- طاهره پورغلامی

۴- مصطفی قاسمی ۵- علیرضا زارعی ۶- تورج افشون ۷- محسن مقدسی

۸- شعیب بهمن ۹- محمداسماعیل خدادادی

شمارگان: ۷/۵۰۸

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۳۳۲۳۹۶۷۳-۶

رایانامه هادی (ایمیل): E-mail: ssb110@chmail.ir

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۰۰۸۰

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است؛ بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می‌رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادهای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

سفن هدایت

۱.....* داوداوغلو قربانی قدرت طلبی اردوغان.....

۵.....* کلام نور.....

بفش سیاسی

۱۱.....* راهبردهای آمریکا پس از اجرای توافق برجام.....

۱۴.....* پیامدهای واگذاری دو جزیره از سوی مصر به عربستان.....

۲۱.....* تحلیلی بر سفر اوباما به عربستان سعودی.....

۲۴.....* علل و چشم انداز اصلاحات در عراق.....

۳۶.....* تحریم رسانه‌ای حزب الله لبنان.....

-
-
- * مناقشه قره‌باغ؛ دلایل، ابعاد و پیامدهای آن..... ۴۵
- * آثار و نتایج برجام به روایت دولتمردان..... ۵۹
- * امنیت پایدار در گفتمان امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»..... ۸۴

بخش اقتصادی

- * اقتصاد مقاومتی چرایی و چگونگی تحقق آن..... ۱۰۷

بخش پرسش و پاسخ..... ۱۲۵

داود اوغلو قربانی قدرت طلبی اردوغان

سید نعمت الله عبدالرحیم زاده

دو سال قبل بود که نخستین کنگره فوق العاده حزب عدالت و توسعه، AKP، برگزار شد تا احمد داود اوغلو به جای رجب طیب اردوغان برای پست نخست وزیری ترکیه انتخاب شود. چند روز قبل نخستین انتخابات ریاست جمهوری ترکیه برگزار شده بود و اردوغان بعد از سال ها نخست وزیری به این مقام رسید و باید فردی وفادار به خود و مطمئن را برای جانشینی اش در نخست وزیری تعیین می کرد و این فرد کسی نبود جز داود اوغلو که از ابتدای رسیدن اردوغان به حکومت همواره یار وفادار او بود. حالا این یار وفادار از چشم رئیس جمهور ترکیه افتاده و دیدار زودتر از موعد این دو در روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت هم نتوانست اختلاف ها را برطرف کند و این داود اوغلو بود که با اعلام برکناری خود را فدای رئیس کرد. قرار است دومین کنگره فوق العاده حزب دوم، خرداد و برای تعیین جانشین داود اوغلو تشکیل شود تا او بعد ۲۲ ماه از قدرت کناره گیری کند اما چرا او آمد و چرا به این صورت کنار زده می شود؟

سخن هدايت

نظریه پرداز حزب

احمد داود اوغلو را می‌توان از جمله رهبران حزب عدالت و توسعه دانست که جدای از بنیان‌گذاری آن در کنار عبدالله گل و اردوغان، نظریه‌پرداز این حزب نیز بوده تا آنجا که برنامه حزب برای هدایت ترکیه به خصوص در عرصه سیاست خارجی برخاسته از اندیشه سیاسی او بوده است. داود اوغلو برخلاف دیگر رهبران حزب از عرصه علم و دانشگاه وارد سیاست شد. بر اساس نظریه‌پردازی او بوده که ترکیه مسیر گذشته از تلاش مستمر برای پیوستن به اتحادیه اروپا را به سمت خاورمیانه تغییر جهت داد تا آن که ترکیه نه کشوری مانده در پشت درهای اتحادیه، بلکه قدرتی باشد که به دنبال جایگاه نوینی در سطح منطقه و بین‌الملل است.

نقطه ثقل این نظریه بر محور اصطلاحی به نام نوعثمان‌گرایی، Neo-Ottomanism، است به این معنا که ترکیه در این تغییر مسیر سعی می‌کند تا موقعیتی شبیه سال‌های دور و با عنوان امپراتوری عثمانی به دست بیاورد که از یک سو ارتباط نزدیکی با اروپا دارد و از سوی دیگر، مبدل به قدرتی تعیین‌کننده در منطقه خاورمیانه شود و نفوذ گذشته خود را در این منطقه احیا کند. راهبرد تنش صفر ترکیه تا قبل از بروز بحران در جهان عرب تحت نظریه او در پیش گرفته شد تا از طریق مسالمت‌آمیز نفوذ دوران عثمانی به دست بیاید و بعد از بروز بحران ناگهان راهبرد مداخله‌جویی در جهان عرب در پیش گرفته شد که همان هدف را دنبال می‌کرد.

بروز اختلافات

تا دو سال قبل که داود اوغلو به عنوان وزیر خارجه در کنار اردوغان بود نه تنها نشانی از اختلاف وجود نداشت، بلکه تبعیت او از اردوغان تا آنجا بود که با رسیدن اردوغان به مقام ریاست جمهوری، همه انتظار نخست‌وزیری داود اوغلو را داشتند و همین اتفاق هم پیش آمد. این تبعیت می‌توانست ادامه پیدا کند اگر قدرت‌طلبی اردوغان حد و حصری داشت اما وقتی که جنگ

داخلی با کردها و سرکوب روزنامه‌نگاران شدت پیدا کرد دیگر داوداوغلو نمی‌توانست به وضعیت قبل ادامه بدهد و اختلافاتش با اردوغان شروع شد. هدف اصلی اردوغان در مورد تغییر نظام سیاسی ترکیه از نظام فعلی پارلمانی به نظام ریاستی زمینه اختلاف دیگری میان او و داود اوغلو را فراهم کرد؛ چرا که داود اوغلو چندان موافق چنین تغییری با توجه به حذف پست نخست‌وزیری نیست و برخلاف اردوغان، تمرکز بیش از حد قدرت در دست رئیس‌جمهور را چندان موافق نظریات خود نمی‌داند.

مذاکرات ماه‌های اخیر میان ترکیه و اتحادیه اروپا بر سر پناهجویان موجب شدت گرفتن اختلافات بین این دو شد؛ چرا که طرف اصلی اتحادیه اروپا در این مذاکرات شخص داود اوغلو بود و به موازات پیش‌رفت مذاکرات، اردوغان نسبت به نیت و دست‌آورد نخست‌وزیر خود به دیده بدگمانی می‌نگریست. وقتی که اتحادیه اروپا امتیازهایی از قبیل لغو ویزای ورود به اتحادیه برای شهروندان ترکیه، کمک ۶ میلیارد یورویی اتحادیه به ترکیه و پذیرش یک پناهجو از ترکیه در ازای بازگرداندن هر یک پناهجو از یونان به ترکیه به داود اوغلو داد، اردوغان گفت: «در زمان نخست‌وزیری من مشخص بود که این برنامه قرار است در سال ۲۰۱۶ انجام شود. این که چهار ماه اجرای آن به جلو کشیده شده، پیروزی محسوب می‌شود؟» اردوغان این حرف را زد تا امتیازهای اتحادیه به عنوان دست‌آوردی برای داوداوغلو به حساب نیاید و در این میان وبلاگ‌نویسی به میدان آمد تا معلوم بشود که شدت اختلافات به نقطه بی‌بازگشت رسیده است.

وبلاگ‌نویس ناشناس با نام مستعار فدایی رئیس، لقب هواداران دو آتیشه اردوغان، پرونده پلیکان را مطرح کرد که در آن به خائنین هشدار می‌داد و البته از خائن جدیدی به نام احمد داود اوغلو اسم برد. این فدایی خیانت او را در دو مورد از تغییر نظام سیاسی ترکیه و همدستی داود اوغلو با کشورهای غربی برای سرنگونی اردوغان برشمرد و همزمان با این نحو اتهام‌زنی بود که شورای اجرایی AKP اختیارات داود اوغلو را برای انتصاب رهبران استانی

حزب محدود کرد تا معلوم بشود که زمان رفتن او از قدرت فرا رسیده است.

کودتای قصر

با وجود اختلافات و اتهام‌زنی‌ها داود اوغلو قصد دارد آرام و بی‌سر و صدا از قدرت کناره‌گیری کند و حتی وعده داد که حتی یک کلمه هم علیه اردوغان نخواهد گفت و تأکید کرده که حاضر است عرصه سیاست را ترک کند تا هیچ‌گونه آسیبی به حزب نرسد. از طرفی، منتقدان اردوغان و به خصوص کمال قلیچداراوغلو، رهبر حزب جمهوری خلق، این نحو برکناری او را با عنوان «کودتای قصر» توصیف کرده و آن را در جهت «تحکیم موقعیت دیکتاتور ترکیه» خوانده است. اشاره‌های قلیچداراوغلو مستقیم به اردوغان است که از نظر منتقدان حاکمیت، حذف داوداوغلو تلاش اردوغان برای تسریع در نظام سیاسی ترکیه و ایجاد نوعی دیکتاتوری از سوی او است. در واقع، این نحو برکناری نخست‌وزیر در تاریخ سیاسی معاصر ترکیه اگر بی‌نظیر نباشد کم‌نظیر است و توصیف آن به کودتای قصر نیز از این جهت است.

حالا اردوغان مبدل به یک‌ه‌تاز عرصه سیاست ترکیه شده و خبرها مربوط به گزینه‌های او برای جانشینی داوداوغلو این نکته را تأیید می‌کنند که یکی از این گزینه‌ها برات آلبایرک، وزیر انرژی و داماد اردوغان، است. شاید داوداوغلو همان‌طور که وعده داده عرصه سیاست را آرام و بی‌سر و صدا ترک کند هم‌چنان که عبدالله گل هم پیش از این آرام کنار رفت تا زمینه برای ریاست جمهوری اردوغان فراهم شود، اما از حالا پیش‌بینی‌هایی از جریان منتسب به او در میان نمایندگان حزب در پارلمان می‌شود. این پیش‌بینی‌ها با توجه به میل شدید اردوغان به قدرت تام و تمام چندان خالی از وجه نیست و باید گفت که در صورت یک‌ه‌تازی‌های بیشتر او امکان بازگشت افرادی مثل داوداوغلو و گل به عرصه سیاست برای محار و وجود دارد که در آن صورت باید انتظار انشعاب در حزب یا تشکیل احزاب جدیدی از سوی این افراد و برای کنترل اردوغان را داشت.

بیانات امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»

تولید داخلی چیز مقدسی است...

بنده برای تولید داخلی حقّ زیادی را قائلم. تولید داخلی بایستی به‌عنوان یک چیز مقدّس شمرده بشود. حمایت از تولید داخلی باید یک وظیفه شناخته بشود؛ همه خودشان را موظف بدانند از تولید داخلی حمایت بکنند. یکی از راه‌ها این است که جنسی که مشابه داخلی دارد، مطلقاً از خارج وارد نشود (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

بارک الله بر این انسان باغیرت....

بعضی از فروشگاه‌ها مقید شده‌اند که جز تولید داخلی را نفروشند؛ تابلو هم زده‌اند؛ عکسش را گرفتند برای من آوردند و من دیدم. تابلو زده‌اند، تابلوی بزرگ، که در این فروشگاه فقط تولید داخلی فروش می‌رود. بارک‌الله! آفرین بر این انسان باغیرت، بر این انسان مصلح! هرچه در این فروشگاه هست، تولید داخلی است. نقطه مقابلش، فروشگاه‌هایی هستند که

وقتی انسان وارد می‌شود، هرچه چشم می‌گرداند، تولید خارجی است. متأسفانه بعضی از این فروشگاه‌ها که فروشگاه‌های بزرگ هم هستند، مربوط به خود دستگاه‌های حکومتی‌اند! چرا این کار را میکنند؟ این کار باید زشت شمرده بشود (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

(حتی) از (کلمه) برند (هم) خیلی بدم می‌آید...

بنده از این کلمه «برند» هم خیلی بدم می‌آید. فروش کالای خارجی و مصرف کالای خارجی باید در جامعه به‌عنوان یک ضد ارزش شناخته بشود، مگر آنجایی که مشابه داخلی‌اش نیست (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

تلاش عده‌ای در داخل برای نجات کارخانه اتومبیل آمریکایی از

ورشکستگی...

من نمی‌دانم این قضیه واردات خودروهای آمریکایی چیست که حالا سر زبانها افتاده و بعضی‌ها می‌گویند. خودروهای آمریکایی را خود آمریکایی‌ها مصرف نمی‌کردند؛ این در مطبوعات آمریکایی‌ها منعکس شد و ما دیدیم؛ می‌گفتند مصرفش زیاد است، سنگین است. مثلاً فرض کنید ما، از [محصول] فلان کارخانه خودروسازی رو به ورشکستگی آمریکا استفاده کنیم؛ آن‌هم آمریکا! جلوی اینها بایستی به‌طور جدی ایستاد. چه کسی بایستد؟ خود مسئولین، خود وزرای محترم (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

منی‌دانم راست است یا خیر. اگر راست باشد خیلی بد است...

من نمی‌دانم اینکه می‌گویند واردات لوازم آرایشی در کشور چند میلیارد دلار است، راست است یا نه؟ من تحقیق نکرده‌ام، شما هم گمان نمی‌کنم خیلی تحقیق کرده باشید؛ اگر راست باشد بد است. [واردات] لوازم آرایشی،

چند میلیارد [دلار]! آن‌هم در کشور ما که حالا این‌همه موانع و اشکالات برایش درست می‌کنند؛ برای اینکه فرض کنید فلان خانواده پول‌دار نوکیسه تازه به دنیا رسیده دلشان می‌خواهد این را داشته باشند. شنیده‌ام بعضی‌هایش هم ناسالم است. [در مقابل] اینها پایستند، مقاومت کنند و نگذارند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

قاچاق بلای بزرگی است برای کشور

می‌گویند اگر ما تعرفه‌ها را خیلی بالا ببریم یا جلوی واردات را بگیریم، همین جنس [به صورت] قاچاق می‌آید. به نظر شما این دلیل درستی است؟ خب، جلوی قاچاق را جدی باید گرفت. ما تا حالا در مبارزه با قاچاق خیلی جدی عمل نکرده‌ایم؛ در مبارزه با قاچاق جدی عمل کنید. باید برویم برخورد کنیم با اینها؛ ما دولتیم، ما قدرت داریم، ما می‌توانیم؛ به‌طور جدی با اینها برخورد کنیم. چند مرتبه که برخورد جدی بشود، یا جلوی گرفتار خواهد شد یا لاقط بسیار کاهش خواهد یافت. قاچاق بلای بزرگی است برای کشور (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

ببینید شکاف استخر کجاست...

کارها یک جاهایی می‌لنگد؛ ببینید این لنگش کار کجا است، چرا می‌لنگد و اشکال کار کجا است. شما دارید با چند لوله قطور در این استخر بزرگ دائماً آب می‌ریزید، [اما] مدام از سقف پُر نمی‌شود؛ خب بگرد ببین شکافش کجا است، رخنه‌ای که در این استخر است کجا است که آب از آنجا می‌رود و استخر پُر نمی‌شود؛ مسئولین بگردند این چیزها را پیدا کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

مگر بانک‌های خارجی مرض دارند....

می‌گویند بانک‌های بزرگ دنیا حاضر نیستند. خب چرا حاضر نیستند؟

مگر مرض دارند؟ بانک برای این به وجود آمده که تعامل ایجاد کند. فلان بانک معروف و بزرگ دنیا چرا نخواهد با بازار هشتاد میلیونی یک کشوری با این همه ثروت معامله کند؟ یک مانعی وجود دارد؛ این مانع کیست؟ آمریکا. با کم‌وزیادش، بنده صد بار گفته‌ام که به آمریکا نمی‌شود اعتماد کرد؛ حالا دارد کاملاً روشن میشود. روی کاغذ می‌نویسند که بروند بانک‌ها با ایران معامله. اما در عمل جووری در دل بانک‌ها هراس می‌اندازند که آنها نزدیک نیایند؛ ایران‌هراسی. می‌گویند که ایران یک کشور تروریست است و ما ممکن است مثلاً به‌خاطر روش‌های تروریستی [این] کشور، ایران را تحریم کنیم (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

جناب آمریکایی می‌گوید اوضاع داخلی ایران مانع سرمایه‌گذاری

است...

طرف -جناب آمریکایی- می‌گویند که علت اینکه سرمایه‌دارها و سرمایه‌گذارها نمی‌آیند در ایران سرمایه‌گذاری کنند اوضاع داخلی ایران است؛ اوضاع داخلی ایران چه‌اش است؟ در این منطقه امن‌تر از ایران کجا است؟ خود آمریکا امن‌تر از اینجا است؟ آمریکا که طبق آمارهای خودشان هر روز چند نفر از مردم کشته می‌شوند با ترور، امن‌تر از اینجا است؟ کشورهای اروپایی با این تظاهرات مردمی، با این مشکلات کارگری، با این مشکلات اقتصادی امن‌تر از اینجا هستند؟ [ایران] کشوری امن، کشوری متحد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگران، ۹۵/۲/۸).

بچه‌بازی بچه پولدارهای نوکیسه که با خودروهای کذائی دائماً پز

می‌دهند

الگوی مصرف ما هنوز اصلاح نشده؛ ما بد مصرف می‌کنیم. همین مسأله جنس خارجی، از همین قبیل است. این قاچاق‌های ده‌ها و صدها میلیاردی

وسایل لوکس، از همین قبیل است. این بچه‌بازی‌های داخل خیابانها - که بچه‌پول‌دارهای نوکیسه، با آن خودروهای کذائی می‌آیند دائم راه می‌روند، دائماً رژه می‌روند، دائماً پُز می‌دهند- به‌خاطر همین چیزها است؛ اصلاح الگوی مصرف. این را باید از کودکی به این جوان و نوجوان یاد داد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۹۵/۰۲/۱۳).

قدر خودمان را بدانیم

واقعیت‌هایی وجود دارد: یک واقعیت عبارت است از ظرفیت‌های فراوان و سرمایه‌های فراوانی که در کشور ما وجود دارد؛ هم سرمایه‌های طبیعی داریم، هم سرمایه‌های انسانی داریم، هم فرصت‌های بین‌المللی داریم. امروز کشور ما به‌خاطر این سرمایه‌ها ظرفیت پیشرفت فوق‌العاده‌ای را در درون خود دارد. این یک واقعیت. امروز جمهوری اسلامی به یک قدرت اثرگذار در سطح منطقه و در مواردی در سطح جهان تبدیل شده است؛ این یک واقعیتی است که وجود دارد. قدر خودمان را بدانیم، ارزش و اهمیت خودمان را بدانیم، عظمت این ملت را بدانیم (بیانات در اجتماع زائران حرم رضوی، ۹۵/۱/۱).

اگر تحریم‌ها برداشته بشود فلان اتفاق خواهد افتاد...

دشمن احساس کرده است که کشور ما و ملت ما از تحریم ضربه می‌بیند؛ متأسفانه خود ما هم این برداشت را در او تقویت کردیم. یک جاهایی و در یک برهه‌ای دائم تحریم را بزرگ کردیم که آقا تحریم است، تحریم است، باید تحریم را برداریم، اگر تحریم باشد این جور به ما ضربه می‌خورد و مانند اینها؛ از آن طرف هم برداشتن تحریم‌ها را باز تقویت کردیم، بزرگ کردیم، بزرگ‌نمایی کردیم که اگر تحریم‌ها برداشته بشود این اتفاق خواهد افتاد، آن اتفاق خواهد افتاد؛ اتفاقاتی که نیفتاد و اگر همین جور هم پیش برویم نخواهد افتاد. لکن دشمن احساس کرده است که با ابزار تحریم می‌تواند بر ملت ایران فشار بیاورد؛ دشمن این را احساس کرده است. پس آنچه در مقابل ما امروز

وجود دارد عمدتاً عبارت است از تحریم (بیانات در اجتماع زائران حرم رضوی، ۹۵/۱/۱).

با اقتصاد مقاومتی مصونیت‌سازی کنیم نه با عدول از ارزش‌ها

ما احتیاج نداریم از ارزش‌های خودمان، از خطوط قرمز خودمان، از اصول خودمان صرف‌نظر کنیم تا آمریکا نتواند ما را تحریم بکند؛ ما با دنبال کردن همین سیاست اقتصاد مقاومتی، به معنای عملی مسأله و اقدام عملی موضوع، می‌توانیم کشور را مصونیت‌سازی کنیم؛ می‌توانیم مصونیت بدهیم کشور را تا دیگر در مقابل تحریم به خودمان نلرزم که ما را تحریم خواهند کرد. خب تحریم بکند؛ اگر اقتصاد مقاومتی شد، تحریم دشمن تأثیر قابل توجهی نخواهد کرد. این می‌شود حرکت انقلابی و حرکت مؤمنی (بیانات در اجتماع زائران حرم رضوی، ۹۵/۱/۱).

جنگ است دیگر

کشور بدون اقتصاد مقاومتی رشد نخواهد کرد، مشکلات اقتصادی‌اش برطرف نخواهد شد، بلکه گرفتاری‌هایش روبه‌روز بیشتر خواهد شد، اگر ما اقتصاد مقاومتی را عمل نکنیم. بنده از برادران عزیزمان در دولت درخواست کردم که یک قرارگاه اقتصاد مقاومتی تشکیل بدهند؛ فرماندهی برایش بگذارند. جنگ است دیگر؛ جنگ اقتصادی جنگ است (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۹۴/۱۲/۲۰).

راهبردهای آمریکا پس از اجرای توافق برجام

دکتر طاهره پورغلامی

اشاره:

شرایط محیط منطقه‌ای و بین‌المللی و محدود شدن توانمندی‌های آمریکا در پی ناکامی در عراق و سوریه، امکان به کارگیری رویکرد نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران را با محدودیت‌ها و چالش‌های جدی مواجه ساخته که بیانگر تغییر دیدگاه‌ها و رویکردهای آمریکا نسبت به شرایط داخلی و اقدامات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی است. به تعبیری راهبردهای نظامی آمریکا در منطقه به ویژه علیه ایران به تأخیر افتاده و این قدرت برای تداوم مقابله با جمهوری اسلامی ایران راهبردهای جدیدی را جایگزین کرده است. بر همین اساس، سناریوی جنگ‌های نیابتی در منطقه و به کارگیری جنگ نرم جایگزین لشکرکشی‌های نظامی و رویکرد نظامی آمریکا شده است که در این راستا می‌توان به تغییر رویکرد آمریکا نسبت به ایران در بحث اجرای توافق برجام اشاره کرد. مذاکرات هسته‌ای با گذشت دو سال و نیم موجب توافقی به نام توافق برجام شده و جمهوری اسلامی ایران در

چارچوب این توافقات به تعهدات خود عمل کرده است. مهم‌ترین تعهدات برجام شامل مواردی از جمله اجرای پروتکل الحاقی ان.پی.تی مثل نظارت آرانس بر قطعه-سازی و تغلیظ سنگ معدن اورانیوم، محدودیت سقف غنی‌سازی، کاهش ظرفیت سانتریفیوژها از طریق خارج کردن حدود هفتاد درصد سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم، محدودیت ذخیره اورانیوم غنی‌شده ایران، عدم امکان تولید سوخت هسته‌ای توسط ایران، مسکوت گذاشتن متن توافق در مورد لغو تحریم دسترسی به درآمد فروش نفت ایران، تحریم تست موشک‌های بالستیک میان‌برد و بلندبرد به مدت هشت سال و نیز تحریم خرید و فروش تسلیحاتی ایران به مدت پنج سال و... است. در زمینه اجرای این توافق، آمریکا به دلیل ماهیت تخاصمی بر مبنای تقابل ایدئولوژیک و منافع راهبردی، نه تنها به توافقات عمل نکرده، بلکه راهبردهای جدیدی را در تداوم این تخاصم به کار گرفته است، از جمله:

(۱) مقابله با قدرت بازدارندگی و دفاعی جمهوری اسلامی: آمریکا برای

اجرای مراحل برجام شروطی غیراصولی گذاشته که برنامه تست موشکی یکی از اهداف اصلی برای تضعیف توان دفاعی ایران است؛ در حالی که اقتدار سیاسی و عزت کشور در پرتو تقویت توان دفاعی آن صورت می‌پذیرد.

(۲) حفظ ساختار تحریم به بهانه‌های نقض حقوق بشر و برنامه موشکی:

آمریکا به دنبال بهانه‌های جدید خود، به تصویب تحریم‌های جدید اقدام نموده است. برای مثال، در حوزه نفتی حاضر نیست قیمت نفت را در حالت اعتدال نگه دارد و بدون شک از این طریق تأثیر خود را بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت.

(۳) مقابله با قدرت اقتدار و بازیگری جمهوری اسلامی ایران در سطح

منطقه: آمریکا به دنبال این است که جمهوری اسلامی ایران را با موضوعاتی درگیر کند تا از این طریق بتواند به اقتدار این کشور خدشه وارد سازد. حمایت آمریکا از تروریسم به وسیله عربستان یکی از مهم‌ترین راهبردهایی است که منافع آمریکا را علیه جمهوری اسلامی تأمین انرژی جمهوری اسلامی را در سطح منطقه به تحلیل

می‌کشاند.

۴) دخالت در امور داخلی به ویژه با شیوه نفوذ در ابعاد سیاسی، مدیریتی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی: راهبرد دیگر آمریکا به کارگیری شیوه نفوذ در ابعاد همه‌جانبه است دخالت مستقیم و غیر مستقیم در ایران محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه ما باید درباره با شناخت راهبردهای آمریکا در پس‌برجام بدانیم این است که اقدامات و سیاست‌های آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران قابل اعتماد نیست و آمریکا نتوانسته است به تعهد خود در برجام پای‌بند باشد. این در حالی است که جمهوری اسلامی گرچه راه مذاکره و تفاهم را پیش می‌گیرد، اما همواره باید بر اقتدار ملی (توسعه فناوری، مقاومت‌سازی اقتصاد، حفظ روحیه انقلابی و حماسی بین ملت)، طراحی ائتلاف‌سازی و همگرایی منطقه‌ای و به کارگیری توانمندی‌ها و همکاری با کشورهایی مانند چین و روسیه توجه و به آن عمل کند.

پیامدهای

واگذاری دو جزیره از سوی مصر به عربستان

دکتر مصطفی قاسمی

در ۱۹ فروردین ۱۳۹۵ سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه عربستان سعودی، در چارچوب یک سفر رسمی پنج روزه به مصر رفت و در این سفر با عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور این کشور، دیدار و گفتگو کرد. مقامات دو کشور در این دیدارها، چندین توافق نامه و پروتکل در زمینه های گوناگون به امضا رساندند که یکی از آنها واگذاری جزایر تیران و صنافیر از سوی مصر به عربستان بود که اعتراضات زیادی را در مصر به دنبال داشت.

گروه ها و جریان های سیاسی مصر با دادن فراخوان هایی از مردم این کشور دعوت کردند در تظاهرات سراسری محکومیت واگذاری جزایر مصری به عربستان سعودی از سوی قاهره شرکت کنند.

نقطه اشتراک تمام این فراخوان ها، دعوت از مردم مصر برای شرکت در تظاهرات سراسری علیه حکومت عبدالفتاح السیسی و درخواست کناره گیری وی از قدرت به دلیل تقدیم دو جزیره مصری تیران و صنافیر به عربستان سعودی طی سفر ملک سلمان، پادشاه عربستان، به قاهره است.

تاکنون جنبش های سوسیالیست انقلابی، ۶ آوریل، جوانان علیه انقلاب، مجلس امنای انقلاب و احزاب مصر دموکراتیک اجتماعی، الدستور، مصر قدرتمند، اخوان المسلمین، ائتلاف حمایت از مشروعیت، جریان مردمی و کمیته انقلاب مشارکت خود را در این اعتراض ها اعلام کرده اند.

«صنافیر» جزیره ای به گستردگی ۳۳ کیلومتر مربع واقع در تنگه تیران است که خلیج عقبه را از دریای سرخ جدا می کند. «تیران» نیز یکی از دو جزیره عربستان است که در سال ۱۹۶۷ برای اهداف دفاعی به مصر اجاره

داده شده بود. این جزیره میان تنگه‌های تیران در حد فاصل خلیج ایلات یا خلیج عقبه و دریای سرخ قرار دارد و در شرق صحرای سینا و غرب شبه جزیره عربستان و جنوب فلسطین اشغالی واقع است. مساحت این جزیره به ۸۰ کیلومتر مربع می‌رسد و بخشی از پارک ملی رأس محمد است. این تنگه‌ها شامل چهار گذرگاه است که خلیج ایلات یا عقبه را به دریای سرخ متصل می‌کند و عرض آن ۴.۵ کیلومتر است.

جزایر صنافیر و تیران در بحران سوئز ۱۹۶۷ توسط ملک فیصل به مصر سپرده شدند تا از آنها برای ممانعت از عبور کشتی‌های رژیم صهیونیستی به سوی خلیج ایلات استفاده کند. این جزایر طی جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به اشغال صهیونیست‌ها در آمدند که البته اشغال این دو جزیره کمتر مورد توجه قرار گرفت.

در معاهده کمپ دیوید این جزیره و جزیره صنافیر جزء منطقه جیم (ج) تقسیم‌بندی که مصر اجازه هیچ‌گونه حضور نظامی در آنها ندارد و برای رعایت توافقات امنیتی در خلیج تیران نیروهای چندملیتی در این منطقه مستقر می‌شوند.

واگذاری این جزایر از سوی مصر به عربستان پیامدهایی در سطح ملی برای مصر و در سطح منطقه‌ای برای عربستان و محور سازش همراه خواهد داشت.

نکته مهم این واگذاری در سطح جامعه مصر این است که این مسأله جبهه مخالفان دولت را در جامعه مصر تقویت خواهد کرد. برای اولین بار معارضان و حامیان نظام حاکم با وجود ادامه اختلاف دیدگاه و نظر در امور و قضایای دیگر و استمرار تقابل بین آنها، بر یک خواسته یعنی «محکومیت تقدیم جزایر مصری به عربستان» اتفاق نظر دارند.

در برابر این فراخوان‌ها و اعتراض‌ها وزارت کشور مصر در بیانیه‌ای با اشاره

به اینکه به حقوق شهروندی از جمله آزادی بیان احترام می‌گذارد تصریح کرد، اطلاعاتی در دست دارد که نشان می‌دهد، اخوانی‌ها اقدامات تحریک‌آمیز و فتنه‌انگیزانه‌ای را با هدف ایجاد هرج و مرج در کشور آغاز کرده‌اند. با توجه به این موضع‌گیری دولت این اعتراضات مجدداً این بهانه را به دست دولت خواهد داد تا با اخوانی خواندن مخالفان، نه تنها به سرکوب بیش از پیش اخوان المسلمین بپردازد، بلکه برخی مخالفان را نیز با اتهام اخوانی بودن حذف کند. به همین منظور وزارت داخلی مصر به قشرهای مختلف کشور هشدار داده است در پس این فتنه‌انگیزی‌ها راهی خیابان‌ها و میدان‌ها نشوند و تهدید کرده است که دستگاه‌های امنیتی و ذی‌ربط تدابیر قانونی را برای مقابله با هر اقدام غیرقانونی با هدف حفظ امنیت و ثبات اتخاذ کرده‌اند.

روزنامه الاخبار نیز در مقاله‌ای نوشت: اسرائیلی‌ها فاش کردند که پیش‌تر از این اقدام اطلاع داشتند. آنها نه تنها این توافق را قبول کردند، بلکه از تسلط ریاض بر این دو جزیره نیز استقبال می‌کنند.

تلاش السیسی برای قانع کردن تعدادی از نمایندگان مصر و افکار عمومی نشان می‌دهد که محبوبیت دولت وی به شدت کاهش یافته است و انتقادات گسترده از سوی نیروهای ملی نسبت به اقدامات وی وجود دارد. گزارش‌هایی که سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی تهیه کرده‌اند، به رئیس‌جمهور توضیح می‌دهد که سستی دولت مصر در آماده‌سازی افکار عمومی باعث شده است که این توافق‌نامه غافلگیرکننده باشد و به منزله عقب‌نشینی از اراضی در برابر کمک‌های مالی تلقی شود. گزارش مذکور این اشتباه را متوجه وزارت خارجه و وزارت همکاری بین‌المللی دانست، اما به السیسی توصیه کرد که توضیحاتش در نزدیک‌ترین زمان ممکن و بین سخنرانی‌هایش باشد و سخنرانی ویژه‌ای را به این موضوع اختصاص ندهد تا به مثابه توجیه این اقدام

به شمار نیاید.

هم‌زمان با این اقدامات، وزارت خارجه مصر بخشنامه‌ای را برای اصحاب رسانه منتشر و اسناد سعودی بودن دو جزیره تیران و صنافیر را منتشر کرده است؛ در حالی که کارشناسان نظامی در گفت و گو با روزنامه الاخبار این موضوع را رد و تأکید می‌کنند که اسنادی نزد عربستان و مصر وجود دارد که به صراحت از انتقال مالکیت این دو جزیره از سوی عبدالعزیز به مصطفی پاشا نحاس حکایت دارد. همین موضوع، جنجال داخلی درباره ماهیت این دو جزیره را افزایش داده است و که می‌تواند اختلافات بدنه دولت را افزایش دهد.

با توجه به منافع فرامنطقه‌ای طرح واگذاری جزایر تیران و صنافیر به عربستان سعودی به نظر می‌رسد اگر فشارها ادامه یابد، دولت مصر یا باید تسلیم خواسته عمومی شود یا شاهد گسترش ناآرامی‌ها در این کشور باشد. پول و امکانات سرمایه‌گذاری و کمک‌های مالی و تأمین محصولات نفتی به مدت پنج سال امکاناتی است که مصر در قبال این دو جزیره از عربستان دریافت کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به مشکلات فراوان اقتصادی مردم مصر، دولت بتواند با توجیه بهبود وضع اقتصادی و معیشتی مردم این اعتراضات را خاموش کند، از سوی دیگر ممکن است در ابتدا اعتراضات چشم‌گیر و گسترده باشد، اما سرخوردگی و یأس مردم مصر از انقلاب‌هایی که در کشورشان رخ داد و هیچ نتیجه‌ای همراه نداشت، موجب می‌شود میزان مشارکت مردمی کاهش یابد. همچنین نبود جایگزین و حمایت غرب به ویژه آمریکا از حکومت السیسی با وجود بحران‌های متعدد موجود در مصر، مانع تبدیل این اعتراض‌ها به انقلاب و قیام مردمی می‌شود.

نکته مهم دیگر در این اعتراضات، توجه به نقش نیروهای امنیتی در این معادلات است. در صورت احتمال افزایش و گسترش اعتراضات، باید منتظر

تحولات عمیق‌تری در مصر باشیم؛ زیرا پشت سر این تحولات، نیروهای امنیتی مصر نقش‌آفرینی خواهند کرد. البته همان‌طور که اشاره شد، احتمال گسترش این اعتراضات بعید به نظر می‌رسد.

در بعد منطقه‌ای نیز واگذاری این جزایر به عربستان ممکن است پیامدهای زیر را به دنبال داشته باشد:

کارکرد اول جزایر مذکور می‌تواند انتقال خط لوله نفت عربستان سعودی به سمت اروپا از طریق این جزایر به شبه‌جزیره سینا و اراضی اشغالی تا بندر حیفا باشد. به این ترتیب هزینه‌های نفت مصرفی اسرائیل از درآمدهای این خط لوله به دست خواهد آمد. همچنین اسرائیل در آینده بازاریابی برای فروش این خط در بازار آزاد را نیز بر عهده خواهد داشت.

کارکرد دوم جزایر مذکور در همکاری عربستان با اسرائیل است. این دو جزیره دروازه‌سازش میان آل سعود و صهیونیست‌هاست. در زمانی که عبدالعزیز آل سعود خاک و سلطه خود را بر سرزمین عربستان سعود گسترش می‌داد، به این منطقه که رسید، دو اقدام هم‌زمان را انجام داد: اول بخشی از خاک عربستان را به اردن واگذار کرد؛ دوم اینکه این دو جزیره را به مصر سپرد. در آن زمان عربستان به فکر ارائه چهره مسلمانی از خود بود و ادعای ظاهری عدم ارتباط با اسرائیل را داشت. با اینکه که در آن مدت سازمان‌های امنیت دو کشور با یکدیگر مرتبط بودند، اما هرگز جرأت علنی کردن این روابط را نداشتند. اما اکنون این موضوع عملاً منتفی شده است و مقامات سعودی رفت و آمد خود را با اسرائیل علنی کرده‌اند و دیگر نیازی به ملاحظه‌کاری و پوشش دادن به این ارتباط، از لحاظ سیاسی، امنیتی و راهبردی ندارند. از سوی دیگر بر اساس گزارش‌های غربی، این جزایر می‌توانند عرصه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی بین اسرائیل و عربستان از جمله استقرار یگان‌های واکنش نظامی و رادارها و سکوهای ماهواره‌ای و

شنود و جنگ الکترونیک باشند. این همکاری‌ها می‌تواند در چارچوب تفاهم دوجانبه برای معیارهای متحد جنگ ضد تروریسم! و تعیین دوست و دشمن مشترک دنبال شود.

این دو جزیره از نظر ژئوپلیتیک اهمیت منحصر به فردی دارند. نه تنها نزدیک‌ترین جزایر به شهر راهبردی و مهم «شرم الشیخ» هستند، بلکه دروازه‌های ورودی «خلیج عقبه» محسوب می‌شوند که برای اسرائیل و صحرای سینا حکم مرگ و زندگی را دارد! علاوه بر آن، تقریباً در ورودی کانال سوئز قرار دارند و در نتیجه، سیطره آل سعود بر آنها، به ریاض فرصت می‌دهد که دنیا را به بستن کانال سوئز و خلیج عقبه تهدید کند. اهمیت این دو جزیره برای اسرائیل از لحاظ موقعیت جغرافیایی آنها در آستانه ورود به خلیج عقبه است. این موضوع اهمیت استثنایی در موازنه منافع امنیتی اسرائیل ایجاد می‌کند و ماهیت دولتی که بر این جزایر مسلط است، نقش اساسی در تعریف تهدیدها و فرصت‌های رژیم اسرائیل ایفا می‌کند. موافقت اسرائیل با این توافق نشان می‌دهد که این رژیم موضع مثبتی نسبت به رویکردها و استراتژی عربستان در قبال خود و امنیت خود دارد.

نکته دیگر اینکه هدف عربستان از در اختیار گرفتن دو جزیره تیران و صنافیر، تشکیل محوری است که شامل عربستان، مصر، ترکیه و اسرائیل می‌شود. اسرائیل- همان‌طور که رسانه‌های آن مطرح می‌کنند- از این اقدام استقبال و آن را گامی مفید برای بهره‌برداری از جغرافیای منطقه در راستای فرصت‌های همگرایی بین اسرائیل و همسایگان آن معرفی می‌کند. تل‌آویو بازگشت عربستان به جزایر مذکور را فرصتی برای همکاری در مسیر توسعه و گردشگری و تجاری می‌داند و آن را نقطه تلاقی مثلث مصر، اسرائیل و عربستان سعودی معرفی می‌کند.

عامل راهبردی دیگر که در مواضع رژیم صهیونیستی به چشم می‌خورد،

واقعیت موضع گیری عربستان نسبت به بندهای توافق کمپ دیوید متعلق به این دو جزیره است. از مواضع اسرائیلی‌ها مشخص می‌شود که آنها با این عملیات موافق هستند. این موضوع را شبکه ۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی بیان و تأکید کرد: سعودی‌ها در برابر مصری‌ها و به صورت غیرمستقیم در برابر ما و آمریکایی‌ها تعهد کردند که به تمامی الزامات متعلق به بند نظامی در توافق و سازش مذکور در مورد این جزایر پایبند باشند.

به این ترتیب اسرائیل عملاً و دور از مواضع سیاسی و تبلیغاتی ثابت کرد که دولت عربستان را تضمینی برای تأمین منافع امنیتی خود می‌داند. این موضوع همچنین نشان‌دهنده تعهد مستقیم عربستان به توافق کمپ دیوید است. بنابراین می‌توان گفت که عربستان طرف چهارم توافق نامه کمپ دیوید در کنار آمریکا، اسرائیل و مصر است.

تحلیلی بر سفر اوباما به عربستان سعودی

علیرضا زارعی

سفر باراک اوباما برای چهارمین بار در دوران ریاست جمهوری خود به عربستان سعودی صورت گرفت، اما این سفر به دلایل مختلف با سفرهای پیشین او متفاوت بود؛ زیرا اولین سفر اوباما پس از توافق هسته‌ای (برجام) و البته به اذعان خودش، آخرین سفر او در دوران ریاست جمهوری‌اش به عربستان بود و در زمانی انجام می‌شد که اختلاف نظرهای آمریکا و عربستان در زمینه مسائل منطقه‌ای مثل سوریه، یمن و نحوه مقابله با گروه تروریستی داعش در اوج خود بود. هم‌زمانی این سفر با بحث‌های جدی میان کنگره آمریکا و مقامات وزارت خارجه و پنتاگون درباره دست داشتن عربستان در حادثه ۱۱ سپتامبر و تلاش کنگره برای تصویب طرحی که عربستان را مسئول حمله به برج‌های دوقلو معرفی می‌کند، به رغم هشدار اوباما مبنی بر وتو کردن این طرح، زمینه سردی فضای این سفر را فراهم آورد.

چرایی سفر اوباما به عربستان

باراک اوباما با این سفر چند اقدام را هم‌زمان انجام داد؛ به عبارتی در بیان مواضع و سخنان خود یکی به میخ و یکی به نعل زد. او از یک سو با ابراز نگرانی از فعالیت‌های ایران در منطقه، جمهوری اسلامی را به حمایت از تروریسم متهم کرد و وعده داد با اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای مهار ایران همکاری کند و از سوی دیگر در نشستی غیرعلنی با ملک سلمان، پادشاه عربستان، به او یادآور شد که ریاض باید همزیستی با ایران را یاد بگیرد.

پیش‌تر «هنری کیسینجر»، نظریه‌پرداز و دیپلمات برجسته آمریکایی، با اشاره به اینکه ایران قدرتمندترین ظرفیت اقتصادی و نظامی را در منطقه دارد که با همکاری با دیگر کشورها و غیردولت‌ها ترکیب شده است، از دولتمردان آمریکا

خواسته بود ضمن حمایت از متحدان عرب خود، با ایران تعامل کنند. به نظر می‌رسد اوباما هم با در نظر داشتن این مهم، مواضع خود را در نشست ریاض و حاشیه آن اعلام کرد. البته نوع مواجهه رئیس‌جمهور آمریکا آن هم در خاک عربستان و خطاب به سران این کشور نشان‌دهنده اثبات ناکارآمدی عربستان برای آمریکا در اوضاع کنونی منطقه است.

مجله فارین پالیسی در خصوص سفر اوباما به عربستان سعودی نوشت: رئیس‌جمهوری آمریکا برای امضای سند دفن روابط راهبردی ویژه میان دو کشور به عربستان سفر کرده است. هر کسی بر این باور باشد که رئیس‌جمهوری جدید آمریکا این روابط را احیا خواهد کرد، در اشتباه است.

با توجه به تحولات گذشته، سه رویداد مهم از پایان روابط راهبردی میان عربستان و آمریکا حکایت می‌کند:

نخست، عقب‌نشینی اوباما از حمله هوایی به دمشق برای سرنگونی نظام «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، به اتهام عبور از خطوط قرمز تعیین‌شده و استفاده از تسلیحات شیمیایی «فرضی» علیه معارضان مسلح طی سال ۲۰۱۳؛ باراک اوباما سناریوی لبیبی را در سوریه تکرار نکرد.

دوم، توافق هسته‌ای (برجام) که قرار شد به لغو تحریم‌ها علیه تهران و بازگشت آن به جامعه جهانی و نیز حذف صفت به اصطلاح کشور تروریستی «سرکش» از این کشور بینجامد.

سوم، مصاحبه اوباما با مجله آتلانتیک؛ اوباما در گفت‌وگو با نشریه آتلانتیک با انتقاد صریح از عربستان سعودی گفت: «برخی متحدان آمریکا در خلیج فارس و نیز اروپا می‌خواهند آمریکا را درگیر نبردهای قومیتی کنند که تأثیر کمی برای منافع آمریکا دارد».

وی در این مصاحبه عربستان سعودی را به ترویج ایدئولوژی وهابی تندرو متهم و تأکید کرد که اکثریت قریب به اتفاق عاملان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱- یعنی ۱۵ نفر از مجموع ۱۹ نفر- سعودی بودند. اوباما همچنین از عربستان خواست با ایران به توافق

برسد. سعودی‌ها نیز در مقابل تهدید کرده‌اند چنانچه کنگره آمریکا عربستان را برای حمله ۱۱ سپتامبر مقصر قلمداد کند، میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری‌های خود در آمریکا را خواهند فروخت.

امروز اوضاع خطرناکی برای سعودی‌ها به وجود آمده است؛ زیرا با چالش‌های اقتصادی و جمعیتی و همچنین راهبردی و امنیتی روبه‌رو هستند. از نظر داخلی، گروهی از جوانان سعودی در حالی وارد بازار کار می‌شوند که کاهش قیمت نفت، فرصت‌های اقتصادی این کشور را محدود و نظام رفاهی را تضعیف کرده است.

طبق گزارش‌ها، از نظر منطقه‌ای نیز ایران در بین کشورهای مهم، عربستان را غافلگیر کرده است و از نظر جهانی نیز دوری آمریکا از عربستان موجب شده است تا سعودی‌ها پی ببرند تا چه اندازه به آمریکا وابسته و به آن تکیه کرده‌اند.

سعودی‌ها همچنین از توافق هسته‌ای آمریکا با ایران و لغو تحریم‌های هسته‌ای تهران خشمگین شدند.

از آن طرف، سعودی‌ها ناآرامی‌های دمشق را فرصتی برای جایگزین کردن «بشار اسد»؛ رئیس‌جمهور سوریه، می‌دیدند، اما این امید سعودی‌ها بعد از آن رو به ناامیدی رفت که آمریکا از تصمیم خود برای حمله نظامی به سوریه به ظن آنکه دولت اسد از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده، صرف‌نظر کرد.

عربستان امیدوار بود پس از کاهش قدرت عراق، فروپاشی اقتصادی مصر و کم‌رنگ شدن نقش منطقه‌ای آن و خروج سوریه از معادله، به دلیل پنج سال جنگ که ارتش آن را خسته و یک‌چهارم جمعیت این کشور را آواره کرده است، آمریکا همچنان رهبری این کشور بر خاورمیانه را به رسمیت بشناسد. از این رو عربستان سعودی با هرگونه مشارکت جمهوری اسلامی ایران در رهبری منطقه مخالفت کرده و می‌کند. این همان چیزی است که حالت متلاطم سعودی‌ها را برای تشکیل ائتلاف‌های اسلامی و عربی به رهبری خود و اعلان جنگ علیه هر کسی که از ریاض سرپیچی و با ایران ائتلاف کند، تفسیر می‌کند. چنین وضعیتی برای یمن، سوریه و لبنان اتفاق افتاده است.

علل و چشم‌انداز اصلاحات در عراق

دکتر تورج افشون

اشاره:

«حیدر العبادی» نخست‌وزیر عراق که مدتی تحت فشار سیاسی شدیدی برای اجرای اصلاحات سیاسی در دولتش قرار داشت، سرانجام روز پنجشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۹۵ (۳۱ مارس ۲۰۱۶)، اسامی اعضای جدید کابینه‌اش را به پارلمان اعلام کرد.^۱

او اسامی ۱۴ وزیر پیشنهادی را دوازدهم فروردین به «سلیم الجبوری» رئیس پارلمان، تحویل داد و در سخنرانی‌اش در صحن پارلمان اعلام کرد که در سال ۲۰۱۵، ۴۰ درصد از هزینه‌های دولت را کاهش و هدف دولت جدیدش را مبارزه با فساد، مبارزه با داعش و آزادی شهرهای کشور و حل معضل آوارگان قرار داده است.

نخست‌وزیر عراق، تغییر اخیر در کابینه این کشور را تنها «بخش کوچکی» از اصلاح روند سیاسی دانست و تأکید کرد: شراکت میان گروه‌های سیاسی به منزله رقابت بر سر پست‌های سیاسی نیست. حیدر العبادی روز جمعه ۲۰ فروردین اعلام کرد که منافع مردم عراق در یکپارچگی کشورشان است و تغییرات کابینه، به منزله توهین یا ضربه زدن به منافع هیچ گروهی نیست.

اکنون این پارلمان عراق است که باید کابینه جدید را تأیید یا رد کند.

۱. العبادی تحصیل کرده انگلیس و نزدیک به ۳۰ سال در این کشور زندگی کرده است. وی از

۲۷ ماه پیش دولتش را تشکیل داده و در اصلاحات خود، تعداد وزارتخانه‌های عراق را به ۱۸ وزارتخانه کاهش داده است.

ولی تحولات اخیر در صحن پارلمان طی روز پنج‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۵، حاکی از اختلافات شدید در این راستاست. در واقع العبادی، تحت فشار برخی از جریان‌ها، فهرست اول را تغییر داد که همین امر به اعتصاب برخی از نمایندگان در صحن پارلمان منجر گردید.

نمایندگان اعتصاب‌کننده روز پنج‌شنبه ۲۶ فروردین در غیاب سلیم الجبوری، با برگزاری یک نشست، با انتخاب «عدنان الجنابی» به عنوان رئیس موقت پارلمان، از برکناری الجبوری و نشیت فوق‌العاده پارلمان در روز شنبه ۲۸ فروردین خبر دادند. این درحالی است که العبادی و الجبوری رؤسای قوای مجریه و مقننه این تصمیم‌ها را برخلاف قانون اساسی خواندند.

حیدر العبادی در واکنش به تحولات اخیر، اختلافات پارلمان را علت وقفه در اجرای اصلاحات مورد نظر خود خواند. بارزینانی نیز از نمایندگان کرد خواست تا با مسأله برکناری مقامات دولتی مخالفت کنند و به فهرست دوم نامزدهای کابینه حیدر العبادی رأی دهند. نکته مهم در جریان تحولات کنونی، به هم ریختن صف‌بندی‌های سیاسی و احتمال آرایش جدید سیاسی نیروهاست؛ به صورتی که برخی از جریان‌های دیروزی مخالف، امروز به صورت عجیبی در کنار هم قرار گرفته‌اند.

تغییر و تحولاتی که حیدر العبادی در کابینه خود ایجاد کرد، پرسروصدا و پر از انتقاد بوده است. این تغییرات با هدف تخصص محوری در دستور کار دولت قرار گرفت، اما گمانه‌های رابطه محوری و نزدیکی به یک جریان خاص بیشتر از تکنوکرات بودن این نیروها دیده می‌شود. از این رو، احتمال تداوم اعتراضات و انتقادات نه تنها از سوی جریان‌های سیاسی، بلکه در سطح مردمی و «نیروهای رها از حاکمیت» وجود دارد.

عراق طی چند سال اخیر دچار دو مشکل عمده شده است:

نخست شرایط امنیتی و اشغال بخشی از مناطق شمال غربی و غرب این

کشور که در کنترل و اشغال گروه داعش است و در نتیجه، تمرکز عملیات نظامی بر تقابل با مسأله تروریست‌هاست.

دوم اینکه افزایش مشکلات اقتصادی و افزایش انتقادات و نارضایتی‌ها در سطوح سیاسی، امنیتی و اجتماعی عراق منجر به ایجاد برخی ناکامی‌ها در این کشور شده است. این وضعیت به حدی رسید که حتی آیت الله سیستانی نیز بر ضرورت انجام اصلاحات و مقابله با فساد اقتصادی در عراق تأکید کرد. فقدان ثبات سیاسی، ناامنی و افزایش حوزه نفوذ داعش، عدم توسعه اقتصادی و مشکلات فراگیر این کشور در زمینه اشتغال و رونق کسب و کار و حتی ناتوانی دولت این کشور در پرداخت حقوق کارمندان خود، گوشه‌ای از مشکلات فراگیری هستند که به اعتراضات و مطالبات متعدد مردمی برای تغییر و ساماندهی اوضاع و تدوین سیاست‌هایی برای مبارزه با فساد از سوی سیاستمداران عراقی منجر شده است.

العبادی در بررسی‌های خود به این جمع‌بندی رسید که تغییراتی در کابینه خود ایجاد کند. در این تغییرات، کلیدواژه تکنوکرات بودن افراد جدید بسیار به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد العبادی در انتخاب وزرایش بیش از همه بر این موضوع تأکید می‌کند. اما با معرفی این افراد و بررسی کارنامه آنها تردیدهای قابل توجهی درباره جدی بودن این مفهوم در انتخاب وزرا ایجاد شده است.

نوع و سطح تغییرات در کابینه

سند تغییرات و اصلاح کابینه که حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، به تشکیل‌های سیاسی ارسال کرده شامل همه جوانب اجرایی، امنیتی، مدیریتی، اقتصادی، نظارتی و قانون‌گذاری است. این سند همچنین شامل مسائلی مانند استانداردهای انتخاب کابینه تکنوکرات، ارزیابی عملکرد وزارتخانه‌ها، مبارزه با فساد، گسترش برنامه‌های دولت و تغییرات در بخش‌های مختلف و موارد

دیگری می‌شود. بر این اساس، به نظر می‌رسد سطح تغییرات در دولت عراق گسترده خواهد بود و در صورت رأی مثبت پارلمان و اجرایی شدن آنها، تغییرات وسیعی را در سیاست‌های داخلی و خارجی عراق خواهیم دید. البته همان‌گونه که پیش‌تر آمد، فهرست اول پیشنهادی العبادی برای تغییر کابینه با فهرست دوم (که تحت فشار برخی جریان‌ها تهیه شد) موجب اعتراضات گسترده‌ای در صحن پارلمان و حتی جامعه شده است.

نیاز اقتصادی و نیاز امنیتی؛ زمینه‌ساز تغییرات گسترده

بی‌شک دو مسأله اساسی که ایجاد اصلاحات و تغییرات اساسی در ساختار سیاسی عراق را ضروری کرده امنیت و اقتصاد هستند. عراق در سال‌های اخیر با وجود سقوط نظام دیکتاتوری حزب بعث و روی کار آمدن دولت‌های جدید، همچنان وضعیت بی‌ثبات و ناآرامی را تجربه می‌کند. وجود شکاف‌های قومی و مذهبی توأم با اشغال بخش‌هایی از خاک عراق توسط داعش سبب شده است تا امنیت و ثبات به کالایی کمیاب و حتی نایاب در عراق تبدیل شود و این امر همراه کاهش قیمت نفت، مهم‌ترین تأثیر را بر وضعیت اقتصادی این کشور بگذارد. در نتیجه، مسائل امنیتی و اقتصادی باید یکی از مهم‌ترین محورهای سند اصلاحات سیاسی در عراق محسوب شوند. در حوزه امنیتی، آزادسازی مناطق عراق از قبضه داعش و ممانعت از تلاش این گروه برای گسترش حضور خود و گرفتن سلاح از دست آنها از جمله مهم‌ترین برنامه‌ها هستند. عدم تغییر وزرای کشور و دفاع عراق نیز به دلیل اوضاع حساس امنیتی کنونی این کشور بوده است. در حوزه اقتصادی نیز این سند باید طرح فعال‌سازی بخش صنعتی و کشاورزی و دیگر بخش‌های اقتصادی را دربرگیرد.

ماهیت تغییرات

برای بررسی افراد معرفی شده در کابینه جدید دولت العبادی باید به این

نکته توجه کرد که در روزهای اخیر سیدعمار حکیم، رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق برای حل بحران سیاسی و اجرای اصلاحات در این کشور طرحی را پیشنهاد داد که بر اساس آن، نخست وزیر حق آزادی انتخاب دور از سهمیه‌بندی سیاسی مورد توافق در تمام مواضع دولتی را دارد.^۱ هر چند بحث‌های زیادی بر سر این طرح بین احزاب و گروه‌های عراقی وجود دارد و در نهایت پارلمان عراق باید نظر نهایی را در این مورد اعلام کند، اما به نظر می‌رسد حیدر العبادی ابتدا تا حد زیادی کوشید از افراد تکنوکرات و نه سیاسی و حزبی در کابینه جدیدش استفاده کند. بنابراین در لیست‌های پیشنهادی او، توازن بین گروه‌های سیاسی و وابستگی وزرا به جریان‌های مختلف ملی و مذهبی رعایت نشده است. در صورتی که این رویکرد، مورد پذیرش پارلمان و احزاب مختلف عراقی قرار بگیرد شاید بتوان گفت که این

۱- سومریه نیوز اواسط فروردین ۱۳۹۵ به نقل از «حمید معله» سخنگوی مجلس اعلای اسلامی عراق گزارش داد: عمار حکیم طرحی را برای بهبود وضعیت سیاسی عراق پیشنهاد کرده بود که تغییراتی در این طرح ایجاد شده است. معله خاطرنشان کرد: این تغییرات شامل افزودن بند «لزوم تشکیل شورای سیاسی امنیت ملی» و بند «عدم انحصار ایجاد اصلاحات سیاسی در تغییر ترکیب کابینه» است. معله افزود: شورای سیاسی امنیت ملی نهادی مشورتی خواهد بود و رأی اعتماد مجلس نمایندگان را به دست خواهد آورد.

سخنگوی مجلس اعلای اسلامی عراق همچنین اعلام کرد: شورای سیاسی امنیت ملی از رؤسای احزاب و تشکل‌های سیاسی تشکیل خواهد شد و سید مقتدا صدر یکی از اعضای این شورا خواهد بود. بر همین اساس، مجلس اعلای اسلامی از فؤاد معصوم رئیس جمهوری عراق خواسته است که طرح عمار حکیم را بپذیرد و همه احزاب و تشکل‌های سیاسی را برای تأیید و امضای سند این طرح دور یک میز جمع کند.

ولی فؤاد معصوم، رئیس جمهوری عراق در سخنانی به مناسبت روز شهید عراق که در دفتر سیدعمار حکیم رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق بیان شد، ضمن اولویت قایل شدن برای موضوعات امنیتی، اظهار داشت ما در مقابل چالش حفظ ادامه روند سیاسی قرار داریم و در این زمینه مسئول هستیم. از همین رو، وی بر ضرورت تفاهم سیاسی همه گروه‌های سیاسی برای حل مشکلات عراق تأکید کرد.

دولت، اولین تجربه کابینه‌ای نسبتاً فراحزبی و جناحی برای عراق پس از صدام خواهد بود.

آقای علی شریف که برای پست وزارت خارجه معرفی شده، از افراد وابسته به خاندان سلطنتی شریف حسین و نظام سیاسی پیش از صدام حسین است و در نتیجه انتقاداتی را با خود همراه داشته است و برخی از گروه‌های سیاسی، معرفی او را نوعی بازگشت به عقب در عراق ارزیابی کرده‌اند؛ زیرا او به نظام سلطنتی عراق وابسته است و این امر نمی‌تواند مطلوب نظام کنونی باشد. از سوی دیگر برای وزارت نفت هم یک فرد کرد معرفی شده است که این جریان می‌تواند تحلیل دوبعدی داشته باشد؛ از یک سو معرفی او می‌تواند زیرکانه تلقی شود و مجادله همیشگی دولت مرکزی با دولت اقلیم بر سر تعیین وضعیت فروش نفت را برطرف سازد. از سوی دیگر، این انتخاب با انتقادات برخی گروه‌های شیعه و سنی مواجه شده است و آنها استدلال کرده‌اند که با توجه به مشکلاتی که تاکنون بر سر فروش نفت منطقه اقلیم بین بغداد و دولت اقلیم وجود داشته است، معرفی یک فرد کرد برای وزارت نفت می‌تواند بر حجم تنش‌ها بیفزاید.

تعارضات و اختلافات موجود در اهداف و منافع گروه‌های اجتماعی و فقدان زمینه‌های مصالحه و همگرایی بین گروه‌ها، فقدان سنت مدنی دموکراسی و قانون‌گرایی، پیاده‌سازی سیستم سهم‌دهی در عرصه توزیع قدرت (نه فقط حزبی و جناحی بلکه جنسیتی، به گونه‌ای که یک‌چهارم اعضای پارلمان باید از میان زنان انتخاب شوند)، زیاده‌خواهی اقلیت اهل سنت با توسل به کشورهای عرب سنی و ذهنیت چندین دهه حاکمیت در عراق، سابقه حل و فصل اختلافات با استفاده از ابزار زور و خشونت از سوی حکومت و گروه‌ها و مداخله عوامل و بازیگران خارجی در منازعات درونی عراق، به عدم موفقیت کامل روند دولت - ملت‌سازی در عراق و استفاده

فزاینده از خشونت توسط گروه‌ها منجر شده و در نهایت چالش حکومت را در حوزه‌های فراسرزمینی بیشتر می‌نماید.^۱ از همین رو، منطق متناقض خشونت گروهی و فرقه‌ای باعث نافرجام ماندن برخی از تلاش‌ها برای مدیریت روند سیاسی و شرایط امنیتی عراق و به مثابه مانعی برای بهره‌گیری بهتر در راستای ایفای نقش عراق در حوزه «جبهه مقاومت» شده است.

نگاه جریان‌های مختلف سیاسی و قومی در عراق به تغییرات

اکنون بحث و هیاهو در فضای سیاسی عراق در دو محور جریان دارد:

(۱) دادن رأی اعتماد به کابینه در پارلمان، در حالی که برخی از گروه‌های سیاسی به طور مشخص از این لیست ناراضی هستند.

(۲) محور دوم به این سؤال مربوط می‌شود که آیا اظهارات سیاستمداران عراقی طی روزهای گذشته در تلطیف بحران موثر بوده است یا خیر؟ به گونه‌ای که شاید اگر حیدر العبادی از تشکیل دولت خبر نداده بود، تحسن‌کنندگان و معترضان وابسته به مقتدی صدر که در مقابل دروازه‌های منطقه سبز بودند، قصد ورود به داخل آن را داشتند.^۲ البته این وضعیت مجدداً پس از اقدام برخی نمایندگان در برکناری الجبوری از ریاست پارلمان، تشدید شده است.

این سؤال، پای احتمال دیگری را نیز به میان می‌کشد، مبنی بر اینکه این

۱- همان‌گونه که اخیراً «هاشم الکندی»، تحلیلگر سیاسی عراق به خوبی تأکید کرده است که طرح العبادی درباره تشکیل دولت تکنوکرات شرط موفقیت دولت آتی نیست بلکه موفقیت این دولت در وهله نخست کنار رفتن اصل سهم‌بندی‌های حزبی- طائفه‌ای در حکومت عراق بستگی دارد که اشغالگران آمریکایی بنای آن را گذاشتند و سیاستمداران عراقی دنبال کردند.

۲- نکته جالب، تحسن طرفداران جریان صدر در بغداد پیش از ارائه «بسته اصلاحات عبادی» و فروکش کردن این وضعیت پس از ارائه آن به پارلمان بود. ضمن اینکه رسانه‌های عربی و بعضی‌ها در دوران تحسن طرفداران جریان صدر، برخلاف رویه معمول از آنها حمایت می‌کردند.

اقدام العبادی ممکن است در چارچوب هدفی بلندمدت شامل مجموعه‌ای از اقدامات عملی باشد که به علت برآورده ساختن ضرورت‌های اصلاحاتی بوده است که بدون شک با جایگزین کردن وزرای تکنوکرات با وزرای حزب‌گرا متوقف نمی‌شود.

اصلاحات العبادی با واکنش‌های مختلفی از طرف احزاب و گروه‌های داخلی از جمله مرجعیت دینی و شخصیت‌های سیاسی مواجه شده است. کردها اگرچه حمایت خود را از روند اصلاحات اعلام کرده‌اند، در عین حال نگران از دست دادن امتیازات و منافع خود هستند. در واقع آنها تلاش می‌کنند در ظاهر خود را حامی اصلاحات نشان دهند، اما در عمل، خواهان حفظ توافقات سیاسی، موازنه‌ها و معادلات ایجادشده میان طوایف عراقی هستند.

این در حالی است که نمایندگان طیف‌های مختلف، در مصاحبه‌های متعدد به لیست اول ارائه‌شده اعتراض کردند؛ زیرا لیست اول به زعم آنها، توازن بین لیست‌ها و گروه‌های سیاسی و وابستگی وزرا به جریان‌های مختلف ملی و مذهبی را رعایت نکرده است؛ به ویژه ائتلاف کردستان که حاضر به کوتاه آمدن از سهم خود در دولت نیست و ربط دادن مسأله اصلاح سیاسی به پایان حضور وزرای حزبی را نمی‌پذیرد.

کردها برای حمایت از اصلاحات العبادی حد و مرز خاصی قائل هستند و از این اصلاحات تا زمانی حمایت می‌کنند که به دستاوردهای آنها پس از سال ۲۰۰۳، لطمه نزنند. گروه‌ها و جریان‌های شیعی نیز ضمن اعلام حمایت خود از اصلاحات حیدر العبادی، تداوم این حمایت‌ها را به جدی و واقعی بودن آنها منوط دانسته و خواستار فراگیری و شمولیت آن شده‌اند. با این حال، طیف‌هایی نیز مخالف این اصلاحات هستند. برخی جریان‌ها و نیروهای تندرو و افراط‌گرای عراق مانند جریان وابسته به علوی، هیچ‌گونه موافقتی با

اقدامات اصلاحی دولت آقای حیدر العبادی ندارند و ضمن ابراز مخالفت خود با آنها، خواستار براندازی دولت کنونی، انجام انتخابات زودهنگام در سریع‌ترین زمان ممکن و تغییر کمیساریای عالی مستقل انتخابات شده‌اند.

نتیجه‌گیری

طبق قانون اساسی جدید عراق، پس از سقوط صدام، عراق بعد از لبنان، دومین کشور خاورمیانه‌ای است که براساس مدل دموکراسی انجمنی یا تقسیم قدرت میان احزاب و گروه‌های مختلف اداره می‌شود. با وجود این، شرایط و بحران‌های موجود در چندسال اخیر در این کشور سبب شکل‌گیری و طرح این نظریه شده است که افرادی که به عنوان وزیر انتخاب می‌شوند، نباید تنها بر اساس سهم‌خواهی احزاب به این سمت برسند؛ بلکه تکنوکرات (فن‌سالار) بودن و تخصص آنها باید مد نظر باشد. در همین راستا، نخست‌وزیر عراق با ادغام چندین وزارتخانه با یکدیگر تلاش دارد تا علاوه بر کوچک کردن دستگاه عریض و طویل بوروکراسی در این کشور، نهادهای دولتی و حکومتی باقی‌مانده را هم از چارچوب «سهم‌بندی حزبی و طایفه‌ای قدرت» خارج کند و آن را به سمت «شایسته‌سالاری» سوق دهد. در عین حال، با توجه به ساختار اجتماعی و سیاسی متکثر عراق، ملاحظاتمانند سهم بودن همه احزاب و طایفه‌ها در قدرت و مناصب دولتی همچنان مد نظر است. چنانچه از این منظر به قضیه نگاه کنیم، انتخاب شریف علی، تنها بازمانده خانواده پادشاهی هاشمی عراق، از سوی حیدر العبادی در کابینه جدید این کشور، آن هم به جای ابراهیم جعفری شیعی برای تصدی وزارت امور خارجه تلاش در جهت بهبود روابط دیپلماتیک بغداد با کشورهای عربی ارزیابی می‌شود. از سوی دیگر با توجه به هم‌سویی اقدام عبادی با طرح سید عمار حکیم، انجام این اصلاحات در مجموع سبب تحکیم و تثبیت قدرت و جایگاه دولت عبادی می‌گردد.

به نظر می‌رسد در پارلمان عراق اختلاف‌هایی بر سر ترمیم کابینه عراق وجود داشته باشد. برخی قانون‌گذاران عراقی خواستار تغییر همه وزیران هستند و برخی دیگر نیز بر تغییرات جزئی در کابینه تأکید دارند. از سوی دیگر، اقدام حیدر العبادی در برکناری اکثر وزیران فعلی خود که هر یک منتسب و نزدیک به یکی از احزاب و گروه‌های سیاسی هستند و جایگزینی فن‌سالاران به جای آنها می‌تواند سبب بروز شکاف‌ها و اختلافات قومی-مذهبی جدید، تنش‌های سیاسی، اعتراضات احزاب بازمانده از قدرت، و دور جدیدی از ناآرامی‌ها در عراق باشد.

مسئله‌ای که به اختلاف نظر بین گروه‌های سیاسی منجر شده، این است که آنها بر این باورند اگر قرار باشد گروه‌های سیاسی نامزدهای مورد نظر را معرفی نکنند، پس چه موضوعیتی دارد که آنان در پارلمان بمانند؟ باید توجه داشت سیستم سیاسی عراق، خود مانعی در راه تشکیل دولت، فارغ از نظر گروه‌های سیاسی است. در واقع سیستم این کشور، پارلمانی است و دولت در این نظام‌ها، برآمده از فراکسیون‌ها و احزاب است. همچنین پست‌ها مبتنی بر تعداد کرسی‌هایی که هر یک از جناح‌ها دارند، تشکیل می‌شود و بنابراین شکل‌گیری یک دولت منفک از گروه‌های سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر اینکه نظام آینده ریاستی و پارلمان ناظر بر دولت باشد.

به هر حال عراق باید تلاش کند در این زمینه با تعامل میان دولت و پارلمان از این مسأله عبور و با نگاهی بینابینی فضای تغییر و تحول را در درون خود ایجاد کند تا بتواند حرکتی رو به جلو را در دستور کار خود قرار دهد. واقعیت این است که عراق در وضعیت فعلی به شدت درگیر بحران‌های امنیتی و ناامنی است که باید از چنین وضعیتی خارج شود و این امر جز با همکاری میان دولت و پارلمان به دست نخواهد آمد.

در شرایط فعلی، مطالبه اصلی مردم عراق، مرجعیت، احزاب و دولت و

ارتش این است که به موضوع تروریسم و داعش پایان دهند تا وضعیت اقتصادی و سیاسی عراق به ثبات نسبی برسد. چنانچه اصلاحات کابینه العبادی در عراق به تصویب پارلمان برسد و مورد پذیرش گروه های سیاسی مختلف قرار گیرد، این امر فارغ از سهم هر یک از گروه ها و احزاب می تواند موجب ثبات سیاسی نسبی شود که عراق کنونی بیش از هر چیزی به آن نیاز دارد. بنابراین به زعم العبادی، اجرایی شدن این اصلاحات در عراق تأثیر مثبتی بر روند جنگ علیه تروریسم خواهد داشت و عراق یکپارچه و قدرتمند، توان بیشتری برای مبارزه با تروریسم خواهد یافت و ثبات سیاسی در دستگاه حاکم، شرایط را برای بهبود اوضاع اقتصادی نیز فراهم خواهد کرد.

به نظر می رسد عراق کنونی به آنچه نیاز دارد، کارگزارانی شایسته، متخصص و دلسوز است که فارغ از نگرش های قومی و حزبی، خواهان پیشرفت و توسعه کشورشان باشند. اما چنین رویکردی در حال حاضر تا حد زیادی آرمانی است و با توجه به نوع مناسبات احزاب و گروه های مختلف عراقی، بعید به نظر می رسد گروه های سیاسی مختلف حاضر به پذیرش تضعیف جایگاهشان در قدرت باشند. بنابراین بسیار سخت است که چشم اندازی مثبت برای اجرایی شدن اصلاحات حیدر العبادی در عراق در نظر گرفت و اعمال این اصلاحات در نظام سیاسی عراق با موانع جدی مواجه خواهد شد. تجربه نشان داده است طرح هایی که به کاهش نقش برخی گروه های سیاسی منجر شود به سرانجام مثبتی نخواهد رسید و احتمالاً ما همچنان شاهد سهم خواهی و درگیری ها بین احزاب و جریان های مختلف قومی - مذهبی در این کشور خواهیم بود.

از سوی دیگر، به نظر می رسد آمریکایی ها نیز با توجه به پایه گذاری سیستم سهمیه بندی در عراق، در صورت تضاد این اصلاحات با منافع آنها (یا عدم تأمین این منافع) احتمالاً مقابله با آن را در دستور کار خود قرار خواهند

داد. بر اساس این امر و با توجه به عدم رضایت کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی از «حاکمیت با محوریت شیعی» در عراق به نظر می‌رسد اختلافات کنونی در پارلمان این کشور بر سر «اصلاحات در کابینه»، محملی جدید برای توطئه‌چینی «محور غربی - عربی» ضد عراق و محور مقاومت باشد که هوشیاری مضاعف دولتمردان و سیاستمداران عراقی را می‌طلبد.

تحریم رسانه‌ای حزب‌الله لبنان

محسن مقدسی

امروزه حزب‌الله لبنان نه فقط به خاطر مقاومت نظامی در برابر اسرائیل بلکه به کمک برنامه‌های رسانه‌ای - فرهنگی پیشتازانه خود در تمام خاورمیانه عربی و شمال آفریقا چهره‌ای شناخته‌شده و اثرگذار است. در حقیقت آنچه حزب‌الله لبنان را از دیگر جریان‌های جهادی ضد اسرائیل در منطقه مانند حماس و جهاد اسلامی متمایز می‌سازد، ساخت، هدایت و مدیریت جریان رسانه‌ای قدرتمندی است که در منطقه ایجاد کرده و اثرگذاری آن چنان موثر است که دولت‌های مرتجع منطقه از بیم ارتباط حزب‌الله با توده‌های مردم به ناچار مجبور به واکنش در برابر آن شده‌اند. از سال ۱۹۹۲ میلادی مصادف با حضور سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، تا کنون رفتار سازمانی مقاومت لبنان، با رویکردهای رسانه‌ای، به ویژه ساختارهای سایبرنتیکی و رایانه‌ای همراه بوده است. استفاده از سایبر دیپلماسی و اطلاع‌رسانی مبتنی بر آن، نقشه هدفمند و نوینی است که امروزه مراکز سیاسی، نظامی و حتی مذهبی جهان، برای ارتقای ضریب نفوذ اثربخشی برنامه‌های خود، از آن بهره می‌جویند. راهبرد برنامه‌ریزی و سازماندهی دیجیتالی، یک نوع آزادی فرامرزی را برای کارگزاران این فرآیند به ارمغان می‌آورد که حزب‌الله، به خوبی از این پتانسیل سود جسته است. به طوری که به جرأت می‌توان گفت رسانه‌های حزب‌الله در کنار رسانه‌های دولتی ایران تنها قدرت‌های رسانه‌ای منطقه هستند که رفتاری مؤثر علیه آمریکا، اسرائیل و... از خود بروز می‌دهند.

بررسی رفتار رسانه‌ای حزب‌الله

شبکه ماهواره‌ای المنار حزب‌الله، یکی از ابزارها و بازوهای اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای این حزب به شمار می‌آید. حزب‌الله در قیاس با سایر احزاب منطقه‌ای در خاورمیانه و کشورهایی مانند سوریه، عراق و حتی کشورهای حوزه خلیج فارس،

رفتار سازمانی رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی بسیار عالی دارد. این حزب در دکترین اطلاع‌رسانی خود، بر مدل صهیونیسم‌ستیزی، توجه آشکار دارد. در این مدل، هر مؤلفه‌ای که زمینه مبارزه با عقاید صهیونیسم را ترویج و آشکار کند، پشتیبانی می‌شود. این پشتیبانی با صورت‌های مختلفی انجام می‌گیرد. شبکه المنار لبنان در جنگ ۳۳ روزه در سردمداری مبارزه با دروغ‌پردازی‌ها و جنگ رسانه‌ای و روانی علیه رژیم صهیونیستی نقش مهمی را بر عهده داشت، نقش این شبکه خبری بدان حد بود که دشمن صهیونیستی بارها در طول این جنگ ساختمان مرکزی این شبکه را موشک‌باران کرد، اما جز چند ثانیه محدود، هرگز موفق نشد پخش این شبکه تلویزیونی و خبری را متوقف سازد.

حزب‌الله لبنان تا کنون در سه جبهه، ساختار رفتار سازمانی - رسانه‌ای خود را شکل داده است:

(۱) راه‌اندازی شبکه تلویزیونی المنار: شبکه تلویزیونی المنار که سایت اینترنتی آن به نشانی <http://www.almanar.com.lb/live> فعال می‌باشد، همان‌طور که در ابتدای مطلب گفته شد، به زبان‌های مختلف به صورت بیست و چهار ساعته اخبار، گزارش‌ها و پیام‌های مختلف حزب‌الله را در زمینه مسائل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منطقه و جهان عرب، به خصوص در عراق و فلسطین منتشر می‌سازد. علاوه بر این شبکه المنار تصاویری از فعالیت‌های حزب‌الله لبنان در منطقه و هم‌چنین نشست‌های این حزب را با پوشش جهانی، مخابره می‌کند. با وجود قطع متعدد برنامه‌های این شبکه در اروپا، همچنان مخاطبان این شبکه از طریق سایت اینترنتی المنار به مشاهده برنامه‌های آن می‌پردازند. در این شبکه و سایر شبکه‌های وابسته به حزب‌الله از آهنگ‌های حماسی، رنگ، نور و صدا بهره‌گیری خوبی صورت می‌گیرد که باعث جلب و تأثیرپذیری بیشتری در مخاطب می‌شود.

(۲) راه‌اندازی سایت اینترنتی: علاوه بر سایت المنار حزب‌الله لبنان دارای سایت‌های متعدد دیگری نیز می‌باشد. نکته‌ای که در مورد رسانه‌های آنلاین حزب‌الله در اینترنت قابل توجه است، نوع رویکرد خبری و اطلاع‌رسانی خاصی

است که مسئولان اطلاع‌رسانی حزب‌الله در انتقال دیتاهای خبری سیاسی و نظامی منطقه به مخاطب ارائه می‌دهند. اکثر تصاویر به کار گرفته شده در سایت‌های حزب‌الله، تصویربرداری اختصاصی است و کمتر از سایت‌های دیگر اقتباس شده است.

از سویی دیگر، نویسندگان و مفسران این پایگاه‌های اینترنتی، با ادبیات و نگارش خوبی به تحلیل مطالب می‌پردازند به گونه‌ای که بعضاً مطالب این پایگاه‌ها در رسانه‌های عربی انعکاس پیدا می‌کند. بیش از ده‌ها هزار بازدید روزانه از سایت‌های حزب‌الله، نشان از توجه قابل ملاحظه رسانه‌ها و علاقه‌مندان، به مسائل منعکس شده توسط دستگاه‌های تبلیغاتی حزب‌الله دارد. اکنون، سایت‌های مشهور خبری و تحلیلی اینترنت، لینک‌های زیادی به پایگاه‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به این مجموعه هستند، برقرار می‌کنند و موتور گوگل، برای واژه Hezbollah، میلیون‌ها صفحه وب عرضه می‌کند.

۳) طراحی و ساخت بازی‌های سه بعدی: یکی دیگر از ابزارهای اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای حزب‌الله در دنیای دیجیتال، توجه این نهاد به استفاده از قابلیت‌های دنیای دیجیتال در ساخت بازی‌های سه بعدی با گرافیک و طراحی ممتاز است. بازی‌های رایانه‌ای، یکی دیگر از ابزارهای دیجیتالی است که حزب‌الله برای گسترش و معرفی برنامه‌های خود طراحی و راه‌اندازی کرده است. ارزش اثر بخشی اطلاع‌رسانی و ارتباطاتی بازی‌های رایانه‌ای به حدی است که این بازی‌ها سالانه میلیاردها دلار به گردش تجارت الکترونیک و حتی گردش سالانه تجارت جهان می‌افزایند.

شکل‌گیری توطئه

روزنامه «جمهوریه» لبنان برخی جزئیات مربوط به تحریم رسانه‌ای حزب‌الله توسط شورای همکاری خلیج فارس را منتشر کرد.

تحریم رسانه‌ای حزب‌الله توسط سازمان «شورای همکاری خلیج» فارس، در وهله اول شامل شبکه‌های تلویزیونی لبنانی و عربی حامی ایران و حزب‌الله خواهد

بود.

بر اساس این گزارش، اکثر این شبکه‌ها از بیروت پخش می‌شود؛ شبکه‌هایی که طی سال‌های اخیر و همزمان با آغاز بحران یمن افزایش یافته، هفت شبکه در ضاحیه جنوبی بیروت تأسیس شده و از استودیوهای خاص پخش می‌شود که از جمله آنها یک شبکه وابسته به «المنار» است.

تحریم‌های مذکور همچنین شامل شرکت‌هایی خواهد شد که برنامه‌های مرتبط با کار حزب‌الله، اسناد جنگ لبنانی-اسرائیلی را تولید می‌کنند؛ اینها شرکت‌های تولیدی معروفی هستند که تولیدات خود را از طریق ایستگاه‌های عربی و محلی به فروش می‌رسانند.

صحبت‌هایی نیز درباره لیست رسانه‌های حامی حزب‌الله و نظام سوریه و ایران وجود دارد و شامل رسانه‌های مختلف خواهد شد و روند تبعید برخی از کارمندان شبکه‌های عربی عملی می‌شود.

وزرای رسانه‌ای کشورهای عربی عضو شورای همکاری در بیانیه‌ای هرگونه تعامل با شبکه‌های وابسته به حزب‌الله را ممنوع اعلام کردند.^۱

همچنین القدس العربی در خبری اعلام کرد که بعد از توقف پخش شبکه المنار در عرب‌سات برنامه‌های این شبکه در نایل‌سات نیز متوقف شده است.

همکاری حزب‌الله و سوریه سبب شد قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی با چالش روبه‌رو شود؛ از این‌رو اکنون برخی کشورهای واپس‌گرای عربی که همواره در خدمت رژیم صهیونیستی بوده‌اند برای محاصره حزب‌الله تلاش می‌کنند.

از عجایب روزگار این است کشورهای که از نظر سیاسی، مالی و نظامی از تروریسم پشتیبانی می‌کنند و از زمان پیدایش تروریسم در ۳۰ سال پیش در افغانستان تاکنون در دامن خود تکفیری‌ها را پرورش داده‌اند به مقاومت لبنان اتهام تروریست بودن وارد می‌کنند. این کشورها خودشان پدر و مادر تروریسم در سوریه، عراق، یمن، مصر و لیبی هستند. کشورهای عربی همواره حزب‌الله را متهم

می‌کنند. این کشورها همان خواسته‌های رژیم صهیونیستی را به‌طور دقیق به اجرا در می‌آورند؛ زیرا با قدرت‌یابی مقاومت و پررنگ شدن نقش آن، رژیم صهیونیستی در نگرانی به سر می‌برد.

در اینجا یادآوری چند نکته لازم به نظر می‌رسد که این نکات عبارتند از:

(۱) پس از هر تنش میان رژیم صهیونیستی و مقاومت شماری از اقدام‌ها برای مجازات مقاومت در پیش گرفته می‌شود. همه این اقدام‌ها به‌طور مستقیم با خواست رژیم صهیونیستی آغاز می‌شود. آنها حزب‌الله و دیگر گروه‌های مقاومت را متهم به تروریسم می‌کنند و علیه سوریه و ایران هم به دلیل پشتیبانی از مقاومت برخی اقدام‌ها را در دستور کار قرار می‌دهند.

(۲) طی ۳۰ سال گذشته کشورهای واپس‌گرای عربی به سرمداری عربستان از هر ابزاری برای محاصره حزب‌الله در داخل و خارج استفاده کرده‌اند. این کشورها در این زمینه با آمریکا و رژیم صهیونیستی همکاری کرده و هزینه‌های مالی پروژه ضدمقاومت را به عهده گرفته‌اند. رسانه‌های این کشورها هر روز علیه مقاومت اخباری را منتشر می‌کنند تا به مقاومت لطمه وارد سازند و دستاوردهای این گروه را کم‌رنگ و ناچیز جلوه دهند. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌سبب دشمنی با مقاومت، با دست‌ودل‌بازی هرچه تمام، زیان‌های شرکت‌های غربی را جبران کرده‌اند. همان‌گونه که در بسیاری از محافل مطبوعاتی غرب مشهور است اموالی که عربستان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به شرکت‌های ماهواره‌ای غرب پرداخت کردند سبب شد تا آنها شبکه المنار را از پخش برنامه‌ها ممنوع کنند.

(۳) کشورهای واپس‌گرای عربی به‌رهبری عربستان حتی یک روز هم از مقاومت پشتیبانی نکردند. این کشورها از زمان پیدایش مقاومت علیه آن توطئه‌چینی کرده‌اند. در توافق طائف که در آن به مقاومت مشروعیت قانونی داده شد عربستان مجبور شد تا پس از شکست بازوهای خود در لبنان خود را با شرایط سازگار سازد. ریاض اکنون بر شدت حمله‌های سیاسی و عملی خود افزوده است، زیرا مقاومت

به رهبری حزب الله ثابت کرده است که می تواند قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی را نابود کند. کشورهای واپسگرای عربی پس از شکست جنگ سال ۱۹۶۷ از رژیم صهیونیستی طرح صلح با آمریکا را ترویج می کنند، این طرح تسلط این رژیم در منطقه را تقویت خواهد کرد. این در حالی است که در نتیجه همکاری حزب الله و سوریه در از بین بردن قدرت بازدارندگی و ایجاد قدرت بازدارندگی معکوس در منطقه، همه رؤیایا و توهم کشورهای عربی که در رؤیای اجرایی شدن طرح آمریکا و صهیونیسم هستند، بر باد رفت.

۴) الگوی مقاومت مردمی پیروز به رهبری حزب الله، کوه دروغها و توهمهایی که اردوگاه تسلیم پذیر عرب آن را ترویج می کند، از بین برده است. از بین بردن این الگو به ضرورتی برای کشورهایی تبدیل شده است که غرب استعمارگر آنها را وادار کرده است تا برای حمایت از رژیم صهیونیستی و آشکارسازی روابط با این رژیم در مرحله تغییر محیط راهبردی پس از شکست این رژیم در برابر مقاومت لبنان و فلسطین در باریکه غزه و لبنان وارد عمل شوند، این در فضایی است که صهیونیست ها خیزش مردم فلسطین را انتفاضه سوم و آغاز مقاومت مردمی تازه ای می دانند که ثمره شیوه و عملکرد جبهه مقاومت است. حزب الله به عنوان الگویی ارائه می شود که زمینه حمایت از انتفاضه و مردم را فراهم می سازد و سبب از بین رفتن الگوی تسلیم پذیری کشورهای عربی می شود، از این رو رژیم صهیونیستی می بیند که در محاصره قرار دادن حزب الله برای حمایت خود از خطراتی که وجودش را تهدید می کند، ضروری است. گسترش مقاومت و به چالش کشیدن صهیونیست های زورگو سبب شده است که واشنگتن از کشورهای عربی بخواهد تا این حزب را زیر فشار قرار دهند.

۵) کشورهای واپسگرای عربی به رهبری عربستان و با دستور آمریکا شبکه های وهابی را برای ویران سازی سوریه فعال کردند. امروز دولت سوریه به پیروزی بسیار نزدیک است. حضور حزب الله در نبرد با تروریسم یکی از دردناک ترین شکست ها را برای عربستان رقم زده است. حزب الله مانع از این شد که لبنان به پایگاهی برای

حمله به سوریه تبدیل شود. طرح حمایت عربستان از داعش در عراق ابزاری برای ویرانی عراق و دامن زدن به جنگ مذهبی در این کشور بود. عربستان برای تسلیم کردن یمن هم از ابزارهایی استفاده کرد و هنگامی که شکست خورد جنگی را علیه این کشور به راه انداخت. همه این طرحها برای پشتیبانی از رژیم صهیونیستی و جلوگیری از ورود عراق و یمن به محور مقاومت و حمایت از مقاومت صورت گرفت. حزب الله در شکست طرح های آمریکا که عربستان به اجرای آن متعهد شده بود نقش سرنوشت سازی داشت.^۱

واکنش ها به تحریم حزب الله

هشدار محرمانه آمریکا به عربستان

روزنامه های السفیر و الاخبار لبنان در گزارش هایی نوشتند که آمریکا به طور محرمانه به عربستان هشدار داده که در اقدام علیه لبنان و حزب الله افراط نکند. السفیر نوشت که فشار عربستان نتیجه عکس می دهد. «اگر هدف عربستان از ضد حمله ای که در جبهه های مختلف منطقه انجام می دهد، تضعیف نفوذ ایران و کاهش نقش متحد راهبردی اش یعنی حزب الله است، باید گفت، قطعاً تحریم های بی برنامه و خلق الساعه عربستان علیه لبنان، نتیجه عکس می دهد؛ چرا که خلایی که عربستان با «عقب نشینی تهاجمی» خود در نقاط سنتی خود در لبنان ایجاد می کند، به تهران و حزب الله اجازه تنفس بیشتری خواهد داد».

همچنین آمریکایی ها و اروپایی ها احساس می کنند عربستان با رفتارهایش آذر مدت اخیر^۱ که از رفتارهای بچه گانه و منفعلانه خالی نیست، منافع راهبردی شان را تهدید می کند. این همان مسأله ای است که وال استریت ژورنال به نقل از مسئولان آمریکایی گفت: «دولت باراک اوباما به عربستان گفته است که گام های دیگری برای مجازات اقتصادی لبنان بردارد؛ گام هایی که انتقام از نقش سیاسی فزاینده حزب اللهی است که ایران حمایتش می کند».

السفير افزود: این روزنامه آمریکایی اختلاف واشنگتن و ریاض در خصوص لبنان را ریشه‌دار در چند دهه می‌داند. این روزنامه گفته که برخی دیپلمات‌های بلندپایه آمریکایی از جمله جان کری، وزیر خارجه آمریکا به طور محرمانه به عربستان و کشورهای عربی خلیج فارس هشدار داده‌اند که در واکنش به حزب‌الله افراط نکنند؛ چراکه ثبات اقتصادی لبنان را متزلزل می‌کنند.

طبق گفته این مسئول آمریکایی که از تماس‌های ریاض و واشنگتن مطلع است، آمریکا معتقد است که اقدامات متهورانه عربستان، لبنان را بیش از گذشته تحت کنترل ایران قرار می‌دهد و واکنش ریاض مبالغه‌آمیز است.

به گفته وال‌استریت دولت فرانسه نیز به رهبری فرانسوا اولاند، نگرانی خود را از اقدامات عربستان علیه لبنان در نشست‌های اخیر دوطرفه با عربستان مطرح کرده است.^۱

اهداف رسانه‌ای حزب‌الله

اهداف رسانه‌ای حزب‌الله لبنان، رویکردهای مختلفی را دنبال می‌کند که عبارتند از:

(۱) ترویج آرمان‌ها: ترویج آرمان‌های مختلف حزب‌الله با استفاده از توانمندی‌های رسانه‌ای و دنیای دیجیتال، مهم‌ترین بنیان رفتار سازمانی اطلاع‌رسانی حزب‌الله را تشکیل می‌دهد که همان طور که گفتیم، از ضریب اثربخشی بسیار بالایی در چند سال اخیر برخوردار بوده است.

(۲) صهیونیسم‌ستیزی: تقریباً در مبحث مقابله رسانه‌ای با صهیونیسم در جهان عرب، هیچ نهاد غیر دولتی موفق‌تری جز حزب‌الله در دنیای اسلام وجود نداشته است. توانمندی‌های رسانه‌ای آنلاین این حزب در مبارزه علنی با عقاید و عملکردهای رژیم اشغالگر قدس در سراسر جهان، نمونه بارز اهمیت رسانه‌های امروزی در تقابل با دکترین‌های عقیدتی در مناطق خاصی از جهان است.

رفتار سازمانی رسانه‌ای حزب‌الله لبنان نشان می‌دهد که موفقیت‌های یک

جریان سیاسی و مذهبی و حتی نظامی در دنیای نا برابر کنونی، با اتکا به سازوکارهای اطلاع‌رسانی دیجیتال، تا چه اندازه اث‌ بخش و مثمر ثمر است. درک این واقعیت انکارناپذیر، علت تصمیم اخیر عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس است و همچنین شکست‌های بزرگ عربستان در جبهه‌های مختلف، (سوریه، یمن و...) سبب شد تا در نشست شورای همکاری خلیج فارس نسبت به تحریم رسانه‌ای حزب‌الله لبنان اقدام نمایند.

در حوزه تهدیدات می‌توان گفت در صورت موفقیت شورای همکاری خلیج فارس در تحریم حزب‌الله ضربه‌ای به ارتباط توده مردم با جریان مقاومت در غیاب رسانه‌ها وارد خواهد شد و در این شرایط امکان جایگزین کردن رسانه‌های دیگر به جای رسانه‌های حزب‌الله جهت تغییر و به انحراف کشاندن ذهن جامعه متصور است.

همچنین می‌توان گفت هم‌زمان با تحریم رسانه‌های حزب‌الله سعی به متهم کردن حزب‌الله در مسائل داخلی کشورها کنند مانند خبر رسانه‌های کویتی و اماراتی مبنی بر دستگیری جاسوسان حزب‌الله. بنابراین پیشنهاد می‌شود جریان مقاومت جایگزین مناسبی برای پخش برنامه‌های خود پیدا کند. همچنین رسانه‌ای واحد و قوی به زبان‌های مختلف و با استفاده از توان کشورهای همسو ایجاد کند تا بتواند به جذب توده مردم و ارزش‌سازی خود ادامه دهد.

مناقشه قره‌باغ؛ دلایل، ابعاد و پیامدهای آن

دکتر شعیب بهمن

مقدمه

مناقشه ناگورنو - قره‌باغ به بزرگ‌ترین مسأله و چالش سیاست خارجی ارمنستان و آذربایجان در سال‌های پس از استقلال تبدیل شده است؛ به نحوی که امروزه شناخت سیاست خارجی ارمنستان و آذربایجان بدون شناخت دقیق بحران قره‌باغ امکان‌پذیر نیست. جدا از حساسیت ارمنستان و آذربایجان، مناقشه قره‌باغ به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث موجود در منطقه قفقاز مطرح است و سیاست خارجی کشورهای منطقه را تا حد زیادی به خود وابسته کرده است؛ چنان که ایران، ترکیه و روسیه به عنوان سه کشور منطقه‌ای مرتبط با مناقشه قره‌باغ، همواره سیاست‌های خاصی را در قبال آذربایجان و ارمنستان اتخاذ کرده‌اند.

نگاهی به مناقشه قره‌باغ

منطقه ناگورنو - قره‌باغ سرزمینی کوهستانی و خوش آب و هواست که ۴۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. از نظر جغرافیایی و مکانی، منطقه قره‌باغ کوهستانی در داخل خاک آذربایجان قرار داد و با ارمنستان مرز ندارد. قره‌باغ تاریخی که قره‌باغ کوهستانی در شمال آن جای گرفته، منطقه‌ای کوهستانی بین رودهای کورا در شمال و ارس در جنوب است. جمعیت فعلی قره‌باغ (قبل از اشغال توسط ارتش ارمنستان) ۱۹۰ هزار نفر برآورد شده است که ۷۷ درصد ارمنی، ۲۲/۵ درصد آذری و ۰/۵ درصد روس هستند. منطقه قره‌باغ کوهستانی تنوع زیادی در پوشش گیاهی و حیات جانوری دارد و به علت برخورداری از زمین کشاورزی، معادن و صنایع کوچک، از نظر اقتصادی

نیز ناحیه توانمندی محسوب می‌شود.

تحولات و رویدادهای منطقه قفقاز در دو دهه اول قرن بیستم، موضوع قره‌باغ را به معادله‌ای مهم و دارای ضریب حساسیت بالا نزد رهبران اتحاد جماهیر شوروی تبدیل و آنان را مجبور کرد درباره سرنوشت سیاسی و حقوقی این منطقه تصمیم‌هایی بگیرند. بر این اساس آخرین تصمیمی که رهبران شوروی در خصوص موقعیت و ساختار سیاسی منطقه قره‌باغ کوهستانی اتخاذ کردند، مربوط به سال ۱۹۲۳ است. در آن سال، قره‌باغ به عنوان ایالتی خودمختار در ترکیب سیاسی جمهوری آذربایجان شناخته و معرفی شد. این وضعیت هرگز موجب رضایت ارمنیان و آذربایجانیان نشد، بلکه مقدمه‌ای برای درگیری‌ها و تنش‌های بعدی شد؛ زیرا ارمنیان خواهان الحاق قره‌باغ به ارمنستان بودند و آذربایجانیان نیز از روند تبدیل این منطقه به استانی خودفرمان ناراضی بودند.

در سال ۱۹۸۵ با روی کار آمدن میخائیل گورباچف به عنوان رهبر اتحاد جماهیر شوروی و اجرای سیاست‌های گلاسنوست (فضای باز سیاسی) و پروسترویکا (اصلاحات اقتصادی)، فضا برای طرح خواسته‌های قدیمی درباره قره‌باغ آغاز شد و بار دیگر درگیری‌هایی پراکنده و سپس جنگ همه‌جانبه‌ای میان آذربایجان و ارمنستان روی داد. مناقشه میان جمهوری‌های ارمنستان و آذربایجان هنگامی شروع شد که در سال ۱۹۸۸، خودمختاری ناگورنو — قره‌باغ تصمیم گرفت از آذربایجان شوروی جدا شود و به ارمنستان بپیوندد. بر این اساس در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱، رفراندومی در قره‌باغ برگزار شد که طی آن بیشتر مردم خواستار کسب استقلال کامل از آذربایجان شدند. این امر به نبرد مسلحانه میان دو کشور در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ انجامید و به کشته، زخمی و آواره شدن گروه زیادی از مردم منجر شد. با شدت گرفتن جنگ در سال ۱۹۹۱، جمهوری اسلامی ایران سران دو

کشور را برای مذاکره به تهران دعوت کرد که آتش بس موقتی نیز میان طرفین برقرار شد، اما در همان ایام نیروهای ارمنی با استفاده از فرصت پیش آمده، تهاجم گسترده‌ای را شروع و بخش‌هایی از خاک آذربایجان را اشغال کردند و بدین ترتیب مذاکرات بی نتیجه ماند. پس از آن گفت و گو به منظور دستیابی به صلح و راه حلی برای پایان بخشیدن به مناقشه از ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۳ با حضور روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ارمنستان آغاز شد. سرانجام در ۱۲ مه ۱۹۹۴، پس از امضای قرارداد صلح در بیشکک، اقدامات نظامی در منطقه مناقشه که در نتیجه آن حدود ۱۵ هزار نفر کشته و حدود یک میلیون نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده بودند، متوقف شد.

از سال ۱۹۹۴، سازوکار جدیدی با عنوان «گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا» به ریاست روسیه، آمریکا و فرانسه ایجاد شد. از اهداف سازمان همکاری و امنیت اروپا برای مداخله در قضیه قره‌باغ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) جلوگیری از گسترش مناقشات قفقاز که مرز آسیا و اروپا محسوب می‌شود، به اراضی اروپا؛

(۲) تلاش برای پر کردن خلأ قدرت شوروی در منطقه؛

(۳) تبدیل منطقه به سرزمینی داخل مرزهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب.

اگر چه از آن زمان تاکنون مذاکراتی در قالب این گروه برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه ترتیب داده شده است، از زمان آغاز به کار گروه مینسک حدود سه هزار نفر بر اثر نقض آتش بس جان خود را از دست داده‌اند. به همین دلیل علاوه بر انجام مذاکرات در چارچوب گروه مینسک، آذربایجان و ارمنستان از سال ۱۹۹۹ گفت و گوهای مستقیم میان خود را آغاز کردند. علاوه بر این روسیه نیز در سال‌های اخیر سعی کرده است نقش فعال تری در

حل و فصل مناقشه ایفا کند.

بر این اساس در ۲ نوامبر ۲۰۰۸، مدودیف دیدار سه‌جانبه‌ای میان رؤسای جمهور روسیه، آذربایجان و ارمنستان ترتیب داد که نتیجه آن صدور اعلامیه اصول حل و فصل مناقشه بود. این بیانیه مشترک، نخستین سند امضاشده توسط نمایندگان سه کشور پس از ۱۵ سال محسوب می‌شد؛ با این حال در این دور از مذاکرات، موضع طرفین نسبت به گذشته هیچ تغییری نکرد؛ زیرا باکو همچنان بر آزادسازی قلمرو آذربایجان و بازگشت آوارگان و مهاجران تأکید می‌ورزید و معتقد بود گفت‌وگوها باید در خصوص وضعیت ناگورنو - قره‌باغ باشد.

بدین ترتیب وضعیت آتش‌بس یا به تعبیر دیگر «حالت نه جنگ - نه صلح» که از مه ۱۹۹۴ در قره‌باغ برقرار شد، ادامه داشت و همچنان گفت‌وگوهای مختلفی به منظور صلح در سطوح گوناگون انجام می‌گرفت. بر این اساس به نظر می‌رسد هم اکنون دو طرف موافق طرح پیش‌نویس توافق‌نامه‌ای درباره حل و فصل مناقشه بر مبنای اصول مادرید هستند که در نوامبر ۲۰۰۷ در پایتخت اسپانیا مورد توافق قرار گرفته بود. اصول مادرید شامل بازگشت کنترل آذربایجان به مناطقی که توسط ارمنستان اشغال شده، ایجاد وضعیت حائل در ناگورنو - قره‌باغ و تضمین امنیت و خودمختاری منطقه می‌شود.

به طور کلی در حال حاضر به‌رغم آنکه اکثریت جمعیت ناگورنو - قره‌باغ را ارمنی‌ها تشکیل می‌دهند و به همین سبب قره‌باغ تحت تسلط ارمنی‌ها اعلام استقلال کرده، با این حال هیچ کشوری در دنیا استقلال آن را به رسمیت نشناخته است. در واقع جامعه جهانی همچنان این منطقه را جزئی از خاک جمهوری آذربایجان می‌داند و این امر بر پیچیدگی‌های اوضاع افزوده است. در حالی است که وضعیت «نه جنگ، نه صلح» همواره درون خود

واهمه عملیات نظامی و ازسرگیری درگیری‌های مسلحانه را زنده نگه می‌دارد، استمرار چنین شرایطی درجه ناامنی در منطقه را بالا می‌برد. علاوه بر این از بین رفتن مناسبات اقتصادی بین آذربایجان و ارمنستان، تأثیرات منفی بسیاری بر نحوه معیشت، سطح زندگی و رفاه عمومی مردم دو کشور گذاشته است.

چرا مناقشه قره‌باغ شعله‌ور شد؟

درباره دور جدید درگیری‌های مسلحانه در منطقه قره‌باغ که از بامداد روز شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۵ آغاز شد، نمی‌توان اظهار نظر دقیقی کرد؛ زیرا از یک سو اطلاعات کافی در این باره وجود ندارد و از سوی دیگر هر یک از کشورهای درگیر در مناقشه، طرف دیگر را به آغاز جنگ متهم می‌کند. در واقع هر یک از مقام‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان، یکدیگر را به آغاز درگیری‌های مسلحانه متهم و ادعا می‌کنند که شماری از نیروهای طرف مقابل را کشته و تسلیحاتی را منهدم کرده‌اند؛ در حالی که ادعای هیچ‌یک از آنها توسط منابع مستقل تأیید نشده است. به رغم وجود چنین فضای مبهمی، برخی بر این باورند که روسیه و ترکیه در آغاز دور جدید درگیری‌ها میان آذربایجان و ارمنستان دخالت داشته‌اند.

از نظر ترکیه، ارمنستان نزدیک ربع قرن است که یک پنجم خاک جمهوری آذربایجان را اشغال کرده است و تا زمانی که ارمنستان به اشغال خاک آذربایجان خاتمه بدهد و از موضع تهاجمی خود منصرف نشود، این مناقشه خاتمه نمی‌یابد. علاوه بر این، از دید ترکیه، گروه مینسک در حل و فصل مناقشه قره‌باغ ناکارآمد بوده و نتوانسته است نقش مؤثری ایفا کند. به همین دلیل دولت ترکیه به صراحت ارمنستان را به نقض آتش‌بس و تیراندازی به سوی نظامیان آذربایجان در خط مرزی متهم و اعلام کرد اگر گروه سه‌گانه مینسک سهل‌انگاری نمی‌کرد و با عزم راسخ پیگیر حل موضوع

می‌شد، اکنون شاهد چنین درگیری‌هایی نبودیم.

از نظر روس‌ها، افزایش دشمنی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان سبب تبادل آتش بین دو کشور شده است. در عین حال برخی مقامات روسیه بر این باورند که حوادث قره‌باغ بر اثر اقدام تحریک‌آمیز به وقوع پیوسته و پشت این حوادث، نیروی ثالثی قرار دارد که عامل اصلی بروز مناقشه است. برای مثال «سرگئی ژلزنیاک»، معاون دوما‌ی روسیه، معتقد است: «کاملاً آشکار است که در تشدید فوری مناقشه قره‌باغ، نیرویی علاقه‌مند است که به جنگ‌افروزی در خاورمیانه و نیز مناطق قفقاز و آسیای مرکزی بپردازد و موفقیت‌های تلاش‌های صلح‌جویانه و ضدتروریستی روسیه و متحدان ما در سوریه را نقطه ضعف خود می‌داند. تشدید مناقشه قره‌باغ به نفع جمهوری آذربایجان و به ویژه ارمنستان نیست؛ به همین دلیل، به احتمال زیاد نیروی سومی دخالت کرده است. برای این منظور کافی است یک گروه چند نفره مسلح و آشنا به کوه‌های قره‌باغ و مواضع طرف‌های مناقشه به سوی آنها تیراندازی و دو طرف را برای تیراندازی متقابل به سوی یکدیگر تحریک کند». همچنین برخی مقامات روسیه در اظهاراتی شفاف‌تر بر این باورند که ترکیه از مناقشه قره‌باغ به نفع خود استفاده می‌کند. برای مثال ولادیمیر جباراف، معاون کمیسیون امور بین‌المللی شورای فدراسیون (مجلس سنای روسیه)، اعلام کرد: «تشدید مناقشه قره‌باغ و زد و خوردهای مسلحانه در این منطقه به نفع ترکیه است و این کشور با استفاده از این مسأله قصد دارد توجه روسیه را از سوریه به این منطقه منحرف کند. تشدید تنش‌ها در این منطقه به نفع آنکاراست و مقامات ترکیه امیدوارند که مسکو در این وضعیت توجه خود را به جای سوریه به منطقه قره‌باغ متمرکز کند. ترکیه نیاز دارد تا روسیه گرفتار این مناقشه شود».

به هر روی دولت روسیه در واکنش به آتش‌باری جمهوری آذربایجان و

ارمنستان در منطقه قره‌باغ، خواستار توقف فوری درگیری‌ها و برقراری آتش‌بس شد؛ زیرا از نظر روسیه، در چارچوب تلاش‌های سه‌جانبه روسیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان و تلاش‌های بین‌المللی در چارچوب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا برای حل مسأله قره‌باغ اقدامات گسترده‌ای انجام گرفته است که می‌تواند موجب حل و فصل مناقشه در این منطقه شود.

چرا مناقشه قره‌باغ حل نمی‌شود؟

در مناقشه قره‌باغ که بار دیگر در کانون توجه رسانه‌های جهان قرار گرفته است، عمدتاً به دلایل و ریشه‌های پیدایش بحران پرداخته و کمتر درباره راه‌حل و دلایل تداوم آن صحبت می‌شود. واقعیت آن است که تداوم مناقشه قره‌باغ و نیافتن راه‌حل متناسب، دلایل مختلفی دارد که در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان بررسی کرد:

در سطح داخلی، بخشی از حل نشدن مناقشه به خود دو کشور درگیر در بحران مربوط می‌شود؛ زیرا هر کشور تحت شرایطی حاضر به حل مناقشه است که «برد» کامل حاصل شود. با توجه به اینکه عموماً در فرایند و شیوه میانجی‌گری برای حل اختلافات، برد کامل حاصل نمی‌شود، به همین دلیل طرفین میانجی‌گری بین‌المللی را نمی‌پذیرند و تمایلی به حل و فصل موضوع ندارند. علاوه بر این، دولت آذربایجان و نیز دولت ارمنستان به نوعی از مناقشه قره‌باغ برای تداوم حیات و پیشبرد سیاست‌های خود استفاده می‌کنند. برای مثال در آذربایجان مناقشه قره‌باغ به دستاویزی برای ادامه حکومت علی‌اف‌ها تبدیل شده است، به نحوی که الهام علی‌اف توانست با این توجیه که به دلیل وجود مناقشه قره‌باغ، کشور در حالت جنگی و فوق‌العاده قرار دارد، قانون اساسی را تغییر دهد و مجدداً به سمت ریاست‌جمهوری انتخاب شود. همچنین دولت آذربایجان به واسطه وجود مناقشه قره‌باغ

توانسته است توجیه مناسبی برای تحت فشار قرار دادن و سرکوب مخالفان و اسلام‌گرایان پیدا کند. در ارمنستان نیز وضع تا حد زیادی به همین منوال است و دولت‌های مختلف در این کشور همواره از مناقشه قره‌باغ به عنوان عاملی برای توجیه سیاست‌های خود استفاده کرده‌اند.

در سطح منطقه‌ای امید چندان زیادی به حل و فصل مناقشه وجود ندارد؛ زیرا مهم‌ترین بازیگران حاضر در منطقه، هر یک چالش‌ها و جهت‌گیری‌هایی نسبت به این مناقشه دارند. برای مثال، ترکیه به این دلیل که به صورت کامل از دولت آذربایجان حمایت می‌کند و فاقد روابط سیاسی با دولت ارمنستان است، نمی‌تواند هیچ‌گاه به عنوان یک میانجی عمل کند. در مورد ایران نیز به رغم آنکه بهترین کشور برای میانجی‌گری در مناقشه قره‌باغ محسوب می‌شود، چالش‌هایی وجود دارد؛ چنان که از یک سو دولت آذربایجان تحت تأثیر تبلیغات منفی حاضر به پذیرش میانجی‌گری ایران نیست و از سوی دیگر بازیگران بین‌المللی حاضر به پذیرفتن نقش ایران به عنوان میانجی نیستند و با هر گونه رویکرد فعال ایران در این خصوص مخالفت می‌ورزند.

در سطح بین‌المللی، بازیگرانی همچون روسیه، آمریکا و کشورهای اروپایی حضور دارند که هر یک به نوعی منافع شان در تداوم این مناقشه گره خورده است و خواهان حل و فصل کامل مناقشه نیستند. روسیه مناقشه را در منطقه فرصتی برای تداوم نفوذ سنتی خود می‌داند و آمریکایی‌ها نیز به واسطه این مناقشه توانسته‌اند روابط نزدیکی با دولت‌های آذربایجان و ارمنستان برقرار کنند. اروپایی‌ها نیز تا زمانی که این مناقشه به سمت مرزهای اروپا کشیده نشود، تمایل چندان زیادی به ایفای نقش فعال ندارند؛ زیرا از یک سو به جمهوری آذربایجان همچون منبعی برای تأمین بخشی از انرژی خود می‌نگرند و از سوی دیگر، ارمنستان را همچون متحدی طبیعی

در منطقه قفقاز به شمار می‌آورند.

با توجه به چالش‌های یادشده، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت نمی‌توان چشم‌اندازی برای حل مناقشه قره‌باغ متصور بود. نباید از یاد برد که در طول سال‌های گذشته، تلاش‌های متعددی برای حل مناقشه قره‌باغ شده که همگی تا حدودی با شکست مواجه شده‌اند. با این حال هیچ مناقشه‌ای در نظام بین‌الملل نبوده که لاینحل باقی بماند و قطعاً برای مناقشه قره‌باغ هم راه حلی پیدا خواهد شد. در این بین نکته کلیدی برای یافتن راه حلی در خصوص مناقشه قره‌باغ این است که از یک سو هر دو طرف درگیر یعنی ارمنستان و آذربایجان باید از خواسته‌های حداکثری خود کوتاه بیایند و از سوی دیگر، بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای هم برای یافتن راه حلی جامع به اجماع برسند.

نقش ایران در حل مناقشه قره‌باغ

در سال‌های اخیر منطقه قفقاز به دلیل ماهیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اهمیت زیادی داشته است. قفقاز در حالی در چهارراه تعاملات استراتژیکی قرار گرفته است که وقوع جنگ و سپس قرارگیری وضعیت نه صلح و نه جنگ، به پیچیدگی معادلات امنیتی این منطقه افزوده است. در این معادله از یک سو بازیگران منطقه‌ای همچون جمهوری اسلامی ایران و ترکیه تلاش می‌کنند به دلیل هزینه‌های امنیتی سنگین این وضعیت برای منطقه، در مسیر چارچوب‌سازی برای صلح حرکت کنند و از سوی دیگر، قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا در تلاش‌اند با افزایش عمر پیچیدگی امنیتی، به حداکثرسازی منافع خود در این کشورها اقدام کنند. به بیان دیگر، در حالی که کشورهای منطقه‌ای به سمت حداکثرسازی امنیت حرکت می‌کنند، قدرت‌های فرامنطقه‌ای به حداکثرسازی منافع از طریق پیچیده‌سازی امنیت می‌اندیشند.

با توجه به سابقه تاریخی موجود میان آذربایجان و ارمنستان و همچنین تعدد قدرت‌های درگیر در مناقشه قره‌باغ، به نظر می‌رسد هیچ قدرت منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای نمی‌تواند به عنوان میانجی عمل کند. حتی فعالیت‌های گروه مینسک و شورای امنیت و همکاری اروپا نیز راه به جایی نخواهد برد؛ چنان که تاکنون تنها دستاورد عملی گروه مینسک صرفاً اجرای بند اول موافقت‌نامه صلح، یعنی برقراری آتش‌بس بوده است که این مسأله نیز گهگاه از سوی طرفین نقض شده یا نسبت به نقض آن و شروع جنگی تازه، تهدیدهایی صورت گرفته است.

در این بین به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری قدرتمند و تأثیرگذار در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی که به پیوندها و روابطی با هر یک از طرفین درگیر در مناقشه قره‌باغ دارد، می‌تواند به عنوان میانجی، آذربایجان و ارمنستان را در حل و فصل بحران یاری کند؛ به خصوص که کهنه شدن زخم‌های عمیق منطقه نظیر مناقشه قره‌باغ، نه به نفع آذربایجان و ارمنستان و نه به سود ایران است. ایران با توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود می‌تواند نقشی بسیار مهم در حل و فصل این مناقشه ایفا کند. اما در حال حاضر به پیشنهاد میانجی‌گری ایران در مناقشه قره‌باغ با استقبال طرف‌های دیگر به خصوص آذربایجان مواجه نشده و روس‌ها نیز چندان رضایتی به این امر ندارند؛ زیرا مسکو گمان می‌کند حضور و میانجی‌گری ایران در مناقشه قره‌باغ می‌تواند جایگاه روسیه را در حل و فصل مسائل منطقه‌ای تضعیف کند.

با این حال جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های موجود در سیاست خارجی خود، باید بیش از گذشته به میانجیگری در مناقشه قره‌باغ حساسیت نشان دهد؛ زیرا علاوه بر گسترش روابط خود با طرفین درگیر در مناقشه، می‌تواند در مسائل منطقه‌ای نیز به طرز مؤثرتری به ایفای نقش

بپردازد. همچنین پیوندهای تاریخی و فرهنگی زیادی میان ایران با ارمنستان و آذربایجان وجود دارد که سیاست خارجی ایران و دستگاه دیپلماتیک باید از آنها بهره ببرند.

به طور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مناقشه قره‌باغ پیوسته سیاست مصالحه، تعادل و آشتی‌جویی بوده است. تهران تلاش کرده است در سیاست‌گذاری‌های خود، سیاست متوازن‌سازی و خط‌مشی حل و فصل اختلافات کشورهای همجوار را دنبال کند. از دید جمهوری اسلامی ایران، ثبات منطقه که لازمه آن حل مناقشه‌های موجود و جلوگیری از بروز زمینه برای هرگونه مناقشه جدید است، صرفاً در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای میسر است و نیروهای فرمانطقه‌ای در این زمینه اقدام مثبت و مؤثری انجام ن داده‌اند یا قادر به انجام آن نیستند. نمونه این وضعیت تلاش چندین ساله گروه مینسک برای حل مناقشه قره‌باغ است که تاکنون هیچ‌گونه نتیجه عملی نداشته و فقط مذاکره برای مذاکره را در بر گرفته است. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران در سال‌های گذشته برای حل و فصل منازعه قره‌باغ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان، حسن نیت خود را نشان داده و تلاش‌های بسیاری کرده است؛ چنان که علاوه بر ارائه مدل‌های صلح به هر دو طرف، تلاش‌های پس‌زمینه‌ای فرایند پس از آتش‌بس را نیز به عهده گرفته است؛ بدین معنا که با در اختیار گذاشتن کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم جمهوری آذربایجان تلاش کرده است تا بخشی از آسیب‌های این جنگ به مردم را کاهش دهد. حضور ایران به عنوان میانجی در مذاکرات طرف‌های آذری و ارمنی می‌تواند به حل و فصل مناقشه قره‌باغ ختم شود. نباید از یاد برد که ایران به لحاظ جغرافیایی یکی از آسیب‌پذیرترین کشورها در مقابل شعله‌ور شدن آتش جنگ در منطقه قفقاز محسوب می‌شود. و به علت نزدیکی جغرافیایی ممکن است ناخواسته درگیری نظامی به خاک ایران

کشیده شود؛ چنان که در درگیری‌های اخیر سه گلوله توپ یا خمپاره به نزدیکی یک روستا در شهرستان خداآفرین در استان آذربایجان شرقی اصابت کرد. نکته درخور توجه اینکه مشخص نیست این گلوله‌ها از سوی کدام یک از طرفین درگیری میان نیروهای جمهوری آذربایجان و نیروهای ارمنی ساکن در قره‌باغ پرتاب شده است. اگر چه ارتش و مرزبانی ایران آماده پاسخگویی قاطع به هر گونه تعرضی هستند، خسارت‌های احتمالی ناشی از چنین درگیری‌هایی وجود دارد. علاوه بر این، شعله‌ور شدن جنگ و درگیری در منطقه می‌تواند به سرازیر شدن سیل آوارگان جنگی و پناهندگان به ایران منجر شود که این مسأله نیز پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. به همین دلیل ایران تشدید درگیری‌ها در قره‌باغ را موجب ناامنی در منطقه می‌داند و خواهان توقف فوری هرگونه خشونت و درگیری است.

جمهوری اسلامی ایران حداقل به چند دلیل خواهان حل و فصل مناقشه قره‌باغ است. این دلایل عبارتند از:

۱) عملیات نظامی در طول مرزهای ایران خطری جدی برای امنیت جمهوری اسلامی محسوب می‌شود؛ به خصوص که طولانی شدن مناقشه یا وقوع مجدد جنگ بین آذربایجان و ارمنستان می‌تواند به حضور نیروهای نظامی روسیه یا کشورهای غربی در منطقه بینجامد. مسلماً چنین امری بر خلاف منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران است.

۲) طولانی شدن مناقشه ممکن است مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی همچون مهاجرت و پناهندگی افراد جنگ‌زده را در پی داشته باشد. ایران طی سال‌های پس از انقلاب میزبان حدود چهار میلیون پناهنده از افغانستان و عراق بوده که هر کدام از آنها مشکلات خاصی برای کشور ایجاد کرده‌اند؛ در حالی که وقوع جنگی جدید میان آذربایجان و ارمنستان می‌تواند موجب گسیل شدن سیل پناهندگان از این کشورها به مرزهای شمالی ایران

شود. مسلماً چنین امری برای جمهوری اسلامی چندان خوشایند نیست و می‌تواند ایران را با مشکلات متعددی مواجه کند.

۳) ممکن است جنگ آذربایجان و ارمنستان به سود یکی از آنها تمام شود و موازنه قدرت در منطقه از بین برود. به همین دلیل ایران همیشه از هر ابتکار عمل با هدف حل و فصل کشمکش‌ها بدون هر گونه تغییر در مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی استقبال کرده است.

۴) درگیری آذربایجانی - ارمنی می‌تواند دسترسی کامل ایران به اروپا را مختل سازد و مسلماً چنین امری در راستای منافع ملی ایران قرار ندارد.

۵) بروز جنگ نظامی میان آذربایجان و ارمنستان ممکن است موجب حضور نیروهای خارجی در منطقه شود که چنین امری با منافع امنیتی ایران در تضاد است. با توجه به پیوندها و ارتباط‌هایی که میان آذربایجان و ارمنستان با آمریکا و روسیه وجود دارد، ممکن است درگیری میان باکو و ایروان به برخورد مسکو و واشنگتن و لشکرکشی احتمالی آنها به منطقه ختم شود. مسلماً چنین امری برای جمهوری اسلامی ایران که خواهان حل و فصل مناقشه بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای است، تهدیدی مستقیم محسوب می‌شود.

۶) در سطح منطقه‌ای، رقابتی میان ایران و ترکیه برای ایفای نقش و افزایش نفوذ خود در کشورهای به جامانده از شوروی سابق وجود دارد. به خصوص که طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی، غرب به ویژه ایالات متحده تلاش کرد ترکیه را به عنوان مدل و الگویی برای کشورهای منطقه مطرح کند و حتی نقش رهبری در سیاست منطقه را به آنکارا واگذار نماید. با این حال به نظر می‌رسد دست کم در مناقشه قره‌باغ، ایران از فرصت‌های بیشتری نسبت به ترکیه برای ایفای نقش منطقه‌ای برخوردار است. در واقع دشمنی بین ترک‌ها و ارمنی‌ها، فرصتی را برای ایران به منظور مخالفت با

سیاست‌های ایالات متحده در منطقه فراهم کرده است؛ به خصوص که ایران تنها قدرت منطقه‌ای است که فرصت بازی به عنوان میانجی بی‌طرف در این درگیری را دارد.

کتابنامه

- خبرگزاری ایرنا، «اردوغان گروه مینسک را به سهل‌انگاری در حل مساله قره‌باغ متهم کرد»، ۱۳۹۵/۱/۱۵.
- خبرگزاری ایرنا، «مقام پارلمانی روس: ترکیه از مناقشه قره‌باغ به نفع خود استفاده می‌کند»، ۱۳۹۵/۱/۱۵.
- خبرگزاری ایرنا، «مقام دومای روسیه از احتمال دخالت نیروی ثالث در مناقشه قره‌باغ خبر داد»، ۱۳۹۵/۱/۱۵.
- نظر آهاری، رضا، «سازمان امنیت و همکاری در اروپا و مناقشه ناگورنو قره‌باغ»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۶، زمستان ۱۳۸۰.

-Itar-Tass, Medvedev to Meet Aliyev, Sargsyan in Sochi over Karabakh Conflict, 21/1/2010.

-Mikhelidze, Nona, The Azerbaijan-Russia-Turkey Energy Triangle and its Impact on the Future of Nagorno-Karabakh, Istituto Affari Internazionali, 2010.

-Велиев, Э. Иран в качестве посредника в карабахском урегулировании, Zerkalo, Az (<http://www.zerkalo.az>) 30.12.2010.

آثار و نتایج برجام به روایت دولتمردان

(تأکید بر بدعهدی آمریکایی‌ها)

دکتر محمداسماعیل خدادادی

مقدمه

توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته‌شده و رسمی برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام (Joint Comprehensive Plan of Action) در راستای توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) منعقد شد. مذاکرات رسمی برای طرح جامع اقدام مشترک درباره برنامه اتمی ایران با پذیرفتن توافق موقت ژنو بر روی برنامه هسته‌ای ایران در نوامبر ۲۰۱۳ شروع شد. به مدت ۲۰ ماه کشورها درگیر مذاکره بودند و در آوریل ۲۰۱۵ تفاهم هسته‌ای لوزان شکل گرفت.

تحت این توافق، ایران ذخایر اورانیوم غنی‌شده متوسط خودش را پاکسازی خواهد کرد و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع می‌کند و تعداد سانتریفیوژها^۱ را حدود دوسوم و حداقل به مدت ۱۵ سال کاهش می‌دهد. ۱۵ سال بعد، ایران موافقت کرده است که اورانیوم را بیش از ۳.۶۷ درصد غنی‌سازی نکند یا تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب‌سنگین جدیدی را نسازد. فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم به مدت ۱۰

^۱ - سانتریفیوژ یا گریزانه به ماشینی مخروطی شکل گفته می‌شود که در چرخه تولید انرژی هسته‌ای، امکان غنی‌سازی اورانیوم را فراهم می‌آورد.

سال به یک تک ساختمان که از سانتریفیوژهای نسل اول استفاده می‌کند محدود خواهد بود. دیگر تأسیسات نیز طبق پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اجتناب از خطرهای تکثیر سلاح‌های اتمی تبدیل خواهند شد. برای نظارت و تأیید اجرای توافق نامه توسط ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی منظم خواهد داشت. در نتیجه این توافقنامه که تأییدیه پایدار متعهدین آن را به همراه دارد، ایران از تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده بیرون خواهد آمد. مفاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به ۱۰۹ صفحه و ۵ ضمیمه می‌رسد.

بر اساس برجام و در ازای اجرای تمامی این تعهدات، ایران از ذیل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و آمریکا خارج خواهد شد. سؤال اصلی در این نوشته این است که آیا علی‌رغم بدعهدی‌های آمریکایی‌ها مفاد برجام بعد از اجرایی کردن ایران چقدر تحریم‌ها برداشته می‌شود؟

مهم‌ترین بندهای این توافق‌نامه

الف - دربخش انرژی هسته‌ای

۱) ایران به یاری گروه کار «اتحادیه اروپا+۳ متشکل از فرانسه، آلمان، انگلیس و شاید برخی کشورهای دیگر» (راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک) را بر اساس یک طرح مورد پذیرش این گروه و در جهت حمایت از اهداف صلح‌جویانه و تحقیقاتی در زمینه تولید انرژی هسته‌ای، نوین‌سازی و بهینه‌سازی خواهند کرد. اما این یاری‌رسانی در جهت کاهش تولید پلوتونیم مورد نظر برای ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای صورت خواهد پذیرفت. نیروی گریزانه تازه طراحی شده فراتر از ۲۰ مگاوات افزایش نخواهد یافت. کشورهای عضو گروه کار، ایران را در زمینه ساخت زمان‌بندی شده مجموعه اراک

حمایت نموده و اسباب تسهیل انجام آن را فراهم خواهند نمود. تمامی سوخت هسته‌ای مصرف‌شده از کشور ایران خارج خواهد شد. همچنین تمامی آب سنگین مازاد نیاز گریزانه تازه طراحی‌شده، برای فروش در بازارهای جهانی آماده خواهد شد. ایران به مدت ۱۵ سال اجازه نخواهد داشت در زمینه بازیافت هسته‌ای (en) به تحقیق و توسعه بپردازد. همچنین در طول این مدت ایران اجازه نخواهد داشت هیچ‌گونه گریزانه آب سنگین تازه‌ای ایجاد نموده و یا در زمینه متراکم‌سازی آب سنگین فعالیتی داشته باشد.

۲) ذخیره فعلی اورانیوم غنی‌شده با غلظت پایین در اختیار ایران با یک کاهش ۹۸ درصدی از ۱۰۰۰۰ کیلوگرم به ۳۰۰ کیلوگرم کاهش می‌یابد. این کاهش به مدت ۱۵ سال پابرجا باقی خواهد ماند. همچنین در این مدت ایران مجاز خواهد بود اورانیوم را تنها به میزان ۳۰۶۷ درصد غنی‌سازی کند؛ میزانی که تنها برای بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تحقیقات در این زمینه مناسب است و نه ساخت هیچ‌گونه جنگ‌افزار هسته‌ای. این یک «کاهش بسیار» در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به حساب می‌آید؛ چراکه پیش از به نتیجه رسیدن برجام، ایران موفق شده بود اورانیوم را به میزان ۲۰ درصد غنی‌سازی نماید.

۳) ایران، کمینه‌ای به میزان دوسوم از شمار گریزانه‌هایش را از ۱۹۰۰۰ عدد (که ۱۰۰۰۰ تای آن در حال فعالیت بوده‌اند) به ۶۰۱۴ عدد کاهش خواهد داد که از این میزان تنها ۵۰۶۰ تای آن اجازه غنی‌سازی اورانیوم در طی مدت ۱۰ سال پس از اجرای برجام را خواهند داشت. تمامی گنجایش غنی‌سازی اورانیوم ایران (یعنی تمامی ۵۰۶۰ گریزانه مجاز) تنها در تأسیسات نطنز اجازه کار خواهند داشت. گریزانه‌های مجاز به کار در تأسیسات نطنز از نوع IR-1 خواهند بود. گریزانه‌های IR-1 نخستین نسل و قدیمی‌ترین نوع از گریزانه‌های ساخت ایران هستند که سرعت پایین‌تری در مقایسه با دیگر

گریزانه‌ها دارند. ایران می‌بایست از به‌کارگیری گریزانه‌های نوع IR-2M پیشرفته خود صرف نظر کند. حق مالکیت گریزانه‌های پیشرفته نوع IR-2M برای ایران محفوظ خواهد بود، اما این گریزانه‌ها به انباری در ایران تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای فرستاده شده و در آنجا نگهداری خواهند شد.

۴) ایران، فعالیت‌های مرکز هسته‌ای فردو در زمینه غنی‌سازی اورانیوم و همچنین تحقیق و توسعه در این خصوص را به مدت ۱۵ سال متوقف خواهد نمود و آن را به یک مرکز تحقیقاتی فیزیک، انرژی هسته‌ای و فناوری‌های مرتبط تغییر کاربری خواهد داد. مرکز تحقیقاتی فردو اجازه خواهد داشت شمار ۱۰۴۴ گریزانه از نوع IR-1 را در ۶ آب‌شیب واقع در یکی از جناح‌های این مرکز نگهداری نماید. «۲ آب‌شیب از شمار ۶ آب‌شیب اشاره‌شده، با تغییر کاربری و سازه، بدون اورانیوم خواهند چرخید تا ایزوتوپ پرتوزای مورد نیاز برای امور پزشکی، کشاورزی، صنعتی و پژوهش‌های علمی را فراهم نمایند. ۴ آب‌شیب دیگر و سازه‌های مرتبط با آن‌ها بلااستفاده باقی خواهند ماند.» ایران اجازه نخواهد داشت هیچ‌گونه ماده شکافت‌پذیری را در فردو نگهداری نماید.

۵) ایران به مدت ۱۵ سال اجازه ساخت هیچ‌گونه تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم را نخواهد داشت. همچنین ایران به مدت ۱۵ سال اجازه نخواهد داشت هیچ‌گونه تأسیسات و گریزانه‌های آب سنگین تازه‌ای ایجاد کرده و یا درصدد ذخیره‌سازی آب سنگین باشد.

۶) ایران می‌بایست تغییراتی را در تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم خود به انجام برساند. به منظور کاهش تهدید و عمل به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران می‌بایست تعداد گریزانه‌های موجود در تأسیسات آب سنگین اراک را کاسته و آن مجموعه را به گونه‌ای باز سازی کند تا مورد پذیرش جامعه جهانی واقع شده و ایران نتواند پلوتونیم مورد نیاز برای ساخت

جنگ‌افزار تولید نماید. مادام که گریزانه اراک در حال کار باشد، تمامی سوخت هسته‌ای مصرف‌شده از کشور خارج خواهد شد.

۷) ایران اجازه دارد به مدت ۸ سال به تحقیق و توسعه در زمینه غنی‌سازی اورانیوم ادامه بدهد، اما این امر تنها در تأسیسات نطنز می‌بایست صورت گیرد. این بدین سبب است که «زمان ایران برای تولید مواد مورد نیاز برای ساخت تنها یک سلاح هسته‌ای» به ۱ سال برسد.

۸) ایران پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به توافق‌نامه را تا زمانی که پایبندی‌اش به این پیمان‌نامه را لغو نکرده باشد، اجرا خواهد نمود. این بدین معنی است که نظارت‌های آژانس حتی پس از اتمام زمان اجرایی برجام ادامه خواهند یافت.

۹) یک برنامه بازرسی جامع اعمال خواهد شد و ایران می‌بایست به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اجازه بازرسی از تمامی تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده، از جمله تأسیسات نظامی واقع در پارچین را بدهد تا مشخص و تأیید شود که ایران به تعهدات خود در توافق‌نامه پایبند است و در پی ساخت هیچ‌گونه مواد شکافت‌پذیر به صورت پنهانی نیست.

۱۰) آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای یک نظارت چندلایه را بر زنجیره مواد هسته‌ای ذخیره‌شده توسط ایران، کارخانه‌های تولید اورانیوم و تهیه و تدارک هرگونه فناوری هسته‌ای توسط ایران اعمال خواهد نمود. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای برای تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده توسط ایران همچون فردو و نطنز نوعی نظارت «عندالمطالبه» اعمال نموده و محق خواهد بود به صورت مداوم چنین نظارتی را به انجام برساند. این نظارت ممکن است حتی با کمک فناوری‌های پایشی صورت گیرد. از جمله این فناوری‌ها می‌توان به مهر و موم فیبر نوری بر روی تجهیزاتی که اطلاعات را به صورت الکترونیکی برای آژانس انرژی هسته‌ای می‌فرستند، تصویربرداری ماهواره‌ای

فروسرخ به منظور شناسایی تأسیسات هسته‌ای مخفی، «حس‌گرهای محیطی با قابلیت شناسایی کوچک‌ترین علامات از ذره‌های هسته‌ای» و دوربین‌های ثبت‌کننده پرتوفشانی هسته‌ای، اشاره کرد. دیگر ابزاری که آژانس انرژی هسته‌ای به منظور نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌کند عبارت است از نوعی نرم‌افزار رایانه‌ای به منظور گردآوری اطلاعات و تشخیص فعالیت‌های نامتعارف که به گردآوری داده‌های عظیم از کالاهای وارداتی ایران می‌پردازد تا آژانس بتواند بر اقلامی با بیش از یک مصرف (en) وارداتی توسط ایران نظارت داشته باشد.

۱۱) شمار بازرسانی که از سوی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به منظور بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران در نظر گرفته شده بودند، سه برابر شده و از ۵۰ تن به ۱۵۰ تن افزایش می‌یابد.

۱۲) چنانچه بازرسان آژانس در مورد اینکه ایران در یکی از تأسیسات اعلام‌نشده خود در حال توسعه انرژی هسته‌ای شک داشته باشند، اجازه دارند درخواست دسترسی به این تأسیسات را بدهند تا مطمئن شوند هیچ‌گونه مواد هسته‌ای اعلام‌نشده‌ای وجود نداشته باشد و ایران هیچ‌گونه فعالیت هسته‌ای مغایر با توافق‌نامه به انجام نرساند. ایران می‌تواند درخواست بازرسان آژانس را برای ورود به چنین تأسیساتی قبول کرده و یا راه‌حل دیگری به آژانس ارائه نماید تا نگرانی‌های آژانس را برطرف نماید. اگر ایران چنین اجازه‌ای ندهد، یک روند ۲۴ روزه آغاز می‌گردد. در طی این روند، ایران و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای ۱۴ روز فرصت دارند اختلاف‌هایشان را حل کنند. چنانچه موفق نشدند، کمیسیون برجام (هر ۸ کشور عضو) یک هفته فرصت خواهند داشت عامل اصلی درخواست آژانس برای بازرسی را بررسی نمایند. پس از آن بیش‌ترین اعضای کمیسیون (کمیته ۵ از ۸ عضو) به اطلاع ایران خواهند رساند چه فعالیت‌هایی می‌بایست در ۳ روز باقی‌مانده به انجام برسانند.. قانون

رای بیشترین "بدین معناست که آمریکا و متحدان اروپایی اش -انگلیس، فرانسه، آلمان و اتحادیه اروپا- مجازند بر درخواستشان پافشاری نمایند و ایران، روسیه و چین حق وتو نخواهند داشت." [۲۹] اگر ایران تن به اجرای تصمیم‌های گرفته شده در این ۳ روز ندهد، تحریم‌ها به صورت خودکار دوباره اعمال خواهند شد.

طبق مفاد ذکر شده در بالا "زمان ایران برای فرار" -وقت مورد نیاز ایران برای تولید مواد مورد نیاز برای ساخت تنها یک سلاح هسته‌ای اگر این کشور توافق‌نامه را لغو کند- از ۲ تا ۳ ماه به ۱ سال افزایش خواهد یافت و این روند به مدت ۱۰ سال ادامه خواهد داشت. 13.

ب-در بخش تحریم‌ها

از جمله بندهایی که در برجام در رابطه با برداشتن تحریم‌های ایران آورده شده، به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱) شورای امنیت سازمان ملل متحد طی جلسه‌ای برجام را تأیید خواهد نمود و تمام مفاد قطعنامه‌های قبلی خود در خصوص موضوع هسته‌ای ایران شامل (۱۶۹۶) ۲۰۰۶، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) را همزمان با اجرای اقدامات توافق‌شده مرتبط با هسته‌ای توسط ایران که توسط آژانس راستی‌آزمایی می‌شوند لغو خواهد کرد.

۲) طبق پیوست دوم این توافق، تحریم‌های اتحادیه اروپایی و ایالات متحده در روز اجرایی شدن برجام لغو می‌شوند. این تحریم‌ها در حوزه‌های مالی، بانکی، بیمه، نفت، گاز، پتروشیمی، کشتی‌رانی، کشتی‌سازی، ترابری، طلا و فلزات گرانبها، اسکناس، سکه، موارد مجاز هسته‌ای، فلزات، نرم‌افزار و تسلیحات می‌باشند. همچنین نام برخی از شرکت‌ها و اشخاص حقیقی ایرانی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران طبق این پیوست از تحریم در می‌آید.

سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا هیچ‌گونه تحریم یا اقدامات سختگیرانه دیگری در زمینه انرژی هسته‌ای علیه ایران وضع نخواهند کرد.

(۳) ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا تحریم‌های مربوط به انرژی هسته‌ای ایران (به گونه‌ای که در ضمیمه ۲ توافق‌نامه آمده) را پس از آنکه آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تأیید کرد که ایران گام‌های مؤثری برداشته، لغو خواهند نمود.

(۴) تحریم‌های مربوط به فناوری موشک‌های بالستیک به مدت ۸ سال پابرجا خواهند ماند. همچنین برخی تحریم‌های مشابه علیه فروش جنگ‌افزارهای متعارف به ایران به مدت ۵ سال باقی خواهند ماند.

(۵) بر اساس توافق‌نامه و به مدت ۸ سال پس از اجرایی شدن آن، برخی تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه برخی شرکت‌ها و افراد ایرانی (همچون قاسم سلیمانی) برداشته خواهند شد.

(۶) با وجود این تمامی تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران که مربوط به نقض حقوق بشر، فناوری‌های ساخت موشک و حمایت از وحشت‌افکنی می‌شوند، برداشته نخواهند شد. تحریم‌های وضع‌شده توسط ایالات متحده آمریکا سختگیرانه‌تر به نظر می‌آیند؛ چراکه تأثیرات فرمانطقه‌ای دارند؛ یعنی در سراسر جهان اجرایی هستند. در مقابل، تحریم‌های وضع‌شده از سوی اتحادیه اروپا تنها در این قاره اجرایی هستند.

(۷) چنانچه ایران به توافق خود عمل ننماید، یک "راهکار مقابله سریع" به صورت خودکار مقرر خواهد شد که توسط آن، تحریم‌ها دوباره و به سرعت اعمال خواهند شد.

(۸) از جمله راه‌کارهایی که در برجام برای قطعنامه حل اختلاف (en) در نظر گرفته شده است، می‌توان به این روند اشاره نمود: چنانچه یکی از اعضای تعهد برجام اعتقاد داشته باشد که عضو دیگر متعهد این توافق‌نامه به وظایف

خود عمل نمی‌کند، در آن صورت عضو شاکی می‌تواند شکایت خود را به کمیسیون برجام ارائه نماید. کمیسیون برجام عبارت است از گروهی که به منظور نظارت بر درست اجرا شدن آن ایجاد شده است. اگر عضو شاکی، کشوری غیر از ایران باشد و به شکایتش تا ۳۵ روز پس از ارائه، رسیدگی نشده و رضایتش جلب نگردد، در آن صورت آن کشور مجاز است از این مسأله حل‌نشده به عنوان بهانه‌ای برای امتناع از ادامه تعهد به توافق‌نامه با دیگر اعضای برجام بهره ببرد. البته عضو شاکی می‌بایست با در جریان قرار دادن شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعلام دارد که معتقد است که مشکلی که به سبب آن شکایت به وجود آمده، سبب ناکارآمدی توافق‌نامه شده است. سپس شورای امنیت ۳۰ روز فرصت خواهد داشت راه‌حلی بیابد تا روند برداشت تحریم‌ها ادامه یابد. در غیر این صورت، تمامی تحریم‌های مربوط به انرژی هسته‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد که پیش از انعقاد برجام تصویب شده بودند به صورت خودکار دوباره برقرار خواهند شد. تأثیر چنین قانونی آن خواهد بود که اعضای دایم شورای امنیت سازمان ملل متحد (ایالات متحده آمریکا، انگلیس، چین، روسیه و فرانسه) مجاز خواهند بود هرگونه لغو تحریم که در آن زمان در جریان باشد را وتو کنند، اما هیچ عضوی اجازه نخواهد داشت برقراری خودکار تحریم‌ها را وتو کرده و مانع آن شود. نتیجه آن می‌شود که راه فرار ایران از برقراری دوباره و خودکار تحریم‌ها در حالی که به تعهدات خود نسبت به برجام عمل نمی‌کند، به طور کلی بسته شود.

۹) دوباره اعمال شدن تحریم‌ها به صورت خودکار "نسبت به قراردادهای منعقد فی‌مابین یکی از اعضا با ایران و یا شرکت‌ها و اشخاص ایرانی، پیش از تاریخ اجرایی شدن برجام، عطف به ما سبق نمی‌گردد؛ بدین شرط که اجرای چنین قراردادهای یا به انجام رساندن چنین فعالیت‌هایی، با برجام و همچنین

قطع‌نامه‌های پیشین و فعلی تصویب‌شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد مطابقت داشته باشد" (ویکی‌پدیا).

آثار و نتایج برجام به روایت دولتمردان

رئیس‌جمهوری

آقای روحانی در مصاحبه مطبوعاتی‌اش در ۱۶ اسفند ۹۴ برجام را به افتاب تابان تشریح کرده‌اند و در پاسخ به سؤالی درباره برجام گفت: "ما چیز مخفی نداریم و برخی‌ها که چیز دیگری می‌گفتند و اکنون با شرایط دیگری مواجه شده‌اند، به کارشان ادامه می‌دهند. برجام یک مثل آفتاب روشن است" (۱۶ اسفند ۹۴ شبکه خبر ساعت ۱۶:۲۴).

او در یک اظهارنظری قابل تأمل در نشست مدیران ارشد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با بیان اینکه برجام فضایی را ایجاد می‌کند که از همه امکانات به نفع کشور و ملت استفاده کنیم، اظهار داشت: "آنهايي که امروز در مورد برجام صحبت‌هایی می‌کنند گویا فراموش کرده‌اند که غرب به دنبال کاهش تأثیرگذاری توانمندی ایران در بحث انرژی بوده است و اگر برجام نبود امروز حتی یک بشکه نفت نمی‌توانستیم صادر کنیم" (سایت تابناک ۱۶ فروردین ۱۳۹۵ - ۱۳:۰۸).

هاشمی رفسنجانی

اگر انتخاب دولت یازدهم را برخاسته از اراده مردم فهیم ایران برای برداشتن سیم‌خاردهای سیاسی گرد ایران اسلامی، آغاز تعامل‌های سازنده و همچنین متلاشی کردن صخره‌های صمّای کوه بی‌اعتمادی بین جمهوری اسلامی ایران و جهان بدانیم، که چنین بود، مطمئناً اصل و اساس برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت تدبیر و امید در بُعد سیاست‌های خارجی، برداشتن تدریجی سنگ‌های دیوار تحریم‌های ظالمانه و قطع ارتباط‌های سیاسی و

اقتصادی ایران با کشورهای مهم جهان بود که خدا را شکر، با انتخاب یکی از زبده‌ترین تیم‌های دیپلماسی در تاریخ ایران که سوابق و تجربیات مذاکرات عاقلانه و فشرده برای احقاق حقوق ایران در ماجرای قطعنامه ۵۹۸ را در پرونده کاری خویش داشتند، این مهم، پس از ۲ سال و اندی جهاد سخت، فشرده و صبورانه دیپلماسی به نتیجه رسید و مانند صدام، دیکتاتور حزب بعث که پس از آن همه جنایات در حق دو ملت ایران و عراق، در یکی از آخرین تبادل‌نامه‌ها قبل از آزادی آزادگان سرافراز به خود من، صراحتاً اعلام کرده بود که تمام شرایط و خواسته‌های شما را پذیرفتیم، در موضوع برجام هم، همه کشورهای جهان به پیش‌قراولی ۱+۵، پس از ۱۳ سال تبلیغات غیر واقعی و القاءهای مسموم درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همچنین اعمال تحریم‌های ظالمانه، از زبان دبیرکل سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای و در حضور وزرای خارجه کشورهای قدرتمند جهانی، جلوی دوربین‌های خبرنگاران اقصی نقاط جهان، رسماً اعلام کردند که تمام فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی صلح‌آمیز است.

این اعتراف بین‌المللی و لغو تمام تحریم‌ها، مخصوصاً لغو یکجای شش قطعنامه ظالمانه را که در دولت نهم! در حق ملت ایران اتفاق افتاد، به ملت عزیز و صبور ایران، تیم زحمت کش، صادق و صبور دیپلماسی، دولت برخاسته از اراده مردم، رهبری بزرگوار که در همه مراحل با حمایت‌های خویش جلوی تندروهای را می‌گرفتند و ملت‌های جهان سوم و دنیای اسلام و همسایگان که دل در گرو انقلاب اسلامی داشته و دارند، تبریک می‌گوییم (خبرگزاری ایلنا ۱۳۹۴/۱۰/۲۷).

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور

"برجام دستاوردهای زیادی داشته است." معاون اول رئیس‌جمهور در ادامه افزود: "با وجود این، برخی بانک‌های بزرگ که از سوی آمریکا جریمه

شده‌اند، در ارتباط با ایران با احتیاط عمل می‌کنند. آمریکا باید از این کشورها دست بردارد. ما قادریم که برجام را به صورت کامل اجرا کنیم و مطمئن هستیم که طرف مقابل هم تمکین می‌کند. ممکن است برخی خواسته‌های ما با یکی دو ماه تأخیر اجرا شود، ولی حتماً اجرا خواهد شد." (روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۳۷۴۶ تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۰۲/۰۱).

ظریف، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

"شرایط حقوقی کشور زیر و رو شده است؛ چرا که قطعنامه ۱۹۲۹ یکی از بدترین قطعنامه‌ها در تاریخ شورای امنیت بود و قطعنامه ۲۲۳۱ یکی از عجیب‌ترین آنهاست که شاید سال‌ها بعد در کلاس‌های درسی بیاید." رئیس دستگاه دیپلماسی با ذکر این نکته که برای اولین بار در تاریخ شورای امنیت، قطعنامه‌ای بدون یک دقیقه اجرا لغو شد، عنوان کرد: "در فاصله ۱۰ سال آینده پرونده ایران کاملاً از شورای امنیت سازمان ملل خارج خواهد شد و پرونده هسته‌ای در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام بسته می‌شود."

به گفته ظریف پس از پایان مذاکرات اخیر هسته‌ای در وین، برخورد دنیا با ایران هسته‌ای براساس برجام تغییر کرده است.

وی دستاوردهای حاصل از توافق وین را قابل توجه خواند و در عین حال یادآور شد: البته باید توجه داشت که فرصت‌ها همچون ابر می‌گذرد.

وزیر خارجه با اشاره به توافق وین گفت: "بزرگ‌ترین خیانت این است که به مردم ما بگویند شما شکست خوردید" (سایت ۵۹۸مورخه ۱۸مرداد ۱۳۹۴ - ۱۸:۳۹).

سیدعباس عراقچی

یکی از دستاوردهای سیاسی مذاکرات هسته‌ای را بالا بردن سطح بلوغ و شعور سیاسی و اجتماعی در جامعه و در دنیا برشمرد. وی اضافه کرد: "اصل مذاکرات براساس بی‌اعتمادی طرفین به همدیگر بود و سازوکار مذاکرات بر

حداقل ریسک‌پذیری استوار بود."

معاون وزیر خارجه همچنین گفت: "محدودیت‌های ما در فاصله‌ای معقول که مورد نظر مقام معظم رهبری بود، برداشته می‌شود." عراقچی در ادامه سخنانش عنوان کرد: "سوئیفت به دلیل اثر روانی تحریم‌ها و خطر اعتبارش با ایران کار نمی‌کرد و منعی از نظر قوانین تحریمی نداشت، اما در حال حاضر در اثر توافق، هر کسی از لیست تحریم‌ها خارج شود از لیست تحریم سوئیفت هم خارج می‌شود که در مرحله اول ۸۰۰ نفر خارج می‌شوند."

وی در خصوص اصل همزمانی برداشته شدن تحریم‌ها و تعهدات ایران گفت: "مذاکرات بسیاری انجام شد و اصلی که طرفین به آن رسیدند همزمانی اقدامات به شکل متناظر بود. آمریکا و اروپا تحریم‌های مالی و اقتصادی خود را لغو و متوقف می‌کنند و رئیس‌جمهور آمریکا طی دستوری تحریم‌ها را متوقف می‌کند و ما در آن زمان هنوز هیچ کاری نکرده‌ایم، اما این دستورها اجرایی نمی‌شود تا زمانی که ما برخی کارهایمان را انجام دهیم و در روز اجرایی شدن تعهدات ما برخی از لغو تحریم‌ها عملیاتی می‌شود."

عراقچی گفت: "توافق متوازن است چون هر دو طرف به خواسته خود رسیدند، اما خواسته آنها این بود که ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای نرود و اگر اراده کرد به سمت سلاح برود یک سال طول بکشد که تعداد سانتریفیوژهای فعال بر همین مبنا بود؛ اما خواسته ما خارج شدن از فضای امنیتی و ایران‌هراسی و تهدید معرفی کردن ایران بود که از آن خارج شدیم و به هدفمان رسیدیم."

عراقچی ادامه داد: "خواسته دوم ما تثبیت و مشروعیت‌بخشی از دید حقوق بین‌الملل به فعالیت هسته‌ای بود که محقق شد و خواسته سوم ما این بود که تحریم‌ها برداشته شود که این گونه نیز شد."

عضو ارشد تیم مذاکره کننده هسته‌ای خاطرنشان کرد: "از همه مهم‌تر این بود که در یک دعوای ۱۲ ساله حرف ما به کرسی نشست و با مجموعه غرب و شورای امنیت بر سر غنی‌سازی به پیروزی رسیدیم."

معاون وزیر خارجه اضافه کرد: "به خودمان تبریک می‌گوییم و باید برای این توافق جشن گرفت و من تمام‌قد از این توافق دفاع می‌کنم."

وی یکی از دستاوردهای برجسته را تأثیرگذاری ایران در آینده منطقه خواند و یادآور شد: این موضوع حاصل مقاومت مردم در برابر تهدید و تحریم بود و این دستاوردها به طور کلی متعلق به همه مردم ایران و به خاطر توانایی‌های دفاعی و فنی ماست (سایت ۵۹۸ مورخه ۱۸ مرداد ۱۳۹۴ - ۱۸:۳۹).

علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی

صالحی نتایج و آثار برجام ضمن اذعان به محدودیت‌های پذیرفته شده در برجام این گونه یادآور شد: "آنها لیستی از تجهیزات دامن‌زده دارند که نه فقط برای ما بلکه برای خودشان نیز نیازمند کسب تأییدیه‌های آن سازمان هستند. ما امروز وسایلی را با هزار دردسر می‌خریم که هم روند خرید طولانی است و هم خرابکاری صنعتی دارد. اما با توافق وین، می‌توانیم این وسایل را مستقیماً از خود شرکت‌ها وارد کنیم که با این موضوع امکان خرابکاری صنعتی کاهش می‌یابد."

رئیس سازمان انرژی اتمی کرد: "علاوه بر این برخی تجهیزات را با هم ساخته و با هم تهیه می‌کنیم."

صالحی درباره عملکرد ایران در مذاکرات هسته‌ای نیز گفت: "یا باید مانند لیبی عمل می‌کردیم که همه چیز را واگذار کرد یا مانند کره شمالی و ما هیچ‌گاه چنین خواسته‌هایی را نداشتیم."

رئیس سازمان انرژی اتمی یادآور شد: "ما امروز حدود ۱۵ هزار کارشناس در حوزه هسته‌ای داریم و چیزی از دست نداده‌ایم ولی چیزهایی که به دست

آورده‌ایم قبلاً حتی قابل تصور هم نبود."

صالحی با اشاره به قراردادهای منعقد شده بین کشورهای مختلف حاشیه خلیج فارس برای ساخت نیروگاه هسته‌ای نیز گفت: "کشورهای همسایه یک باتری بزرگ می‌سازند و نه نیروگاه. امارات متحده عربی با کره جنوبی قرارداد بسته که بیاورد یک باتری بزرگ در آنجا نصب کند و کارشناسان خودش نیز امور را به دست بگیرند و چند سال بعد هم جمع کنند و بروند، اما ما در حال ساخت گداخت هسته‌ای هستیم که این فناوری ۵۰ سال آینده است."

وی با انتقاد از برخی اظهارنظرها در خصوص برجام منتقدان رانادان خطاب می‌کند و می‌گوید: "دانشمندان و سیاستمداران طرف مقابل می‌دانند که ما چه داریم و فشار می‌آوردند تا نداشته باشیم، اما برخی از داخلی‌های ما نمی‌دانند. برای اولین بار یک کشور در حال توسعه در عرصه دیپلماسی در جایگاه کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است."

این‌ها گوشه‌ای از نظرات دولتمردان پیرامون آثار و نتایج برجام بوده است و در دفاع از آن، منتقدانشان را به انواع کلمات قابل تأمل حتی زشت متهم کرده‌اند. این در حالی است که هر چه از توافق برجام می‌گذریم بیشتر به نیات قدرت‌های سلطه‌گر به ویژه آمریکا که طرف حساب اصلی بود می‌رسیم.

بدعهدی‌های آمریکا

قبل از هر کسی در داخل و بیرون این سکاندار بیدار انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای در جواب نامه آقای روحانی به مواظبت بیشتر در مراحل اجرای برجام از بدعهدی‌های طرف مقابل یادآور شدند و در پاسخی حکیمانه فرمودند:

محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است دچار نقاط ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق

و لحظه به لحظه، می‌تواند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده کشور منتهی شود.

بندهای نه‌گانه قانون اخیر مجلس و ملاحظات ده‌گانه ذیل مصوبه شورای عالی امنیت ملی، حاوی نکات مفید و مؤثر است که باید رعایت شود، با این حال برخی نکات لازم دیگر نیز هست که همراه با تأکید بر تعدادی از آنچه در آن دو سند آمده است، اعلام می‌گردد.

اولاً: از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرایی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موکول گردیده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرف‌های مقابل، تدارک شود، که از جمله آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپا مبنی بر لغو تحریم‌ها است. در اعلام اتحادیه اروپا و رئیس‌جمهور آمریکا باید تصریح شود که این تحریم‌ها به کلی برداشته شده است. هرگونه اظهاریه مبنی بر این که ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به منزله نقض برجام است.

ثانیاً: در سراسر دوره ۸ ساله وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه مجلس اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعالیت‌های برجام را متوقف کند.

ثالثاً: اقدامات مربوط به آنچه در دو بند بعدی آمده است، تنها هنگامی آغاز خواهد شد که آژانس پایان پرونده موضوعات حال و گذشته (pmd) را اعلام نماید.

رابعاً: اقدام در مورد نوسازی کارخانه اراک با حفظ هویت سنگین آن، تنها در صورتی آغاز خواهد شد که قرارداد قطعی و مطمئن درباره طرح جایگزین

و تضمین کافی برای اجرای آن منعقد شده باشد.

خامساً: معامله اورانیوم غنی‌شده موجود در برابر کیک زرد با دولت خارجی در صورتی آغاز خواهد شد که قرارداد مطمئن در این باره همراه با تضمین کافی منعقد شده باشد. معامله و تبادل مزبور باید به تدریج و در دفعات متعدد باشد.

سادساً: مطابق مصوبه مجلس، طرح و تمهیدات لازم برای توسعه میان‌مدت صنعت انرژی اتمی که شامل روش پیشرفت در مقاطع مختلف از هم‌اکنون تا ۱۵ سال و منتهی به ۱۹۰ هزار سو است، تهیه و با دقت در شورای عالی امنیت ملی بررسی شود. این طرح باید هرگونه نگرانی ناشی از برخی مطالب در ضمائم برجام را برطرف کند.

سابعاً: سازمان انرژی اتمی، تحقیق و توسعه در ابعاد مختلف را در مقام اجرا به‌گونه‌ای ساماندهی کند که در پایان دوره ۸ ساله هیچ کمبود فناوری برای ایجاد غنی‌سازی مورد قبول در برجام وجود نداشته باشد.

ثامناً: توجه شود که موارد ابهام سند برجام، تفسیر طرف مقابل مورد قبول نیست و مرجع، متن مذاکرات است.

تاسعاً: وجود پیچیدگی‌ها و ابهام‌ها در متن برجام و نیز گمان نقض عهد و تخلفات و فریبکاری در طرف مقابل به ویژه آمریکا، ایجاب می‌کند که یک هیأت قوی و آگاه و هوشمند برای رصد پیشرفت کارها و انجام تعهدات طرف مقابل و تحقق آنچه در بالا بدان تصریح شده است، تشکیل شود. ترکیب و وظایف این هیأت باید در شورای عالی امنیت ملی تعیین و تصویب شود.

با توجه به آنچه ذکر شد، مصوبه جلسه ۶۳۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۹ شورای عالی امنیت ملی با رعایت موارد یادشده تأیید می‌شود.

در خاتمه همان‌طور که در جلسات متعدد به آن جناب و دیگر مسئولان دولتی یادآور شده و در جلسات عمومی به مردم عزیزمان گوشزد کرده‌ام، رفع

تحریم‌ها هر چند از باب رفع ظلم و احقاق حقوق ملت ایران کار لازمی است، لیکن گشایش اقتصادی و بهبود معیشت و رفع معضلات کنونی جز با جدی گرفتن و پیگیری همه جانبه اقتصاد مقاومتی میسر نخواهد شد. امید است که مراقبت شود که این مقصود با جدیت تمام دنبال شود و به خصوص به تقویت تولید ملی توجه ویژه صورت گیرد و نیز مراقبت فرمایید که وضعیت پس از برداشته شدن تحریم‌ها، به واردات بی‌رویه نینجامد (۱۳۹۴/۰۷/۲۹).

در همین بی‌اعتمادی به آمریکا است که "مؤسسه صلح ایالات متحده آمریکا" ۱۲ قانون کنگره علیه ایران که ماه‌های اخیر به تصویب رسیده‌اند بدین شرح فهرست کرده است:

الف- قانون شفافیت تأمین مالی تروریسم ایران (The Iran Terror

Finance Transparency Act)

این لایحه به حمایت استیو راسل و ۲۰ نماینده جمهوریخواه دیگر در تاریخ اول اکتبر ۲۰۱۵ در کنگره مطرح شد. این لایحه در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۶ به تصویب رسید، اما سخنگوی اکثریت جمهوریخواه مجلس، کوین مک کارتی، رأی‌گیری را لغو کرد؛ زیرا ۱۳۷ نماینده در رأی‌گیری شرکت نکرده بودند. دوم فوریه، بار دیگر رأی‌گیری شد و این لایحه به تصویب رسید. در مجموع ۲۴۳ جمهوریخواه و سه دموکرات به این قانون رأی دادند. سوم فوریه این قانون به کمیته بانکی سنا ارجاع داده شد.

ب- قانون بهبود برنامه لغو روادید و جلوگیری از سفر تروریستی:

لایحه این طرح را کانداس مایر و مایکل مک کاول در ششم ژانویه ۲۰۱۵ به کنگره ارائه کردند. این لایحه بعداً اصلاح و در ۸ دسامبر ۲۰۱۵ به تصویب رسید؛ این رأی‌گیری با نسبت آرای ۴۰۷ به ۱۹ به عنوان بخشی از «قانون تخصیص تلفیقی» تصویب شد.

ج- قانون عدم تسامح در مقابل تروریسم:

این لایحه را جوزف کندی، تد داچ و پنج نماینده دیگر در ششم ژانویه در سنا مطرح کردند. یک روز بعد، قانون دیگری به نام «قانون منع و تحریم موشک‌های بالستیک ایران» با حمایت کندی و جان دیلانی تصویب شد.

د- قانون نظارت بر لغو تحریم‌های ایران:

مارک کیرک و رابرت منندز این لایحه را در بیست و پنجم ژوئن ۲۰۱۶ به مجلس سنا ارائه کردند و هدفشان در اصل اصلاح قانون بودجه دفاعی کشور در سال ۲۰۱۶ بود.

ه- قانونی که رئیس جمهور آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را مجبور کرد متن پیوست‌ها و توافق‌های جانبی برجام را در اختیار کنگره قرار دهند. این لایحه را رایان زینک و ۳۰ نماینده دیگر حمایت کردند و در تاریخ سوم دسامبر ۲۰۱۵ به مجلس نمایندگان معرفی شد و به تصویب رسید.

و- قانون نظارت بر سیاست ایران (Iran Policy Oversight Act):

این لایحه در روز اول اکتبر ۲۰۱۵ وارد سنا شد و بن کاردین و چاک شومر و هفت دموکرات دیگر حامی آن بودند.

ز) قانون پایان دادن به برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران قبل از

لغو تحریم‌ها (Ending Iran's Nuclear Weapon Program Before Sanctions Relief Act):

این لایحه در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵ وارد سنا شد و کلی آیوت و ۱۲ جمهوریخواه دیگر از آن حمایت کردند؛ این لایحه در هفتم ژانویه ۲۰۱۶ توسط مایک پامپو، پیتر روسکام و دو جمهوریخواه دیگر به مجلس نمایندگان ارائه شد.

ح- قانون اجرا و نظارت بر تحریم‌های سپاه پاسداران انقلاب ایران (Iran apostrophe s Revolutionary Guard Corps Sanctions :(Implementation and Review Act

این لایحه برای نخستین بار در هجدهم دسامبر ۲۰۱۵ توسط براد شرمن و پنج دموکرات دیگر معرفی شد و در واقع اصلاحیه‌ای بر قانون «کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه» بود.

ت- قانون قرنطینه کردن تهاجم و جنگ طلبی دولتی مورد حمایت آیت الله: (Quarantining the Ayatollah apostrophe s State- (Sponsored Aggression and Militancy

این لایحه را پیتر روسکام و سه جمهوریخواه دیگر در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ به مجلس نمایندگان معرفی کردند. این قانون با هدف تحریم هر شرکت یا مؤسسه‌ای که سپاه پاسداران دست کم ۲۰ درصد از سهام آن را مالک بود وضع شد.

ی- قانون تحریم‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

این لایحه در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ توسط دویین نانس و ۱۹ جمهوریخواه دیگر مطرح شد. این قانون در واقع قصد داشت سه قانون موجود را در زمینه حذف کشورها از فهرست تحریم‌ها اصلاح کند و برای حذف یک کشور حامی تروریسم از فهرست تحریم‌ها به مجوز کنگره نیاز باشد.

ک- قانون تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

این لایحه را مایکل مک کاول و ۱۳ نماینده دیگر در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۵ در مجلس نمایندگان مطرح کردند؛ همچنین تد کروز این لایحه را در مجلس سنا طرح کرد. بر اساس این قانون، وزارت امور خارجه آمریکا باید سپاه

پاسداران را سازمانی تروریستی بخواند.

ل- قانون عدالت برای قربانیان تروریسم ایران:

این لایحه در ۹ سپتامبر ۲۰۱۵ توسط پاتریک میهان و دو جمهوریخواه دیگر به مجلس نمایندگان معرفی شد و در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵ توسط پت تومی و دو جمهوریخواه دیگر در مجلس سنا طرح گشت. بر اساس این قانون، تا زمانی که ایران در پرونده‌های قربانیان گروه‌های تروریستی که با حمایت این کشور صورت گرفته‌اند پاسخگو نباشد نباید تحریم‌های آن را لغو کرد.

م- قطعنامه بازتأیید حق آمریکا برای استفاده از گزینه‌های موجود، از جمله نیروی نظامی برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای:

این قطعنامه را ست مولتون، جوزف کندی، رید ریبل و دو نفر دیگر در مجلس نمایندگان در سوم فوریه ۲۰۱۶ مطرح کردند. در این قطعنامه بر حق آمریکا برای استفاده از نیروی نظامی علیه ایران تأکید شده است. در این قطعنامه همچنین آمده است که توافق هسته‌ای ایران مانع تحریم‌های بیشتر علیه این کشور به خاطر مسائل تروریسم، موشک‌های بالستیک و نقض حقوق بشر نمی‌شود (پایگاه خبری چهارفصل بهمن ۱۳۹۴-۵۶:۱۳).

تحریم دیگر آمریکا علیه ایران بعد برجام

وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای از افزودن نام شرکت‌ها و افراد جدید به فهرست تحریم‌های ایران به واسطه ارتباط با برنامه موشکی ایران خبر داد.

تحریم‌های جدید در حالی اعلام شده‌اند که هواپیمای حامل زندانیان آمریکایی ساعتی قبل از آن ایران را ترک کرد.

افراد و شرکت‌هایی که به بهانه ارتباط با برنامه موشکی ایران در فهرست

تحریم قرار گرفته‌اند، عبارتند از: سیدمهدی فرحی، رحیم رضا فرقدانی، سیدمحمد هاشمی، سیدجواد موسوی، سیدمیر احمد نوشین، حسین پورنقشبند، مینگفو چن (تبعه چین)، شرکت لند آنهوی، شرکت بازرگانی کاندید جنرال، شرکت بازرگانی مبروکه.

همچنین اطلاعات مربوط به «مهرداد کتابچی» که پیش از این در فهرست تحریم‌ها بوده نیز به روز شده است.

نام این افراد و شرکت‌ها در فهرست تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار گرفته و از این پس دارایی‌های آن‌ها در آمریکا بلوکه شده و اتباع آمریکا قادر به مبادله اقتصادی با آن‌ها نخواهند بود.

واشنگتن می‌گوید با وجود توافق هسته‌ای، حق اعمال تحریم در زمینه موشکی، تروریسم و حقوق بشر را برای خود حفظ کرده است (www.shalamchenews.com).

نتیجه‌گیری

در حالی که ما دلخوش وعده‌های نسیه طرف‌های مقابل بودیم نقد را از دست دادیم و جای قلب راکتور اراک را برای همیشه با سیمان پر کردیم. این راه رفته که پیش‌تر از سوی دولت هشتم رفته شده بود و با پلمپ مراکز هسته‌ای به جایی نرسیده بود این بار نیز تکرار شد، اما با این تفاوت که خسارات وارد شده به مردم به مراتب بیشتر از آن دوران بوده است. آن چیز که از مسئولان در مورد حصول نتیجه برجام به گوش می‌رسید "هیچ چیز نصیبمان نشد" است و این یعنی از بین رفتن بسیاری از ظرفیت‌ها و موقعیت‌های داخلی در برابر تعهدی که طرف مقابل نه تنها هیچ علاقه‌ای به اجرای آن ندارد، بلکه هر چه سنگ دارد زیر پای لنگ برجام می‌ریزد تا سایه سنگین فشارها از سر مردم ایران برداشته نشود.

آیت الله مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید با هشدار به داخلی‌های مدافعان صددرصد برجام در درس خارج خود در مسجد اعظم گفت: افرادی هستند که تصور می‌کنند می‌توان با آمریکایی‌ها و مستکبران صلح کرد ولی درک آن برای ما دشوار و غیر ممکن است؛ زیرا آنها در عمل همیشه جنایت می‌کنند.

وی آمریکا و غربی‌ها را به هیچ وجه قابل اعتماد ندانست و گفت که برای حل مشکلات مان باید روی پای خود بایستیم (۱۳۹۴/۱۰/۰۹، شبکه رسانه نظر).

رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه با بلومبرگ درباره عواید برجام برای ایران خیلی صریح تر از آن چیزی بود که حتی تندترین منتقدان برجام فکرش را می‌کردند.

این بار نه منتقدان جدی برجام یا رئیس سازمان انرژی اتمی، بلکه ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی ایران به عنوان یکی از بازوهای اقتصادی کشور در مقابل خبرنگار بلومبرگ می‌گفت که "تقریباً هیچ چیز از این توافق (برجام) که در روز ۱۶ ژانویه اجرایی شد عاید ایران نشده است" (پایگاه خبری تراز ۳۰ فروردین ۱۳۹۵ - ۱۱:۰۷).

نمونه این موضوع را می‌توان به موضوع سوئیفت و عدم انجام مبادلات بانکی از طریق این کانال رسمی نظام بانکی به مشاهده نشست به نحوی که تنها این خط برای ما باز شده اما بانک‌های اروپایی با هراس از آمریکا و ترس از جرایم اعمال شده ناشی از انجام مبادلات هیچ علاقه‌ای به پاسخگو بودن در آن سوی خط انتظار ایران ندارند.

در شرایطی این بدعهدی پسا برجامی به صورت عریان از سوی آمریکا پس از تهدیدات و تحریم‌های موشکی به نمایش گذاشته می‌شود که متأسفانه برخی از جریانات داخلی به جای پیگیری اصولی موضوع و یادآوری

بعد حقوقی تعهدی که آمریکا داده است و باید نسبت به اجرای آن پایبند باشد توپ را به زمین وضعیت داخلی کشور انداخته‌اند.

بدون شک این رویکرد یک فرار رو به جلو محسوب می‌شود که برایش قبول شکست برجام سخت است. مسئولان می‌بایست به این نکته توجه داشته باشند خورشید تابان زمانی برای مردم نمایان می‌شود که واقعاً چیزی به نام خورشید در آسمان وجود داشته باشد و صرفاً با تعهدات کاغذی نمی‌توان سنگ بزرگ که نشان از نزدن است را به نشان پیروزی بالا گرفت و از دست داده‌ها را به فراموشی سپرد.

رئیس قوه قضائیه سخنانی به احکام دیوان عالی آمریکا در برداشت خودسرانه دومیلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده ایران در آمریکا که نوعی سرقت آمریکایی‌ها به اموال جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود اشاره کرد و با محکوم کردن این اقدام افزود: "آمریکایی‌ها در دیوان عالی خود حکم مفتضحانه‌ای صادر کردند و بدون هیچ دلیلی حادثه‌ای را که سی سال پیش در کشوری که خود اشغال کرده بودند؛ رخ داده، به ایران ربط داده‌اند در حالیکه باید پرسید این پرونده چه ربطی به ایران دارد جز اینکه شما بخواهید قدرت‌نمایی کنید و البته آمریکایی‌ها بدانند دولت و ملت ایران تسلیم این قدرت‌نمایی‌ها نخواهند شد."

رئیس قوه قضائیه طرح چنین مسائلی را مخالف روح برجام دانست و با انتقاد از اینکه «آمریکایی‌ها دست دوستی دراز می‌کنند و در عین حال از پشت خنجر می‌زنند» تأکید کرد: "دولت محترم و وزارت امور خارجه باید با قدرت و صلابت در مقابل چنین حرکاتی بایستند."

آیت‌الله آملی لاریجانی با تأکید بر اینکه نباید از خنده‌ها و خوش و بش‌های آمریکایی‌ها گول خورد افزود: "همه باید در مقابل اقدامات و تحرکات آمریکا به هوش باشیم" (اداره کل روابط عمومی قوه قضائیه ۱۴۰۶ اردیبهشت

۱۳۹۵ - ۱۵:۱۸).

آنچه که در نوشته آوردیم، نشان می‌دهد که آمریکا و دولتمردان آن نه تنها قابل اعتماد نیستند، بلکه تلاشی هم ندارند تا این دیوار بی‌اعتمادی را فرو ریخته و دشمنی‌ها را بزدايند. دولتمردان آمریکا همچنان می‌خواهند بر رویه خود که بر یک تسلسل باطل شکل گرفته اصرار ورزند و حتی نظام جمهوری اسلامی ایران را از بین ببرند.

توجه به بیانات مقام معظم رهبری خود درسی بزرگ است که ما را از گزند شیطنت آمریکایی‌ها دور داشته تا بتوانیم با چشمانی باز با آنان برخورد کنیم، تا آنان نتوانند با دستان شیطانی خود صدمه‌ای به نظام اسلامی و منافع ملی ما بزنند.

از این رو بر مسئولان نظام است تا با توجه به چراغ راه رهبری که در واقع سخنان و مواضع ایشان است. به تبیین و واکاوی رفتار پنهان سیاسی آمریکایی‌ها و اعلام مرزبندی شفاف خود با این قبیل مواضع، به اشاعه آن در سطح کشور و به منظور افزایش سطح آگاهی و بصیرت‌بخشی پردازند تا با این روند برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های آنان را خنثی نموده و در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و استحکام پایه‌های نظام، قدمی عظیم برداشته شود.

امنیت پایدار در گفتمان امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»

دکتر بهزاد پورنقدی

۱. مقدمه

ولایت و رهبری در شکل‌گیری هویت و پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و امنیت پایدار یک جامعه جایگاه بسزایی دارد. رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در تبیین راه‌های ایجاد تحول صحیح و منجر به پیشرفت، ضرورت‌هایی نظیر حفظ ریشه‌ها و اصالت‌ها، پرهیز از شالوده‌شکنی، ارج‌گذاری و مراقبت از هویت ملی، امید به آینده، پویایی و نشاط، نقد و انتقادپذیری، ترویج روح رقابتی، برنامه‌ریزی و انتخاب خط مشی صحیح را مورد تاکید قرار داده‌اند. مقام معظم رهبری از دهه هفتاد و با ادبیات و تعبیر مختلف نظیر: تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و شبیخون فرهنگی و جنگ نرم آن را گوشزد کرده مسئولان نظام را به چاره‌اندیشی در برابر آن فرا خواند. از این رو ضروری است با تدابیر از پیش اندیشیده‌شده دامنه و سطح این نوع جنگ و نیز مبانی و ابعاد آن باز شناخته شود. بدیهی است شناخت بیشتر جنگ نرم می‌تواند به مفهوم‌سازی و شناخت بیشترین پدیده همچنین بهبود مدیریت امنیت ملی کشور در خصوص تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران کمک نماید (برگرفته از سایت وزارت اطلاعات). از جمله مسائل مهمی که در تحلیل امنیت پایدار کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد پویایی جمعیت در حوزه کشورهای پیرامونی و تأثیرات آن بر کشور مورد نظر است. در دنیای امروز با روند رو به گسترش استفاده از فناوری‌های اطلاعات با مسائل و مشکلات جدیدی مواجه هستیم و استفاده از فناوری‌های نوین رسانه‌ای دارای مزایا و معایب بی‌شماری است.

هیچ جامعه و حکومتی در دنیای امروز بدون امنیت نمی‌تواند به ادامه

حیات خود امیدوار باشد. موضوع امنیت یکی از اصلی‌ترین شاخص‌ها و نیازهای بشری است و این خصوصیات، امروزه نیز محسوس و ملموس است. نظام جمهوری اسلامی ایران بار دیگر در فتنه سال ۱۳۸۸ به پیروزی رسید و آخرین خاکریزهای دشمن در ۹ دی و ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ فتح گردید. اما به تحقیق باید گفت آنچه فتنه ۸۸ را تا این اندازه بزرگ کرد، ضعف ما در پدافند غیرعامل بود. فتنه ۸۸ آنقدر سریع و غافلگیرکننده بود که تا مدت‌ها افراد را از درک شرایط و پشت پرده ناتوان ساخت. برخلاف جنگ سخت، عوارض جنگ نرم عمدتاً با چشم قابل مشاهده نیست. جنگ نرم بر باورهای عمومی هدف‌گذاری می‌کند. متأسفانه این عوارض حتی پس از فروکش کردن جنگ نرم در افکار عمومی باقی می‌ماند. در صورتی که توجهی جدی به این عوارض صورت نگیرد، ممکن است در آینده زمینه‌ساز فتنه و یا جنگ نرم دیگری شود. پدافند غیرعامل جنگ نرم به مسائلی می‌پردازد که موجب کاهش صدمات و شکاف‌ها در باورهای نیک افراد جامعه در حین جنگ و پس از آن شود.

این پدافند میزان تأثیرگذاری حملات نرم را کاهش داده و قدرت بازپروری افکار را در مدت کوتاهی پس از آن افزایش می‌دهد. در جنگ نرم بین پدافند عامل و غیرعامل تفاوت وجود دارد. پدافند عامل مسئول اجرای عملیات بازدارنده علیه حملات دشمن است و هدف پدافند عامل به سمت دشمن قرار دارد. در جنگ نرم دشمن با ابزارهایی مانند ماهواره‌ها، فضای مجازی، اعتصابات و شایعه‌سازی و امثال آن ضربت خود را وارد می‌کند. پدافند عامل وظیفه دارد از اصابت هر یک از حملات به نیروهای خودی جلوگیری نموده و یا عامل حمله‌کننده را نابود نماید. مثلاً ارسال پارازیت روی فرکانس ماهواره‌ها، فیلتر کردن سایت‌های مخرب و یا مقابله با شورش‌ها و اعتصابات براندازنده از موارد پدافند عامل جنگ نرم است. تخریب مسجد ضرار با دستور خداوند متعال در قرآن و توسط پیامبر گرامی اسلام یک مورد از پدافند عامل جنگ نرم است (وحید باغبان، آشنایی با پدافند غیرعامل در

حوزه جنگ نرم). شناخت نقاط ضربه‌پذیر فرهنگی و اهداف دشمن برای برنامه‌ریزی جنگ نرم و مسلح کردن جامعه به پدافند غیرعامل جنگ نرم نیازمند شناخت نقاط ضعف و نقاطی است که دشمن آنها را مورد هدف قرار می‌دهد. پس از شناسایی اهداف دشمن باید نسبت به مقاوم‌سازی آنها اقدام کرد. در حال حاضر اهداف دشمن در جنگ نرم در امور زیر خلاصه می‌شود:

۱. سست کردن باورهای دینی و انقلابی مردم؛
۲. پشیمان کردن و برگشتن مردم از انقلاب؛
۳. تبلیغ دوستی و ننگ‌زدایی از سازش با استکبار؛
۴. عادی‌سازی خودفروختگی سیاسی؛
۵. تبلیغ مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی؛
۶. القای ترس و خودباختگی و تبلیغ ضرورت تسلیم و عقب‌نشینی در مقابل دشمن؛
۷. القای بی‌اعتمادی مردم به مسئولان؛
۸. بزرگ‌نمایی اشکالات کوچک و کوچک‌نمایی موفقیت‌های نظام؛
۹. تردید مردم در برقراری نظم و امنیت توسط مسئولان؛
۱۰. اشاعه فساد و فحشا، ناهنجاری‌های اجتماعی و بی‌قانونی در جامعه و نافرمانی‌های مدنی.

۲- واژگان کلیدی

امنیت، گفتمان، پایدار، امام خامنه‌ای

۳. بحث و طرح مسأله

پیشرفت علم و فناوری در دهه اخیر و با شتاب و وسعت بسیاری در حال انجام است. مهم‌ترین تحول در عرصه علم و دانش، توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و فضای سایبری است، که در سال‌های اخیر شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در این زمینه بوده‌ایم. اینترنت و فضای مجازی در تمامی ابعاد زندگی مردم و تکالیف روزمره ایشان دخیل و حائز اهمیت است. فناوری

اطلاعات در ابعاد گسترده‌ای وارد حیطه‌های مختلف کاری جوامع بشری شده است و مبحث تحقق امنیت پایدار نیز از این قاعده مستثنی نیست. فناوری اطلاعات در راستای خدمت‌رسانی و تسریع روند انجام کارها و افزایش سرعت بهره‌وری و میزان حجم تبادل اطلاعات و ارتباطات، دنیا را متحول ساخته است. جستجوی سریع در بین انبوهی از اطلاعات، سرعت بالای عملیات ارتباطی، از میان برداشتن محدودیت‌های جغرافیایی، اشتراک علم و دانش و یافته‌های علمی در میان ملل، تبادل فرهنگی، سهولت انجام کارهای روزانه و غیره، شماری از خدمات و نوآوری‌های این فناوری نوین است. به طور کلی سیستم‌های اطلاعاتی، نظامی، انتظامی و دستگاه‌های امنیتی با به کارگیری دانش فناوری اطلاعات و فضای سایبری باعث افزایش توان اجرایی خود در تحقق امنیت پایدار خواهند شد (سلیمی بنی، ۱۳۸۸، ص ۴۷). طرح‌های براندازی و تهدیدات امنیتی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود:

(۱) جنگ سخت؛

(۲) جنگ نرم (براندازی نرم).

۳-۱. طرح‌های براندازی و چالش‌های تحقق امنیت پایدار

جنگ سخت مجموعه‌ای از اقدامات انجام‌شده دشمن برای براندازی جمهوری اسلامی است که محور اساسی آن بر اساس خشونت بوده و از طریق جنگ و خونریزی، ترور، بمب‌گذاری، کودتا و شورش‌های داخلی شکل گرفته است. تحلیل دشمن بر این بوده است که در آغاز انقلاب اسلامی با توجه به عدم وجود ارتش و نیروهای مسلح منسجم در کشور می‌تواند با ایجاد جرقه‌هایی در هریک از روش‌های بالا، انقلاب را سرنگون سازد (تهرانی، ۱۳۸۸).

۳-۱-۱. شورش‌های داخلی:

دشمن با تحریک قومیت‌های داخل کشور و با استفاده از گروهک‌های مخالف، شورش‌های داخلی در مناطق ترکمن صحرا، سیستان و بلوچستان،

خوزستان موسوم به خلق عرب و اقدامات تجزیه طلبانه در کردستان و برخی دیگر، شورش‌های شهری را آغاز کرد.

۳-۱-۲. ترور:

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت شهید بهشتی و ۷۲ تن از یاران وی و ترور نافرجام مقام معظم رهبری، به شهادت رساندن شهید مطهری، شهدای محراب، شهید رجایی و باهنر، ترور شخصیت‌های علمی و دانشمندان هسته‌ای کشور و ترورهای کور دیگر از جمله اقدامات تروریستی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۳-۱-۳. کودتا:

یکی از اقدامات براندازی توسط کودتا با همدستی قطب‌زاده و شریعتمداری، کودتای نظامی نوژه بوده است که به لطف و عنایت الهی و تلاش و مجاهدت پاسداران انقلاب اسلامی کشف و خنثی گردید.

۳-۱-۴. تجاوز نظامی:

تجاوز نظامی رژیم بعث عراق که در ۳۰ شهریور سال ۱۳۶۰ و آغاز حمله نظامی با پشتوانه دولت‌های آمریکا و اروپا و دولت‌های عربی به مدت ۸ سال به جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، نمونه بارز دیگری از جنگ سخت است.

علل شکست دشمن در جنگ سخت و عدم نتیجه‌گیری در این نوع جنگ عبارتند از:

- ۱- وجود حاکمیت ایران با ارزش‌های دینی و انقلابی؛
- ۲- ولایت‌مداری و تدابیر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) و پیش از آن وجود بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی؛
- ۳- پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی و بسیج مردمی برای پاسداری از دستاوردهای آن که با خون شهدا به دست آمده است؛

۴- در نظام ارزش دینی مرگ پایان زندگی نیست و عشق به شهادت آرزوی مردم مؤمن است؛

۵- وجود پیشینه تاریخی آمیخته با فرهنگ عاشورایی؛

۶- امید به آینده روشن فرهنگ مهدویت.

جنگ نرم (کودتای مخملی) پس از شکست دشمن در جنگ سخت شکل گرفت که عملاً جبهه جنگ سخت را کنار گذاشته و جنگ دیگری که عاری از هرگونه خشونت بود و در سایه آرامش ظاهری با عنوان براندازی نرم آغاز گردید. این جنگ با دو روش دیپلماسی سیاه و فروپاشی از سوی دو حزب حاکم در ایالات متحده آمریکا (حزب دموکرات با روش دیپلماسی سیاه و حزب جمهوریخواه با روش فروپاشی) به مرحله اجرا درآمد. اهداف مشترک این دو روش با استتاله فرهنگی و سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ادامه یافت (معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸، ص ۳۴). دلایل رویکرد دشمن از جنگ سخت به جنگ نرم عبارت است از:

(۱) جنگ سخت موجب نفرت مردم و جامعه از دشمن می‌شود.

(۲) جنگ سخت روی کار آمدن دولت مطلوب دشمن را دشوار می‌سازد.

(۳) جنگ سخت موجب بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه می‌گردد.

۳-۱-۵. دیپلماسی سیاه

راهبرد آمریکا در جنگ نرم بر اساس دیپلماسی سیاه بیشتر از طریق موسسه "خطر جاری" و موسسه "هوار" که به دنبال شکل‌دهی به انقلاب‌های مخملی است صورت می‌پذیرد. دیپلماسی سیاه از سال ۱۹۸۰ کار خود را آغاز کرد و در تمامی انقلاب‌های مخملی تأثیرگذاری آن قابل مشاهده است. در این دیپلماسی، دولت آمریکا بدون جنگ و خونریزی یک حکومت را ساقط کرده و حکومتی دیگر را جایگزین آن می‌کند. روش اجرای این سیاست به طوری است که شرایط کاملاً عادی است و روابط دیپلماسی بدون

هیچ‌گونه اعمال تحریمی برقرار است و شرکت‌های تجاری روابط دوطرفه دارند. در چنین شرایطی است که مشکل به داخل کشور برمی‌گردد و مردم دولتمردان خود را عامل بروز نارضایتی می‌دانند. دموکرات‌های آمریکا بیشتر از این روش در مقابله با کشورهای هدف بهره‌برداری می‌کنند.

۳-۱-۶. دیپلماسی فروپاشی

از سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۱۰ موسسه در رابطه با ایران فعال و دایر شده است که از آن جمله می‌توان "بنیاد اعانه ملی" و "خانه آزادی را نام برد". رویکرد اصلی دیپلماسی فروپاشی، تحریک اقشار مختلف جامعه مانند: هنرمندان، دانشجویان، معلمان، کارگران، زنان، جوانان و غیره است که با این روش سعی در ایجاد بی‌ثباتی و آشوب‌های اجتماعی را دارند. موسسه خانه آزادی با تجربه طولانی، مدت زیادی است که در افغانستان فعال است و در پاکستان نیز خانه طیبه را راه‌اندازی نموده است و در لهستان موجب سقوط لخ والسا گردید و در قرقیزستان رادیو آزادی را بنیان نهاده است. در رابطه با ایران نیز رادیو فردا و شبکه VOA (صدای آمریکا) تحت حمایت این موسسه فعالیت می‌کنند (بازخوانی نقش دولت‌ها، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

۳-۱-۷. استحاله فرهنگی

استحاله فرهنگی دارای ۵ ویژگی است که عبارتند از:

۱. در فضای تساهل و تسامح رشد می‌کند که در این شرایط، امر به معروف و نهی از منکر کمرنگ می‌شود.
۲. مجریان آن اغلب افراد غیر سیاسی بوده و چهره‌های شناخته‌شده‌ای در جامعه نیستند.
۳. تشخیص سازماندهی تهاجم فرهنگی نسبت به فعالیت سیاسی دشوار است.
۴. روند انجام آن به تدریج و آرام صورت می‌گیرد.

۵. نسبت به سایر مبارزات از موفقیت بالایی برخوردار است. همچنین استحاله فرهنگی با استفاده از ابزارهای نوین تکنولوژیک مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات به اشاعه فرهنگ کاذب خود می‌پردازد. اشاعه فساد و فحشا از طریق ماهواره، اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای و فضای سایبری، فناوری تلفن همراه (بلوتوث، SMS)، مدهای لباس و پوشش فرهنگی غربی، موسیقی و فیلم‌های مبتذل و سایر ابزارهای رسانه‌ای انجام می‌گیرد که تمامی اقشار جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدی، قاسم، ۱۳۸۸).

۴. شناخت جنگ نرم از دیدگاه امام خامنه‌ای

نمونه وضعیت جنگ نرم را در زمان غصب خلافت امیرالمومنین (ع) در ماجرای سقیفه دیدیم که چگونه نور ولایت علی (ع) در غوغای عناصر خوش‌ظاهر به جایی نرسید تا آنکه پس از ۲۵ سال قدر علی دوباره شناخته شد. درست است که علی (ع) بالاخره پس از سال‌ها به قدرت رسید ولی متأسفانه آثار سوء رفتار خلفای پیشین در رفتار و اذهان مردم باقی مانده بود. این رسوبات دوران گذشته باعث شد تا خط امامت و ولایت از جامعه اسلامی دور شود. پدافند غیرعامل جنگ نرم، مردم را همیشه آماده نگاه می‌دارد. این آمادگی فکری مردم باعث می‌شود در صورت بروز جنگ نرم به راحتی فریب نخورند و با صبر و اندیشه راهی را که کمترین خسارت را داشته باشد برگزینند. روش‌های مقابله با جنگ نرم می‌بایستی تضمین‌کننده موارد زیر باشد:

۱. اطلاع‌رسانی به موقع برای ایجاد آمادگی دائمی در مردم؛
 ۲. حرکت در خط ولایت و رهبری به عنوان یگانه چراغ هدایت و بصیرت؛
 ۲. جلب اعتماد عمومی به منابع اطلاع‌رسانی داخلی؛
 ۳. تمرکززدایی و توزیع مراکز اطلاع‌رسانی برای ارائه کمک‌های اولیه
- جنگ نرم؛

۴. مقاومت‌سازی فکری مردم برای کاهش خسارات جنگ نرم؛
 ۵. ایجاد سوءظن دائمی نسبت به دشمن؛
 ۶. تقویت اعتماد به نفس مردم به داشته‌های فرهنگی و ملی خود؛
 ۷. تقویت مسئولیت‌پذیری نسبت به سرنوشت کشور؛
 ۸. آموزش نیروهای مسلح، نظامی و انتظامی در خصوص جنگ نرم.
- روایتی از ائمه معصومین نقل است که می‌فرماید: "الناس عدو ما جهلوا"، "مردم دشمن چیزی هستند که آن را نمی‌شناسند". بنابراین در حکومت و نظام اسلامی باید اصل بر اطلاع‌رسانی باشد، مگر آنکه ضرر بسیار زیادی را به همراه داشته باشد. ثابت شده است برای هر پنهان کاری هزینه‌ای وجود دارد که دیر یا زود باید پرداخت شود. در شبیخون جنگ نرم همین پنهان‌کاری‌ها در بدترین زمان آشکار می‌شوند که بیشترین خسارت را به افکار عمومی وارد کرده و باعث تشدید بی‌اعتمادی شده و خسارت جنگ نرم را افزایش می‌دهد. برای این منظور باید منابع اطلاع‌رسانی را در جبهه خودی افزایش داد و ضریب درستی تحلیل‌های مردم را بالا برد. گسترش مطبوعات و رسانه‌ها، مناظرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حمایت قوه قضائیه از اطلاع‌رسانی و نقش مؤثر نیروی انتظامی از ضروریات ایجاد بصیرت برای آمادگی مردم و تحلیل صحیح مسائل است. نظام بین‌المللی طی دهه‌های گذشته به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایان جنگ سرد با تغییرات ساختاری و کارکردی عدیده‌ای روبه‌رو بوده و هست.
- در دوران جنگ سرد ایدئولوژی سیال- اقتصادی در قدرت نقش داشت و اکنون فرهنگ است که در شکل دادن به هویت‌ها، تعلقات دشمنی‌های مردم و دولت‌ها، جای ایدئولوژی را گرفته است. دشمنان انقلاب اسلامی پس از ناکامی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران از طریق روش‌های نظامی و امنیتی دهه اول از دهه دوم و سوم به بعد با تکیه بر قدرت نرم خودشان به بهره‌گیری از راهبرد جنگ نرم روی آورده‌اند و در حال حاضر این راهبرد در سال‌های آغاز دهه چهارم شدت بیشتری یافته است که مورد تأکید مقام معظم رهبری

نیز قرار گرفت. این جریان فرهنگی و سیاسی برای تأثیرگذاری بر ذهنیت جامعه که در برگیرنده فکر، اخلاق و ایمان مردم است تلاش می‌کند. دشمنان بر این باورند که: اولاً انقلاب اسلامی گفتمان نوینی را پدید آورده است که بُعد فرهنگی آن ارجح بر سایر ابعاد است. ثانیاً طبق تأکید تافلر این واقعیت به سبب احیای نظام ارزشی مبتنی بر خصایص فرهنگی «مذهبی و ملی» هویت نوینی را در مردم جامعه شکل داده است که متمایز از هویت سایر ملل مسلمان است. انقلاب اسلامی به عنوان یک اندیشه و مدل سیاسی جدید ضربه سنگینی بر استیلای جهان غرب وارد کرده است.

نظام سلطه تمامی اشکال براندازی سخت از جمله شورش، کودتا، و جنگ نظامی را در یک دهه علیه انقلاب تجربه کرد. اما ایستادگی و مقاومت ملت ایران تحت رهبری حضرت امام (ره) قدرت‌های مستکبر را بر این واقعیت رهنمون ساخت که استفاده از گزینه سخت و نظامی نمی‌تواند در برابر ایمان و اعتقاد مردم ایران کارآمد باشد، بلکه موجبات برانگیختن وحدت و همبستگی هرچه بیشتر ملت ایران را فراهم می‌کند. چنین شد که این قدرت‌ها به ناچار بر شکست خود در راهبرد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران اعتراف کردند و مقابله پیچیده‌تر از پیش، تقریباً از دهه دوم آغاز شد که از آن با رویکرد جدید در چارچوب بهره‌گیری از روش‌های نرم یاد می‌شود؛ تقابلی که رهبری معظم انقلاب از همان دهه هفتاد و با ادبیات و تعبیر مختلف نظیر: تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و شبیخون فرهنگی و جنگ نرم آن را گوشزد کرده مسئولان نظام را به چاره‌اندیشی در برابر آن فرا خواند. از این رو ضروری است با تدابیر از پیش اندیشیده‌شده دامنه و سطح این نوع جنگ و نیز مبانی و ابعاد آن باز شناخته شود. بدیهی است شناخت بیشتر جنگ نرم می‌تواند به مفهوم‌سازی و شناخت بیشترین پدیده همچنین بهبود مدیریت امنیت ملی کشور در خصوص تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران کمک نماید (برگرفته از سایت وزارت اطلاعات). از جمله مسائل مهمی که در تحلیل امنیت پایدار کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد پویایی جمعیت در حوزه

کشورهای پیرامونی و تأثیرات آن بر کشور مورد نظر است (قریبی، حسین، ۱۳۹۰).

۴-۱. نقش رهبری در مقابله با جنگ نرم و هدایت نیروهای مسلح
اطلاع‌رسانی به موقع مانند کمک‌های اولیه در جنگ‌های سخت میزان تلفات را کاهش می‌دهد. در هنگام نیاز این اطلاع‌رسانی باید سریع صورت گیرد تا قبل از آنکه موجب بدبینی و تشویش اذهان عمومی شود، فرد را به حالت عادی بازگرداند. در بحبوحه جنگ صفین یکی از سربازان به ناگاه به چادر فرماندهی امیرالمومنین (ع) آمد و گفت من مردد شده‌ام، سؤالی در مورد توحید دارم. فردی اعتراض کرد که مگر وسط آتش جنگ جای این سؤال است. امیرالمومنین فرمود: "همیشه جای این سؤال است". ما برای پاسخگویی به این سؤالات می‌جنگیم. آنگاه ایشان پاسخ آن سرباز را فرمودند. تردید در جبهه خودی قدرت جنگیدن را از سرباز سلب می‌کند.

در صورت عدم پاسخگویی به موقع به سرعت متورم شده و باعث بدبینی شدید می‌شود. سرعت پاسخگویی به شبهات در جنگ نرم اولاً باعث از بین رفتن تردید می‌شود، ثانیاً از ورود شبهات دیگر جلوگیری می‌کند. تمرکز در اطلاع‌رسانی اولیه جنگ نرم فقط در مواردی خاص پاسخگو است. مردم مایل نیستند جواب تمامی سؤالات خود را فقط از یک کانال دریافت نمایند. به همین دلیل، تمرکز در اطلاع‌رسانی موجب کاهش تأثیر این کانال می‌شود. دشمن هم اگر بداند و دریابد که حریف فقط یک منبع اطلاع‌رسانی دارد، آنگاه حداکثر تلاش خود را در تخریب آن به کار می‌گیرد. در فتنه ۸۸ به جرأت می‌توان گفت روشنگری‌های رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) آتش فتنه را خاموش کرد. یکی از دلایل هجمه بی‌سابقه دشمنان و فتنه سبز به ولایت فقیه و شخص رهبر انقلاب، همین تأثیر شگرف بیانات معظم‌له بوده است. ما باید تنهائی رهبری انقلاب را در اطلاع‌رسانی یک تهدید تلقی کنیم. فصل‌الخطاب بودن بیانات ایشان از مسئولیت دیگران برای روشنگری کم

نمی‌کند. برای این منظور باید منابع اطلاع‌رسانی متعددی را آماده کنیم تا در موقع لزوم به کمک رهبر معظم بیایند. مراکز پاسخگویی به شبهات باید به صورت غیر متمرکز و توزیع شده باشد تا هر فرد بتواند بنا به مقتضیات خود به آن مراجعه کند.

خواص، مساجد، پایگاه‌های بسیج، نیروی انتظامی، نیروهای مسلح، مدارس و خانواده‌ها و سایت‌های اینترنتی می‌توانند کمک‌های اولیه فکری را در زمانی کوتاه به افراد مردم بدهند و خواص در این میان اهمیت بسیاری دارند. خواص بهترین پناهگاه فرهنگی در جنگ نرم هستند و دلیل اهمیت خواص در سرعت تأثیر گفته‌های آنها است. مدارس فرهنگ‌سازی می‌کند ولی نمی‌تواند به عنوان کمک اولیه جنگ نرم عمل نماید. خانواده نیز به دلیل یکسان بودن فهم اعضا از شرایط موجود نمی‌تواند پاسخگوی سریع شبهات باشد. بنابراین مردم به خواص اعتماد دارند و تأثیر سخنان خواص مانند رهبر معظم انقلاب ولی در سطحی پایین‌تر است. آنها می‌توانند در اوضاعی که افکار مسموم شده‌اند و قدرت تحلیل را از دست داده‌اند و علی‌رغم داشتن قدرت نمی‌دانند حق کدام است، راه درست را به مردم نشان داده و افکار آنها را در زمانی کوتاه بازپروری کنند. مقاومت‌سازی فکری مردم برای کاهش خسارات جنگ نرم یکی از عوامل مؤثر در کاهش تلفات و خسارات جنگ نرم است.

مقاومت‌سازی فکری بدان معناست که افکار عمومی همیشه سپری به همراه داشته باشد تا از ضربات مصون بماند. سپر فکری باعث می‌شود که القاءات دشمن به باور مردم تبدیل نشود. در بهترین حالت، فکر مقاوم، جوسازی‌های دشمن را به عنوان سم تلقی کرده و خود را از آن دور نگاه می‌دارد و یا اجازه رسوب شدن در ذهن و تبدیل شدن به باور را نمی‌دهد. مقاومت‌سازی فکری یک کار فرهنگی است و باید در یک پروسه درازمدت پیگیری شود. مردم باید بدانند محل استفاده هر یک از این باورها در جنگ نرم کجاست تا بتوانند آن را به موقع استفاده کرده و از صدمات مصون بمانند.

کلمات حکیمانه از ائمه اطهار و بزرگان اسلام اگر چه کوتاه هستند ولی کلیدی طلایی برای زمان‌هایی هستند که می‌توانند اثر معجزه‌آسایی داشته باشند. مسئولان فرهنگی پس از شناسایی و آموزش نقاط حمله فرهنگی و آثار آنها و روش مقابله آنها، می‌بایستی یک جمله کلیدی به عنوان کد برای هر یک قرار دهند تا در مواقع لزوم با ذکر آن جمله ساده، مردم بتوانند اوضاع را به سرعت تشخیص داده و وظایف خود را انجام دهند. این همانند کاربرد ضرب‌المثل‌ها است که یک جمله انسان را از تکرار گفتاری مشروح بی‌نیاز می‌کند. خوشبختانه مذهب شیعه و آموزه‌های انقلاب اسلامی از نظر مقاومت‌سازی فکری بسیار غنی است. توجه به این آموزه‌ها توانسته است شیعه را در طول قرن‌های متمادی از تأثیرات عوامل مخرب در امان نگاه دارد. به عنوان نمونه و مثال، به تعدادی از این آموزه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. قرآن کریم می‌فرماید: "خداوند از مومنین حمایت می‌کند." این باور باعث می‌شود که مومنین بزرگ‌نمایی دشمن را به هیچ انگارند. دشمن در بسیاری از مواقع با بزرگ‌نمایی خود در صدد ترساندن مردم است. اگر مردم باور داشته باشند که خدای متعال از آنها در مقابل دشمنان حمایت می‌کند، دیگر ترسی از دشمن نخواهند داشت.

۲. سیدالشهدا زندگی پرارزش خود را برای اسلام فدا کرد. ما همیشه خطاب به ایشان می‌گوییم: "یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزا عظیما، ای کاش ما با شما بودیم و با شما شهید شده و به رستگاری می‌رسیدیم." این باور نه فقط ترس از کشته شدن را کاهش می‌دهد، بلکه بجای آن انتظار فیض شهادت را جایگزین می‌کند. آیا کسی که این باور را داشته باشد، از تهدیدات دشمن می‌هراسد؟

۳. جمله تاریخی امام خمینی(ره) مبنی بر اینکه آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، ضعف این قدرت استکباری را در مقابل ملت مسلمان ایران به چالش می‌کشد. این همان ترجمه آیه "ان کید الشیطان کان ضعیفا" است. سابقه نزدیک به چهار دهه انقلاب این امر را تایید کرده است. با نگاهی به

وضعیت کشورهای دوست آمریکا و مقایسه آنها با شرایط ایران این نکته را تایید می‌کند. در صورتی که مردم و خواص وظیفه خود را با بصیرت و آگاهی انجام دهند، کاری از آمریکا بر نمی‌آید.

۴. جملاتی از امام راحل مانند: "هرچه فریاد دارید سر آمریکا بکشید" و "اگر دیدید دشمنان از شما تعریف کردند به خودتان شک کنید"، "پشتیبان ولایت فقیه باشید تا مملکت آسیب نبیند"، "اختلاف از شیطان است"، "میزان حال فعلی افراد است"، از مواردی است که می‌توان از آنها به عنوان کد استفاده کرد.

چند سال پیش گزارشی از سوی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی منتشر شد که در آن به وجود ۱۸ میلیون کاربر اینترنتی در ایران به عنوان یک فرصت نگاه کرده بود. همچنین وزارت خارجه این رژیم همایشی با عنوان "اینترنت در ایران" برگزار کرد و در آن ضمن اظهار خرسندی از افزایش نفوذ اینترنت ناسالم در جامعه ایران و گسترش موسیقی‌هایی همچون: راک، رپ، متال و غیره را از طریق شبکه جهانی اینترنت امیدوارکننده دانسته بود. در این گزارش آمده بود "بخشی از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) وظیفه دارد ضمن آلوده کردن اینترنت برای ایرانیان، در سایت‌ها و وبلاگ‌های کاربران ایرانی به جستجو پرداخته و پس از جمع‌آوری اطلاعات و آنالیز آنها، از اطلاعات به دست آمده بهره‌برداری نماید" (بازخوانی نقش دولت‌ها، ۱۳۸۸، ص ۳۴). اصطلاح جنگ روانی یکی از مفاهیم متداول در مکاتبات و مذاکرات استراتژیست‌ها و امنیت پایدار نظریه‌پردازان سیاسی، مسئولان امنیتی و کارشناسان علوم اجتماعی است.

به عنوان مثال، ارتش ایالات متحده آمریکا در آیین‌نامه رزمی خود آن را به این صورت تعریف نموده است: "جنگ روانی، استفاده دقیق و طراحی‌شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف و یا گروه‌های دوست است،

به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد. بر این اساس جنگ روانی یک جریان ارتباطی است که در آن دو طرف شرکت دارند و یک طرف به تنهایی و یا هر دو طرف سعی دارد تا با تأثیرگذاری بر افکار، عواطف و تمایلات طرف دیگر، او را وادار به انجام رفتاری مطابق خواست خود نماید. از نظر "جان کالینز" نظریه‌پرداز و استاد کهنه‌کار دانشگاه ملی جنگ آمریکا "جنگ روانی عبارت است از استفاده طراحی‌شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که برای پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود" (سلیمی بنی، صادق، ۱۳۸۸، ص ۴۷). امنیت پایدار در فناوری اطلاعات و سلامت دیجیتال یک زمینه نوظهور از برخورد انفورماتیک، بهداشت روانی و ارتباطات در عصر اطلاعات است که از طریق شبکه جهانی اینترنت، فضای سایبری و فناوری‌های مرتبط با آن ارتقا و تکامل می‌یابد (امنیت ملی ایران در تئوری و عمل، ۱۳۸۷). امنیت پایدار دیجیتالی را نه تنها به عنوان یک توسعه فنی بلکه به عنوان حالتی روحی، طرز تفکر و یک حرکت عمومی جهانی می‌توان توصیف کرد. نظام اخلاقی و روابط اجتماعی ایرانی - اسلامی دارای ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی است که همگام و همسو با پیشرفت‌های علم و فناوری در قرون جدید نیز کارآمد است و می‌تواند راهشگای مشکلات و معضلات اخلاقی و امنیتی و سد دفاعی در برابر جنگ نرم دشمنان باشد.

همچنین رعایت آموزه‌های دینی و مذهبی و ترویج آنها ضامن حفظ سلامت دیجیتال و امنیت پایدار سایبری است. امروزه در عصر جهانی شدن و فضای شتاب توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، حفظ هویت ملی و دینی و اخلاق اسلامی اهمیت بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرده است که به معنای مشارکت مؤثر فرهنگی، دینی و انسانی در سراسر کشور و جهان اسلام محسوب می‌شود. با توجه به آماج حملات تبلیغاتی و ضد هویتی غرب در رسانه‌ها و شبکه اینترنت در جهت تهدید امنیت کشور، پرداختن و حفظ ارزش‌های هویت دینی و ملی ضرورت بسیاری دارد. اینترنت و ابزار فناوری

اطلاعات با تمامی جذابیت‌ها و محبوبیت خود، فضای مجازی جهت تبلیغات ضد هویتی برای دانشجویان و جوانان مسلمان ایرانی به شمار می‌آید. پس می‌باید در زمینه فرهنگ‌سازی و به تعبیر رهبر معظم و فرزانه انقلاب "مهندسی فرهنگی" نیز سرمایه‌گذاری شود تا کاربران فناوری‌های نوین با آگاهی و بصیرت سیاسی و اجتماعی بیشتری از منابع و امکانات موجود در فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده کنند و ضریب تهدیدات نرم توسط دشمنان در اینترنت، رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی ماهواره کاهش پیدا کند.

۴-۲. نقش رهبری و هویت دینی در هدایت نیروهای مسلح

هویت با معنای اصالت، خودشناسی و آگاهی از گذشته و تاریخ یک ملت برای شناخت سرنوشت و ترسیم آینده آن جامعه مترادف و هم‌بستر است. هویت یک مقوله کلان در فرایندهای اجتماعی و فرهنگی است که در یک محیط زمانی و مکانی شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم هویت ملی می‌فرماید: "هویت ملی در مقابل هویت دینی نیست، بلکه مجموعه باورها، خواست‌ها و رفتارهای یک ملت است و طبیعی است که اعتقادات و باورهای یک ملت مؤمن و موحد نیز جزو عناصر تشکیل دهنده هویت ملی او قرار می‌گیرد" (راهبردها در کلام رهبر، ۱۳۸۶).

همچنین از نظر "کلود دوبار" هویت یک داده از پیش تعیین شده نیست، بلکه در یک عدم اطمینان کم و بیش زیاد و نسبتاً مداوم شکل می‌گیرد و بر پایه و اساس مقولات اجتماعی و موقعیت‌های موروثی نسل پیشین ساخته می‌شود. مبحث هویت تعریف و تفسیری از ساختار اجتماعی، فرهنگی، دینی و مذهبی و تاریخی یک ملت در جامعه است که هویت فردی و جمعی اعضای جامعه را ترسیم می‌کند و جستجوی هویت، یک نیاز و اصل درونی برای نسل جوان به شمار می‌رود. به این ترتیب کلیات حیات و شکل‌گیری اتحاد ملی و انسجام اسلامی در سایه هویت دینی و ملی تضمین می‌شود. در

دنیای امروز و عصر انفجار اطلاعات و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، با توجه به آماج حملات تبلیغاتی و ضد هویتی غرب در رسانه‌ها و شبکه اینترنت، حفظ هویت ملی و دینی اهمیت بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرده است. مهم‌ترین عامل مؤثر بر هویت دینی دانشجویان و جوانان، شرکت در مناسک و مراسم مذهبی است که باعث همبستگی مردمی با ارزش‌ها و باورهای مشترک می‌شود و روح جمعی، انسجام و اتحاد مؤمنان به آن مذهب را تقویت می‌کند (آخوندی، محمد باقر، ۱۳۸۳).

نقش دین، ولایت و رهبری در شکل‌گیری هویت و پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و امنیت پایدار یک جامعه جایگاه بسزایی دارد. جوانان و دانشجویان به عنوان نیروهای تأثیرگذار و فعال اجتماعی زمینه‌ساز و پاسخگوی تغییرات و هنجارهای جامعه هستند که شناخت علمی و دقیق ویژگی‌های آنان برای اتخاذ تصمیمات و برنامه‌های هویت‌ساز و مسائل دینی، اعتقادی و مذهبی آنان لازم و ضروری است (جمالی، ۱۳۸۱). با توجه به ظرفیت‌های فکری، خلاقیت و حس مسئولیت‌پذیری بالا در نسل جوان، آنها سهم بالایی در شکل‌دهی و برقراری امنیت پایدار به عنوان سرمایه‌های انسانی، علمی، دینی، فرهنگی و هویتی دارند. کشور ایران دارای جامعه‌ای جوان است و فراوانی فرصت‌های جوان به عنوان آینده‌سازان جامعه و مدافعان ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اهمیت فرصت مطالعات هویتی و اعتقادی آنان را صد چندان می‌کند. جامعه ایران به دلیل مذهبی بودن و برخورداری از تمدن و تاریخ کهن، دارای دو گستره مفهومی برجسته از هویت دینی و ملی است. هویت یکی از مقوله‌های کلان در فرایندهای اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که در یک محیط زمانی و مکانی شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. هویت از منظر علوم مختلف فلسفه، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و یکی از مسائل دوران معاصر حیات بشر است. هویت و مذهب ضامن امنیت، سلامت و توسعه یک کشور و تشکیل جامعه‌ای امن است. در یک تعبیر "هویت را مجموعه

عناصری از شخصیت فرد تعریف می‌شود که به وی امکان می‌دهد تا موضع خود را نسبت به جهان و دیگران مشخص کند." فرد صاحب هویت که تصویری خاص و روشن از خود و جامعه و جهان داشته باشد، در واقع دارای معیار درونی نیز هست و در صورت عدم هویت‌یافتگی و عدم تساوی معیارها دچار نداشتن موضعی ثابت نسبت به وقایع اطراف می‌باشد. هویت در دو سطح فردی و جمعی مطرح می‌شود: در هویت فردی که بیشتر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت به آن پرداخته‌اند، هویت در درجه اول موضوع فردی و شخصی قرار دارد که بیشتر با احساس تمایز شخصی و احساس استقلال شخصی تعریف می‌شود.

از نگاه دیگر هویت فردی به صورت "من" فرد یا مفهوم درونی و ذهنی از خویشتن به عنوان یک شخص است (نجفی، محمود و همکاران، ۱۳۸۵). ویژگی تعریف هویت در سطح فردی به این صورت است که بحث فرد را مطرح می‌سازد و بر احساس "چه کسی بودن" تأکید می‌کند. گذشته از سطح فردی، هویت در سطوح بالاتر و فراگیر به مفهوم هویت جمعی نیز قابل تعریف است و منظور از آن حوزه‌ای از حیات اجتماعی است که فرد خود را با ضمیر جمعی "ما" متعلق و مرتبط می‌داند و در برابر آن احساس تعلق و تعهد می‌کند. هویت ملی و دینی نیز در ذیل هویت جمعی و اجتماعی مطرح است. هویت یکی از مبناهای شخصیت اجتماعی و فردی است که شخص به آن احساس تعلق دارد. مفهوم هویت فردی اولین بار توسط اریکسون در سال ۱۹۶۸ به کار برده شد. اریکسون در سیر هشت‌گانه مراحل رشد مورد نظرش، هویت‌یابی را پنجمین مرحله این سیر رشد شخصیت انسانی می‌داند و معتقد است عمده‌ترین تضاد در دوران نوجوانی و جوانی، تضاد بین هویت‌یابی در برابر سردرگمی نقش است. به نظر او بسیاری از عناصر هویت جوان، مربوط به دوران کودکی او می‌باشد که در جوانی تثبیت می‌شوند. جوانان و دانشجویان هویت شخصی و شغلی خویش را حفظ می‌کنند. عدم توانایی در حل این تضاد، به سردرگمی نقش با هویت منجر می‌شود. دین مبین اسلام

نیز توجه ویژه‌ای به شکل‌گیری و ساماندهی هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد و این موضوع در دستورها و فریضه‌های دینی و مذهبی به خوبی آشکار و روشن است.

رهبر معظم انقلاب در تبیین راه‌های ایجاد تحول صحیح و منجر به پیشرفت، ضرورت‌هایی نظیر حفظ ریشه‌ها و اصالت‌ها، پرهیز از شالوده‌شکنی، ارج‌گذاری و مراقبت از هویت ملی، امید به آینده، پویایی و نشاط، نقد و انتقادپذیری، ترویج روح رقابتی، برنامه‌ریزی و انتخاب خط مشی صحیح را مورد تأکید قرار داده‌اند و فرمودند: "در نقطه مقابل این ضرورت‌ها، مسائلی نظیر هرج و مرج رفتاری و سیاسی، پوچ‌گرایی، حرکات تخریبی و فراموش کردن هویت ملی و بنیان‌های اساسی جامعه قرار دارد که نه تنها موجب تحول نمی‌شود، بلکه پسرفت و عقب‌ماندگی را به دنبال می‌آورد". با توجه به فرموده‌های رهبر معظم و فرزانه انقلاب به این نکته می‌رسیم که در مسیر هم‌سازی و همراه‌سازی هویتی، هویت دینی و ملی مکمل یکدیگر خواهند بود و با توجه به اصالت و ارزش‌ها و تاریخ کهن ملت ایران و باورهای اسلامی، دینی و انقلابی ایشان؛ هویت دینی و ملی دو اصل همراه و هم‌ساز با یکدیگر هستند. هویت ملی جامعه ایران امروز درآمیخته با هویت دینی اوست و این موضوع باعث پدید آمدن هویت اصیل، تاریخی و ناب ایرانی - اسلامی گردیده است. "توماس لوکمان" و "پیترل برگر" نیز هویت را دربرگیرنده همه‌گرایش‌های فرد می‌دانند که در طول مدت اجتماعی شدن، نقش درونی پیدا کرده است. از سوی دیگر هویت که حاصل دیالکتیک واقعیت ذهنی و واقعیت عینی است، در برابر ساختارهای اجتماعی معین که موجب شکل‌گیری آن شده‌اند واکنش نشان می‌دهد و موجب حفظ، تغییر یا شکل‌گیری مجدد ساختارهای اجتماعی می‌شود (هنری ماسن پاول، ص ۵۸۱). "کلود دوبار" هویت را در یک تقسیم درونی به دو بخش: هویت برای خود و هویت برای دیگران، تقسیم می‌کند.

از نظر او هویت یک داده از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه در یک عدم

اطمینان کم و بیش زیاد و به نسبت مداوم شکل می‌گیرد و بر پایه و اساس مقولات اجتماعی و موقعیت‌های موروثی نسل پیشین ساخته می‌شود. بنابراین هویت پدیده‌ای منفعل نیست، بلکه کاملاً پویا است و بر اساس آنچه از نسل گذشته به ارث می‌رسد، دائماً در حال تجدید است و مقولات جدید به آن افزوده می‌شود (توماس لوکمان و همکاران، ص ۲۳۶).

۵. نتیجه‌گیری

در نظر مقام معظم رهبری باید از مرزهای علمی موجود فراتر رفت. اگرچه عبور از مرزهای علم همچنان جدی گرفته نمی‌شود، اما علما و دانشمندان باید راه‌های جدیدی را برای تولید علم بیابند؛ چرا که هنوز راه‌هایی برای فراتر رفتن از این مرزها وجود دارد که کشف نشده است. در کلام رهبری این نکته به خوبی به چشم می‌خورد که جامعه ایرانی از لحاظ استعداد و هوش نسبت به کسانی که در دنیا تولید علم کرده‌اند، کمبودی ندارد و به همین دلیل باید در زمینه تولید علم نیز پیشرو بوده و حرفی برای گفتن داشته باشد. کشور ایران پس از انقلاب اسلامی، فصلی نوین از حیات و جوشش خود را آغاز کرده است (معینی، فائزه و همکاران، ۱۳۸۷).

بنابراین واضح است یکی از مهم‌ترین ارکان مقابله با تهدیدات نرم دشمنان، جنبش نرم‌افزاری و مهندسی فرهنگی است که مقام معظم رهبری از سال‌ها پیش به آن اشاره نموده‌اند. جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های دانشگاه اسلامی و ایرانی است که می‌تواند نقش بسیار مهمی در تحقق امنیت پایدار داشته باشد. از مهم‌ترین وظایف یک پایگاه خبری و رسانه‌ای که به عنوان منبع اطلاع‌رسانی در جامعه فعالیت می‌کند، رعایت مسائل اخلاقی و انعکاس حقایق و واقعیت‌ها است. اخلاق رسانه‌ای در افکار عمومی جامعه نقش بسزایی دارد. عصر حاضر در پرتو دانش و فناوری شاهد تحولات بی‌شماری است که گسترش امکانات ارتباطی در رأس آنها قرار دارد. در چنین شرایط زمانی؛ اینترنت، ماهواره‌ها و رسانه‌های

گونگون با انتقال اطلاعات همزمان، معلومات و مبادله افکار و عقاید نقش زیادی در تحولات سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع دارند (گروه تحقیق، ۱۳۸۴، ص ۹۰).

پیشرفت فناوری و در راستای توسعه وسایل ارتباطی و اطلاعاتی که رابطه‌ای مستقیم با جامعه دارند و بر افکار عمومی موثر هستند، بیانگر اهمیت آن در تمامی ابعاد جامعه جهانی است و قرن حاضر عصر تبادل اطلاعات است. بنابراین امروزه کشورها برای دستیابی به اهداف نظامی، برقرای امنیت پایدار و منافع خود در سایر نقاط جهان از این فناوری‌ها بهره‌های فراوانی می‌برند. با توجه به اهمیت امنیت و نقش فضای مجازی در عصر حاضر و رشد سریع و در عین حال نامتوازن ساختار این فناوری، بستر توسعه آن به یکی از نقاط بالقوه آسیب‌پذیر و خطرناک در امنیت پایدار بدل شده است، که ضرورت توجه و پرداخت سریع و در عین حال نظام‌مند، معقول و هدفمند به منظور مصون‌سازی این بستر از تهدیدات موجود در جهت حفظ امنیت اجتماعی و ملی در فضای سایبری توسط نیروهای مسلح و مسئولان امنیتی کشور را می‌طلبد. بنابراین تنها راهکار جهت مبارزه با تهدیدهای دشمنان انقلاب، پیروی از مقام ولایت و رهبری بوده و نقش بی‌بدیل معظم‌له در هدایت نیروهای مسلح و اتحاد و انسجام اسلامی و ملی و بین قوای مسلح انکارناپذیر است.

کتابنامه

- اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۱)، جهانی شدن و سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- آخوندی، محمد باقر (۱۳۸۳)، هویت ملی - مذهبی جوانان، دفتر تبلیغات اسلامی قم و خراسان.
- ادوارد ا. تیریاکیان، آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی، ص ۱۵۹.
- بازخوانی نقش دولت‌ها و رسانه‌های غربی در آشوب پس از انتخابات

- خرداد ۱۳۸۸، تهران، ناشر: معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ص ۳۴.
- تهرانی، قاسم محمد (۱۳۸۸)، براندازی، معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- توماس لوکمان و پیتزل برگر، ساخت اجتماعی واقعیت، ص ۲۳۶.
- جمالی، فریبا (۱۳۸۱)، بررسی رابطه بین نگرش مذهبی، احساس معنابخش بودن زندگی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- دوریکم؛ صور بنیادین حیات دینی، جامعه‌شناسی و هویت دینی.
- راهبردها در کلام رهبر، تهران، ۱۳۸۶.
- رحیمی‌نژاد، عباس و منصور، محمود (۱۳۸۰)، بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و اضطراب دانشجویان دوره کارشناسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- ساروخانی، محمدباقر (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی ارتباطات، چاپ اول، انتشارات اطلاعات، تهران، ص ۱۹.
- سلیمی بنی، صادق (۱۳۸۸)، تاکتیک‌های تبلیغاتی و عملیات روانی، جنگ روانی (دانش سیاسی ۲)، معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ص ۴۷.
- سوری، جواد (۱۳۸۷)، نقش فناوری‌های نوین ارتباطی در عملیات روانی، فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱۲.
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۰)، فناوری‌های اطلاعاتی و حاکمیت ملی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- فائزه، معینی و خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۷)، دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی ایرانی (در آینه و اندیشه‌های امام و رهبری)، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- قریبی، حسین (۱۳۹۰)، پویایی جمعیت منطقه و تأثیر آن بر امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه سیاست خارجی سال بیست و پنجم، نشر

بهار.

- گروه تحقیق (۱۳۸۴)، جهانی شدن ارتباطات و تهدیدهای امنیت ملی ما، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶، ص ۹۰.

- گزارش پژوهشی (۱۳۸۶)، تأملی بر فیلترینگ (۲). مطالعه تطبیقی سایر کشورها، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین، تهران.

- گزارش پژوهشی (۱۳۸۷)، امنیت ملی ایران در تئوری و عمل، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر سیاست خارجی، تهران.

- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵)، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷.

- لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحیده، بررسی چگونگی نگرش جوانان ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان.

- مانوئل کاستلز (۱۳۸۰)، احمد علیقلیان و افشین خاکباز، عصر اطلاعات و ظهور جامعه شبکه‌ای، انتشارات طرح نو، تهران.

- نجفی، محمود و احدی، حسن و دلاور، علی (۱۳۸۵)، بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحرن هویت، نشریه علمی پژوهشی دانشور رفتار، شماره ۱۶، دانشگاه شاهد.

- نصری، قدیر (۱۳۸۱)، فرا روایت‌های کاستلز در عصر اطلاعات، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۴، ص ۳۵۵.

- هنری ماسن پاول، رشد و شخصیت جوان، ص ۵۸۱.

- وحید باغبان، آشنایی با پدافند غیرعامل در حوزه جنگ نرم.

- Dubar Claude, La souali safion construction les identiofe souale pragessionanelles.

- www.vaja.ir

اقتصاد مقاومتی

چرایی و چگونگی تحقق آن^۱

اهداف نام‌گذاری سالها

اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل، به عنوان شعار سال جاری نامگذاری شده است. از تدابیر مقام معظم رهبری در نامگذاری سالها است که متأثر از درک صحیح محیط ملی، مصالح و منافع ملی ایشان است باید در سطوح مختلف مدنظر قرار گیرد؛

الف) اول متوجه نظام تصمیم‌گیر، سیاست‌گذار و برنامه‌ریز؛

ب) آحاد مردم؛

ج) فعالین مربوط به حوزه‌های مختلف نظام
مثلاً هرگاه تأکید بر روی اقتصاد باشد، مربوط به فعالان اقتصادی است و اگر تأکید بر فرهنگ باشد، مربوط

^۱ - متن سخنرانی دکتر خوش‌چهره در برنامه ویدئو کنفرانس سازمان بسیج، ۹۵/۲/۶.

به فعالان فرهنگی و اگر فرهنگ و اقتصاد با هم باشد هر دو حوزه و

فلسفه نام‌گذاری سالها

ایران از جمله کشورهایی است که برنامه‌ریزی در آن سابقه طولانی دارد و شاید در آسیا دومین کشور از نظر سابقه برنامه‌ریزی باشد و دومین کشور از نظر سابقه پارلمان و یا نظام مجلس و قانونگذاری (که ریشه تاریخی آن پیش از مشروطه بوده است)؛ بنابراین ممکن است برخی از همکاران و اساتید در دانشگاه‌ها عنوان کنند که وقتی ما برنامه برای هر سال در قالب قانون بودجه معلوم می‌کنیم یا برنامه‌های پنج ساله داریم برنامه‌های چشم انداز و هدف‌ها نیز معلوم است! پس فلسفه این نام‌گذاری‌ها چیست؟

بیان ساده‌اش این است که مقام معظم رهبری ضمن جایگاه والایشان در اصل ۱۱۰ قانون اساسی به عنوان ولی فقیه و ولایت فقیه در این مسند در اصطلاح ادبیات امروز دنیا، مقام استراتژیست نظام هم هستند؛ یعنی کسی است که جهت‌گیری‌ها و اولویت‌ها را، متناسب با تغییرات و تحولاتی که پیش می‌آید تعیین می‌کنند. البته کشورهای مختلف، حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دارند، اما استراتژیست اصلی است که با توجه به تحولات و تغییراتی که در محیط بین‌الملل، منطقه و غیره پیش می‌آید با توجه به این اولویت‌ها هدف‌ها را معلوم می‌کند، یعنی ممکن است اولویتهایش تفاوت کند.

مثلاً در ابتدای پیروزی انقلاب حمله صدام به دستور آمریکا و اسلاش، به ایران صورت گرفت و جنگ تحمیلی آغاز شد، قبل از جنگ تحمیلی تأکید روی حوزه سازندگی کشور و فعالیت‌های عمومی در سطح گسترده برای احیای ارزش‌ها و نفی آثار طاغوت در فرمایشات حضرت امام بود که با شروع شیطنت صدام در جهت اشغال اراضی کشور و سرزمین مقدس ما، اولیتی که همه نیروها روی آن متمرکز شده بودند (یعنی نفی طاغوت و آثار باقی‌مانده از

رژیم شاه و سازندگی در راستای اسلام، ضمن اینکه آن کار بالاخره با ضربی اتفاق افتاد)، تغییر کرد، چرا که تأکید حضرت امام «ره» جنگ جنگ تا پیروزی شد، یعنی اولویت روی دفاع مقدس و بیرون کردن متجاوز و درس ادب دادن به صدام تمرکز یافت.

در جنگ تحمیلی که با عنوان دفاع مقدس ما در کارنامه جمهوری مقدس اسلامی داریم، حضرت امام به عنوان استراتژیست وقت نظام با تعیین اولویت، تمام تجهیزات و امکانات کشور را در خدمت جنگ قرار داد.

بنابراین فلسفه نام گذاری سال‌ها این است که، مسائلی از محیط بیرونی یعنی، منطقه‌ای و جهانی بر محیط داخلی و ملی تأثیر می‌گذارد، که اولویت‌ها را تغییر می‌دهند، از این رو مقام معظم رهبری بالغ بر هفت سال، که تأکیدشان بر حوزه اقتصاد است؛ چراکه حوزه اقتصاد یکی از حوزه‌های اصلی کشور است که مصالح و منافع ملی را تعیین می‌کند.

حوزه‌های اصلی منافع ملی

منافع ملی سه حوزه اصلی دارد:

۱- **حوزه امنیت:** یکی از حوزه‌های اصلی آن است که خود دارای زیر

مجموعه است:

۱-۱- حفظ سرحدات ملی، یعنی حفظ تمامیت ارضی یکی از حوزه‌های

امنیت است.

۱-۲- حفظ رژیم حکومتی، در هر کشوری که اولویت امنیت یا هدف

امنیت است.

۱-۳- حفظ استقلال یک کشور

۱-۴- حفظ امنیت عمومی که بیشتر نظم و نسخ عمومی را شامل

می‌شود معمولاً در خیلی از کشورها یا مثلاً در ایران یکی از ارکان تأمین

کننده نظم و انضباط عمومی یا امنیت عمومی، پلیس یا نیروی انتظامی است.

۲- حوزه رفاه: دومین حوزه اقتصاد و رفاه است؛ یعنی حوزه‌ای که تأمین‌کننده منافع ملی است مربوط به اقتصاد رفاه است. منظور از اقتصاد رفاه بهبود عمومی سطح زندگی مردم، یعنی رفاه مردم، و سطح عمومی زندگی مردم در زمینه‌های مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش و ... ارتقا پیدا کند. همچنین درآمد مردم بالا باشد، درآمد هم از رونق تولید است.

۳- حوزه ارزش‌ها و آرمان‌ها: حوزه سوم هم تأمین‌کننده منافع ملی است.

بنابراین منافع ملی بر اساس سه حوزه بیان شده بالا تأمین می‌شود. که خود متأثر از:

- قانون اساسی؛

- آرمان‌ها و جهت‌گیری‌های آرمانی رهبر یا رهبران اصلی سیاسی کشور.

- مطالبات آرمانی مردم می‌باشد.

کشوری مثل آمریکا در زمانی که جنگ سرد شوروی سابق بود شعارش مقابله با کمونیسم بود، که بعدها با فروپاشی شوروی برای اینکه نظامی‌گری‌اش را حفظ کند خود یک چیز خود ساخته‌ای به اسم تروریسم را جایگزین کرد. پس مبارزه با کمونیسم یا مبارزه با تروریسم را برای خود یک هدف ارزشی تعریف کرد. ادعای ترویج دموکراسی و دفاع از حقوق بشر از سوی آمریکا از همین مقوله است.

بنابراین به طور ساده، حوزه منافع ملی حوزه‌ای است که بر اساس آن کارآمدی یک نظام، دولت و یک حکومت را در دنیا تعیین می‌کنند که چقدر توانسته است در راستای منافع ملی کار کند.

بنابراین اینکه کدام حوزه مهم باشد تعیین‌کننده اش استراتژیست نظام (یا مقام معظم رهبری) است. معظم له در چند سال گذشته تأکید بسیاری

روی حوزه اقتصاد داشتند چراکه اگر در اقتصاد اختلال ایجاد شود که نگرانی ایشان بوده و نگرانی درستی است، در معیشت مردم اختلال پیدا می‌شود همان گونه که در آموزه‌های دینی داریم "من لا معاش له لا معاد له" و به تبع آن ممکن است در آرمان‌ها، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات مردم اختلال به وجود آید. بنابراین اقتصاد از این لحاظ مهم است که دین را تأمین کننده است: "کاد الفقر ان یکون کفراً"؛ فقر به زودی کفر ایجاد می‌کند؛ بنابراین این نوع ملاحظات باعث شده که اقتصاد، برتری ضمنی و مقطعی بر دو حوزه دیگر امنیتی و اجتماعی؛ بی توجهی به اقتصاد آثار ضد امنیتی دارد. بیکاری یا لشکر بیکاران خود ضمن این که یک چالش اقتصادی است وقتی سطح درآمدش کاهش پیدا می‌کند، مشکلات دیگر را رقم می‌زند. پس لشکر بیکاران چالش امنیتی دارد. می‌تواند نارضایتی، تنش‌های اجتماعی و غیره داشته باشد، می‌تواند اعتصابات و ناآرامی‌هایی ایجاد کند، بیکاری می‌تواند در حوزه اجتماعی، زمینه‌های انحراف و ناامیدی و ناهنجاری ایجاد کند. بنابراین اگر گفته می‌شود اقتصاد مهم است به این دلیل است که می‌تواند حوزه امنیتی و اجتماعی و حوزه خود را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین رهبری به عنوان یک استراتژیست در هفت -هشت سال گذشته به این مهم پی برده اند و با نام گذاری سال‌ها بر حوزه اقتصاد متمرکز شده اند.

بنابراین فرمایشات مقام معظم رهبری به شدت قابل دفاع است. اما در عمل علی‌رغم تأکید معظم‌له، متأسفانه به جای اینکه مجلس و دولت با درک مفهومی صحیح از این واژه‌ها و به عملیاتی شدن آن‌ها کمک کنند خیلی جاها تشریفاتی و ظاهری با این مطالب برخورد می‌کنند. مثلاً در سالی که مقام معظم رهبری سال را اقتصاد و تولید ملی نام گذاری کردند و به شدت مهم دانستند، رئیس بانک مرکزی وقت و مسئولان تراز اول حوزه اقتصادی کشور با اظهار نظرهای و بعضی از سیاست‌ها بازار سکه و ارز و دلالتی و

واسطه‌گری را دامن زدند و به جای اینکه رونق تولید باشد چالش‌های شدید در مباحث دلالتی و سوداگری به وجود آمد. به جای اعمال حمایت و تأکید، ما شاهد یک نوع انحراف بودیم.

اشتراکات اقتصادی دولت‌های بعد از جنگ

متأسفانه همه دولت‌ها بعد از جنگ با چهار تابلوهای سیاسی مختلف روی کار آمدند، اما کارکردهای این دولت‌ها در بعضی از این موارد مثل هم بود و خلاف منویات حضرت امام و مقام معظم رهبری و قانون اساسی و چشم انداز بیست ساله یا برنامه‌های ۵ ساله حرکت کرده اند. علی رغم تأکید حضرت امام و مقام معظم رهبری بر قطع وابستگی‌ها، تدابیر ایشان عملی نشده است. کشوری که از نظر غذایی وابسته به بیرون باشد استقلال سیاسی هم ندارد در سال ۱۳۷۴ یا ۱۳۷۵ فرمانی توسط مقام معظم رهبری به دولت وقت که در آن مقطع (دولت سازندگی) بود با عنوان تبیین سیاست‌های بلند مدت بدون اتکا به نفت داده شد و رئیس جمهور وقت براساس این فرمان هیأت دولت را به نشست و پیگیری دستور داد و متعاقب آن وزرا و معاونین وزرا و بعضی از اساتید دانشگاه‌ها جلساتی برگزار کردند. در این جلسات مشهود بود که به تبیین سیاست‌های بلند مدت بدون اتکا به نفت فرمان داده شده بود؛ یعنی از ۲۰ سال پیش تاکنون متأسفانه هیچ اقدام عملی در این حوزه صورت نگرفته است.

۱- وابستگی به خام فروشی نفت: بعد از جنگ هر چه جلوتر آمدیم

دولت‌های وقت یکی پس رکورد دولت‌های قبلی را نسبت به وابستگی به خام فروشی نفت در سطح ملی شکستند عجیب هم اینکه تابلوهای سیاسی متفاوت داشتند، اما در این مسیر از همدیگر گوی سبقت را بودند. اگر چه با گذشت حدود سه سال از عمر دولت یازدهم برای قضاوت از عملکرد این

دولت زود باشد، اما لایحه بودجه‌ای که دولت یازدهم در سال ۹۳ داد و در سال ۹۴ تنظیم کرده است، نشان می‌دهد که بیش از هفتاد درصد این لایحه به طور واقعی به نفت وابسته بوده و این خیلی شکننده است. متأسفانه تمامی دولت‌های قبلی با شعار **پر طمطراقی** همچون سازندگی، اصلاحات، عدالت و مهرورزی، امید و تدبیر وارد عرصه مدیریت کشور شدند. اما در حوزه‌های اقتصاد که یکی از زیر مجموعه اصلی منافع ملی است عملکرد مناسبی نداشتند و این وابستگی و خام فروشی نفت بیشترین اختلال را ایجاد کرد.

۲- **وابستگی به واردات:** یکی از اشتراکات دولت‌های بعد از جنگ وابستگی واردات است. واردات از بخش‌های مختلف تشکیل شده است؛

الف) واردات کالای سرمایه‌ای: که ماشین آلات و تجهیزات برای تولید است که این خوب است

ب) واردات کالای واسطه‌ای؛

ج) واردات کالاهای مصرفی.

متأسفانه در این حوزه نیز هر چه جلوتر می‌آییم مثل وابستگی به نفت، وابستگی به واردات نیز بیشتر می‌شود. نباید فراموش کرد جمهوری اسلامی ایران در جنگ کمترین وابستگی را داشت؛ کشور با حداقل درآمد نفتی اداره می‌شد؛ کشوری که حداقل واردات را داشت و به سمت خودکفایی رفت. اما امروز در اوج وابستگی‌های معیشتی هستیم. به عنوان مثال ۹۵ درصد روغن نباتی کشور (بیش از ۹۵٪) وارداتی است ۹۷ درصد چای کشور وارداتی است. در چند سال گذشته بیش از ۵۰ درصد گندم کشور بالای ۶-۵ میلیون تن، گوشت، تخم مرغ، حتی میوه شبهای عید و... وارداتی بوده است؛ اگر چه طی یکی دو سال اخیر تلاش شده کم شود پس دومین وابستگی، وابستگی واردات بوده مخصوصاً وارداتی که امکان تولیدش وجود دارد. حجم واردات در چند سال گذشته رکورد ۷۰ میلیارد دلار را شکسته است.

۳- **قاچاق کالا:** بیش از ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار قاچاق کالا در کشور وجود دارد که این هم رقمی افسانه‌ای است.

۴- **فساد مالی:** اشتراک دیگری که وجود دارد بحث فساد است، به خصوص فساد مالی ما هر چقدر جلو می‌آییم رقم پدیده‌های مربوط به فساد نیز افزایش پیدا می‌یابد؛ با نفت ۱۰ دلاری فساد شهرام جزایری ۱۲۰ میلیارد تومانی شهرام جزایری را داریم و با نفت ۴۰ دلاری، فساد ۳۰۰۰ میلیاردی ... همه این موارد ناشی از این عدم توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری و عدم حمایت از تولید اقتصادی است. بزرگترین جفا این است که دولتی ادعا کند با نگاه ارزشی روی کار آمده است، اما عملکرد آن ارزشی و رضایت‌بخش به خصوص در حوزه اقتصادی نباشد.

مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی

تعاریف متعددی از اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ به عبارت ساده اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی اقتصاد، اقتصاد اگر قوی نباشد با شیطنت‌های دنیای سلطه که به صورت تحریم ظهور و بروز یافته است، با عدم توجه مناسب در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی قانونی در داخل دچار انحرافات و اختلالات، رکود و تورم و مسائل مختلف خواهد شد. بنابراین اقتصاد باید قوی، متکی بر پایه‌های قوی تولید باشد.

بیشتر کشورهای دنیا سعی می‌کنند اقتصادشان را مقاوم کنند. و کشورهایی همانند آلمان، فرانسه و ژاپن این کار را انجام داده‌اند در مقاوم سازی اقتصادی به مفهوم ساده این است که اقتصاد در ناملایمات و در وزش طوفان‌ها مثل یک درخت قوی پابرجا بماند و اگر خم هم شد نشکند؛ یعنی ریشه‌های قوی و وضعیت قوی دارد. به عبارتی این درخت توانسته خود را با محیط تطبیق دهد و خود را مقاوم کند. اقتصاد مقاومتی یعنی توجه به تولید ملی و قوی کردن و مقاوم کردن تولید که اگر تحریمی شد، ممنوعیتی شد

این تولید فشل تعطیل نشود .

بهترین تعریف از اقتصاد مقاومتی عبارت از تولید قوی و مقاوم و پایدار است. با این تعریف، اقتصادی که وابسته است بر سر راه تولید ملی از طریق ممنوعیت واردات مواد اصلی و غیره با موانع روبه‌رو می‌شود و ضربه خواهد خورد.

پیام مهم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یک پیام مهم تری دارد که در سخنان مقام معظم رهبری در این شش- هفت سال گذشته بارها دیده می‌شود و آن را کاهش وابستگی تهدید زاست.

مفهوم وابستگی

امروز خیلی از اساتید دانشگاه یا صاحب نظران در دانشگاه‌ها این گونه مطرح می‌کنند که الآن هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که خودکفا و خود اتکا شده است و همه چیز را خود تولید می‌کند. دنیای امروز بعد از جهانی شدن و جهانی سازی همه به هم تنیده شده اند، به هم احتیاج دارند. پاسخ این است که بله این واقعیت است بیانات مقام معظم رهبری هم این بوده که ایران، منابعی دارد مثل نفت، گاز، انرژی، منابع خدادادی متعددی که به نسبت جمعیت چند ده برابر آن است، سرانه اش به نسبت جهان که مقایسه می‌کنند نسبت به جمعیت بسیار بیشتر است. این منابع گسترده باعث شده که دنیا به ما احتیاج داشته باشد. مثلاً در اظهار نظرهای جدید، در گاز مقام اول را داریم و در نفت از نظر ظرفیت دوم یا سوم در غرب آسیا (خاورمیانه) هستیم. همین ظرفیت‌های ایران اسلامی نشان می‌دهد که نیاز دنیا به ما به مراتب بیشتر از نیاز ما به دنیا است. بنابراین هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که همه چیزش را خودش می‌تواند بسازد .

بنابراین کشوری که ما می‌خواهیم در عرصه ی جهانی داشته باشیم، باید

پویا باشد چون قابلیت‌های بسیاری دارد.

تقسیم‌بندی کشورها در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران

در عرصه جهانی کشورها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- (۱) کشورهای دوست؛
- (۲) کشورهای خنثی؛
- (۳) کشورهای متخاصم .

دنیای سلطه آمریکا، فرانسه، آلمان و... در مقام تخاصم با ایران هستند؛ بویژه انگلیس ممکن است از لحاظ دیپلماسی لبخند بزند، اما کارکردهایشان، تخاصمی است. ما در یک دنیایی هستیم که می‌خواهیم حضور پررنگ داشته باشیم، اما با شیطننت دنیای سلطه مواجه هستیم که برای رسیدن به هدف، از ابزارهای خود هم استفاده می‌کند. همانند اینکه بعضی از کشورهای خنثی را علیه ما بر می‌انگیزد و از آنها رأی می‌گیرد. از این رو این فضا باعث شده که ما به سمت کاهش تهدیدزایی گام برداریم. ضعف کنونی جمهوری اسلامی ایران، فروش نفت خام است و وقتی نظام سلطه این وابستگی را فهمید بلافاصله گلوگاه را گرفت، تحریم نفتی کرد و منابع مالی ما را بلوکه یا به نحوی محدودیت ایجاد کرد. بنابراین قبل از اینکه به هنر شیطننت دنیای سلطه برگردد، ضعف ما بود که ما نتوانستیم وابستگی‌های تهدیدزایمان را مدیریت کنیم.

بنابراین قطع وابستگی عالی‌ترین مرحله و مطلوب ما است. اما بعضی از این وابستگی‌ها را نمی‌شود یک دفعه قطع کرد. به همین دلیل باید به سوی کاهش وابستگی‌های راهبردی گام برداریم. بنابراین یکی از الزامات اقدام و عمل این است که دولت با جدیت کاهش وابستگی را آغاز کند و فروش نفت خام را محدودتر نماید.

یکی از مفاهیم و تعاریف اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی‌های راهبردی

است که ترجمه ساده اش کاهش وابستگی‌های تهدیدزا. وابستگی‌های تهدیدزا است. برجسته ترینش وابستگی درآمد ملی به خام فروشی نفت است به جای اینکه وابستگی درآمد ملی کشور از تولید داخل، از تولید درون زا و پویا باشد به یک عامل بیرونی وصل است که دنیای سلطه و در رأس آن آمریکا است که اگر بخواهد و اراده کند می‌تواند از این ناحیه به ما ضربه بزند. بنابراین اقتصاد مقاومتی یعنی یک لباس یا یک زره که در عرصه جهانی برای در امان ماندن از ضربه‌های دشمن و به وجود آوردن حداکثر ایمنی به تن می‌کنیم. پس مفهوم دیگر اقتصاد مقاومتی ایجاد گارد بسته برای شرایط تخصصات و تقابلات است.

مقام معظم رهبری فرمودند: ما در جنگ اقتصادی هستیم، امروز که در جنگ اقتصادی با نظام سلطه و آمریکا هستیم نباید فضای گل و بلبل ایجاد کنیم و گاردمان را باز کنیم و اجازه دهیم هر ضربه‌ای که می‌خواهد به ما بزند. بنابراین مهم ترین تعریف که ماهیت اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد عبارت است از مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش وابستگی‌های تهدیدزا در حوزه‌های راهبردی و ضروری که یکی از آنها نفت است. اگر به سبد غذایی مردم نگاه کنیم در ایران یا خاورمیانه اصلی ترین غذا که صبح، شب، ظهر دیده می‌شود نان است، در جنوب شرقی آسیا برنج، در آمریکای لاتین ذرت، در اروپا سیب زمینی و چیپس و... بنابراین گندم برای ما می‌شود یک کالای راهبردی و حیاتی و ضروری. از این رو ما باید گندم را به سمت خودکفایی یعنی کاهش وابستگی پیش ببریم. ما باید بتوانیم بالغ بر هفتاد درصد گندم را خودمان تولید کنیم و بیست پاسی درصد وارد کنیم و در مواقع ضروری همچون تحریم مدیریت کنیم تا بتوانیم از تهدید زایی این کالای راهبردی دوری کنیم. و کشورها حاضر نشدند گندم به ما بدهند

سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها عبارتند از:

- ۱- سیاست پولی: سیاست پولی ابزاری به اسم نرخ بهره. برای ذخیره قانونی و تنزیل مجدد که بهره اش را می‌گیرند، دارد.
- ۲- سیاست مالی دولت: سیاست مالی ابزاری به اسم نرخ مالیات دارد و با این ابزار در اقتصاد دخالت می‌کند.
- ۳- سیاست‌های مداخلاتی دولت، هدایت دولت، نظارت دولت برای پیش بردن یا برعکس برای کند کردن فشارها
- ۴- سیاست‌های تجاری: که از آن به صادرات و واردات نیز تعبیر می‌شود. ابزار اصلی آن تعرفه است. دولت با این ابزار بازار را تنظیم می‌کند.
- ۵- سیاست‌های ارزی، نرخ ارز، سیاست‌های اشتغال و ... هم اکنون سیاست‌های پولی دولت در راستای اقتصاد مقاومتی که تعریف ساده اش، تولید ملی است؛ نیست یعنی تولید کنندگان زیادی هستند که مشکل مالی دارند و به سمت بانک‌ها می‌روند، اما عموماً تسهیلات بانکی دریافت نمی‌کنند و برعکس سوداگران، دلان و واسطه گران به راحتی از تسهیلات بانکی برخوردار می‌شوند و این مخالف سیاست‌های پولی در راستای اقتصاد مقاومتی است.
- ۶- سیاست‌های مالی یا مالیاتی: متأسفانه درآمدهای مالیاتی دولت کنونی و دولت‌های گذشته فشار مالیاتی عمده‌تاً روی تولید کننده و اقشار حقوق بگیر است. اما سوداگران، دلان و واسطه گران از پرداخت مالیات در مانند. بنابراین این انحرافات مالیاتی و فشار ضمن اینکه اشکالات بسیاری نشان می‌دهد که سیاست‌های به اصطلاح مالیاتی به نفع تولید نیست. در مقوله سیاست‌های تجاری، سیاست‌های درهای باز، با سیل بی رویه وارداتی که امکان تولیدش در داخل هست، رو به روهستیم. به عبارت دیگر حمایت‌ها از واردات و آن هم به اسم تجارت صورت می‌گیرد و از تولید کننده حمایتی

صورت نمی‌گیرد. بنابراین سیاستهای اقتصادی دولت باید تغییر کند و در راستای اقتصاد مقاومتی محرکت کند؛ یعنی شالوده اش حمایت از تولید ملی باشد. باید بتوانیم موانع بر سر راه تولید را تشخیص دهیم و برطرف کنیم؛ تولیدی که هم اکنون فقط از ۴۰ درصد ظرفیتها بهره می‌برد.

بنابراین باید موانع در سر راه تولید را تشخیص دهیم و برطرف نماییم. این موانع عبارتند از: واردات بی رویه قاچاق، عدم حمایت از تولید، سیاستهای نامناسب پولی، مالی، تجاری، ضعف نظارتها و... ضعف نظارتی باعث می‌شود که کالاهای تولیدی دارای استاندارد لازم نباشد، بنابراین تشخیص این حوزه‌ها و حمایتها و برخوردهای به موقع می‌تواند تولید را احیا کند. احیای تولید یعنی ما به سوی اقتصاد مقاومتی حرکت کنیم، منتهی احیای تولیدی که به وابستگی نینجامد. مثلاً صنعت نساجی و پوشاک که در بعد از انقلاب دومین صنعت مهم اشتغال زایی کشور بود. هم اکنون با ۲۵ درصد در حال تولیدات و ۷۵ درصد تعطیل و رو به واگذاری و... است و متأسفانه این نتیجه واردات بی‌رویه پارچه و لباس و ... بوده است که ضربه شدیدی به این بخش زده است واردات بی رویه عبارت است از فرصت شغلی به تولید کننده خارجی دادن و زمینه بیکاری برای تولید کننده و نیروی کار داخلی ایجاد کردن.

پس ما در درجه اول برای ایجاد رونق در بخشهای تولیدی باید میل مان درون نگر و اتکا کردن به منابع موجود باشد دولتمردان باید توجه نمایند که ضمن استقبال از منابع خارجی همچون پولهای بلوکه شده ایران اگر آزاد شود باید به کارگیری این منابع خارجی در راستای منافع ملی باشد و نظارتها نیز مطلوب باشد. اشکالی ندارد اگر ظرفیتهای جدید ایجاد شود، ولی اولویت ایجاد کارخانه جدید نیست باید کارخانجاتی که داریم و از آن استفاده نمی‌شود و ظرفیت آن رها شده دوباره به چرخه تولید برگردند.

یعنی باید نگاه درون را به اقتصاد داشته باشیم؛ بنابراین نگاه درون‌زا، پیام اقتصاد مقاومتی است که باید از سر راه تولید ملی موانع رفع شوند. رفع موانع حوزه‌های مختلف دارد:

اول) حوزه قانون‌گذاری:

بعضی از این موانع در حوزه‌های قانون‌گذاری است. مجلس باید خود را تطبیق بدهد. بعضی از اینها در نوع سیاست‌های اقتصادی است که در راستای سیاست‌های حمایتی است که باعث رونق تولید شود. ظرفیتی که اقتصاد ایران دارد، اقتصاد خیلی از کشورها ندارند. گفتم ایران کشوری بالغ بر ۸۰ میلیون جمعیت است و در اقتصاد جهانی و اقتصاد منطقه‌ای شرط پویایی اقتصاد یک کشور تقاضا است. تقاضا یعنی جمعیت؛ یعنی اگر تقاضای بالایی داشته باشد این واحدهای تولیدی خودشان را آماده برای تولید می‌کنند و مطمئناً بازار دارند. در کشورهای حوزه خلیج فارس اصلاً مزیتی به اسم بازار بزرگ ندارند، در حالی که ایران (بیگ مارکت) است. این را خارجی‌ها بارها می‌گویند با صراحت هم می‌گویند مجبور هم هستند که بگویند؛ چراکه ایران یک بازار بزرگ ۸۰ میلیون نفری است، اما در مقابل حوزه خلیج فارس همانند قطر، بحرین، امارات و... جمعیت اندکی دارند. در نتیجه شرط پویایی یعنی تقاضا را ندارند

دوم) پرداخت یارانه‌ها:

پرداخت یارانه مثل تزریق مسکن یک مریض است. بنابر این باید یارانه را به برخی از فارغ‌التحصیل دانشگاه، دانشجویان پرداخت کرد که به شدت به آن نیاز دارند. به بعضی از کشاورزان و کارگران ضعیف که وابسته به یارانه هستند و پرداخت یارانه به عنوان یک مسکن شاید بگوییم اشکال ندارد، اما درد اصلی که فقر است باید با درمان معالجه شود. درمان یعنی رفع موانع از سر راه تولید کشاورز که با کرامت کار کند و درآمد به دست بیاورد دیگر به

یارانه احتیاج نداشته باشد. که حالا به آن نمی‌خواهیم بپردازیم. بنابراین پرداخت یارانه ضعف توجه به اقتصاد مقاومتی است. یارانه ضعف توجه به حوزه اقتصاد است. اگر درآمد خوب باشد دیگر محتاج پولی که ما اسمش را پول نفت یا هرچیزی بگذاریم نخواهد بود. دادن یارانه بدترین نوع پرداخت است. ضمن اینکه انگیزه‌ها را برای کار پایین می‌آورد، تولید ملی را مختل می‌کند چراکه یارانه مثل یک مسکن است. مثلاً کسی که دندان درد شدیدی دارد با تزریق مسکن پزشک، دست از معالجه او اما بردارد و به همین لحظه که دردش از بین رفته است دل خوش کند. پرداخت یارانه نیز از همین نوع مسکن‌ها است که شبیه درد را معالجه نمی‌کند و فقط مسکن است. همچنین باید توجه داشت که مسکن زیاد فرصت درمان را از بیمار می‌گیرد و رنجورش می‌کند و بعضی موقع‌ها به مرحله خطر می‌رساند که دیگر قابل معالجه نیست. خیلی‌ها که مدت‌ها با یارانه سر کرده‌اند. همانند کشاورزان، رغبت لازم برای تولید و کار کردن روی زمین کشاورزی از دست می‌دهند و همین زمین کشاورزی نیز با کاری که بر روی آن انجام نمی‌شود بایر می‌شود و خاصیت تولیدی خود را از دست می‌دهد.

بنابراین در اقتصاد مقاومتی ارتقاء رفاه و ارتقاء بهبود عمومی سطح زندگی مردم را توزیع پول و دادن یارانه نیست، بلکه از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی است، از طریق ایجاد به اصطلاح رونق تولید است که زمینه فرصت افراد را به وارد شدن به چرخه ی تولید فراهم می‌کند. با انجام چنین کاری رفاه مردم شود چون تولید پایداری است. سیاست دولت یازدهم نیز در رابطه با مسکن ضد اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا بازار تولید مسکن را به سوی رکورد کشانده است و این رکود نیز از بسیاری جهات به ضرر دولت و مردم تمام می‌شود.

مشخصات اقتصاد مقاومتی در ۳۳ بند و اصلی که مقام معظم رهبری ابلاغ کردند به صورت مصادیقی که می‌تواند باعث رشد و رونق اقتصادی شود قابل

استناد است. بنابراین رونق کسب و کار که مفهوم آن رفع موانع اقتصادی است و توجه به معاش مردم از عناصر کلیدی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های ابلاغی است. همچنین خودکفایی و خوداتکایی، کاهش وابستگی و مباحثی از این دست. از این رو تا زمانی که تصمیمات دولت در راستای این مطالب نباشد نمی‌توانیم ادعا کنیم که اقتصاد مقاومتی است. مقام معظم رهبری در نامگذاری سال جاری شاخص‌هایی را تعیین کردند که در پایان سال معلوم می‌شود که چقدر از سیاست‌های اقتصادی پولی - مالی - ارزی و اشتغال و امثال آنها در راستای رونق تولید بوده، چقدر در توجه به ارتقاء سطح درآمد مردم بوده و چقدر در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی بوده است و که همه اینها باید با تاکید بر درون‌زا بودن اقتصاد ملی باشد و در این محور و مسیر حرکت کند. در ضمن برای جذب منابع خارجی هم باید تلاش کرد؛ چراکه حالت تکمیلی این حرکت است.

سوم) مبارزه با سوداگری:

به عنوان مثال ۷۰ درصد قیمت مسکن در تهران و گرانی آن به سوداگران مسکن برمیگردد که باید با آن مبارزه شود؛ چراکه این گرانی بیشتر درآمد خانوارها به ویژه مستعجرین مسکن را می‌بلعد. اقتصاد مقاومتی پیمای است برای این انحراف که باید با سوداگری مبارزه و مقابله کرد.

چالش‌های فرآوری اقتصاد مقاومتی

اشکالات و چالش‌های فرآوری اقتصاد مقاومتی در بسیاری از بیانات مقام معظم رهبری آمده است که اهم این چالش‌ها عبارتند از:

۱- عدم درک مفهومی صحیح اقتصاد مقاومتی:

در نام گذاری سال‌ها توسط مقام معظم رهبری مباحث مختلفی همچون جهاد، حرکت جهادی و بحث اقتصاد بوده است. اما هر کسی تلقی خودش را از واژه جهاد دارد مثلاً در دولت قبل می‌گفتند که ما حرکتمان از اول جهادی

بود. اگر جهادی بوده جهاد یعنی آهنگ حرکت، وجه الهی دادن، سخت کوشی، تسلیم ناپذیری به اصطلاح استقامت بالا در عمل که اینها ویژگی‌های جهاد است. بنابراین اولین اشکال عدم درک مفهومی اقتصاد مقاومتی است که البته مقام معظم رهبری از سال ۸۹ تا الان بارها به آن تاکید کرده اند و اولین اشکال در جزئیات هم رفتند، ایشان در نشست‌های مختلف، مجلس، دولت، فعالان اقتصادی و... با تبیین و تشریح سعی کردند کسی این عدم درک مفهومی و این انحراف را نداشته باشد.

۲- عدم باور و اعتقاد:

چالش دوم که خطرناک تر است عدم باور و اعتقاد به این مسائل برای یک مسئول، یک دولت مرد و یک قانون گذار است. ممکن است در اجتماع بعضی افراد و مردم باور نداشته باشند که اشکالی ندارد. که حالا خود این موضوع در جایگاه خودش جای بحث دارد که چرا اطلاع رسانی ضعیف بوده است و به باور نرسیده است. ولی اگر کسی آمد در عرصه اجرا و قانون گذاری و سکان دار اصلی اقتصاد شد اجازه ندارد در هر رده‌ای مدیر کل، بالا، پایین، وزیر، وکیل باور نداشته باشد و بعد سکان دار باشد چون این می‌شود نفاق. اگر چه این عدم باور را معمولاً می‌بینیم که در همه جا مسئولان و با ضریب بالایی تایید می‌کنند؛ اما در عمل اگر کار دیگری می‌کنند و این نابخشودنی است.

۳- عدم توانایی و کارآمدی:

سومین چالش فراروی اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل به این موضوع بر می‌گردد که بعضی‌ها توان و کارآمدی این کار را ندارند. یعنی کننده اش نیستند. اگر بخواهند کاری بکنند اصلاً در حد و قواره حرکت توانمند و جهادی و با اراده و با عزم نیستند و متأسفانه در خیلی از جاها بعد از جنگ در بسیاری از انتسابات شاهد این موضوع بوده ایم؛ افرادی که در ملاحظات

صنفي، سياسي، جناحي يا به فرمايش مقام معظم رهبري، قبيله‌اي آمدند و متکفل امور شدند در حالي که ضعفشان در توانايي و... باعث شد در حوزه‌هايي سوء استفاده کنند. ريشه خيلي از فسادها همين ناکارآمد بودن افرادي است که در حقيقت توانمندی لازم را ندارند.

«پاسخ به سؤال»

«سؤال‌های سیاسی»

۱- به نظر شما رویکرد مقام معظم رهبری در نام‌گذاری اقتصادی در سال جاری و تأکید معظم له بر اقتصاد در چند سال اخیر چیست؟

مقام معظم رهبری همواره تأکید کرده‌اند که ما نگاه‌ها نباید به بیرون از مرزها بوده و انتظار داشته باشیم که از دل این مذاکرات معجزه‌ای رخ دهد. اگر هم کشورهای غربی به سمت بازارهای ما می‌آیند، قاعدتاً آن‌ها افراد ساده‌ای نیستند و در وهله اول به منافع خود می‌اندیشند؛ بنابراین به نظر می‌رسد دولت نه تنها چشم‌انداز حضرت آقا به اقتصاد مقاومتی را تأمین نکرده است، بلکه در عمل تأکید افراطی بر ادامه مذاکرات و ارتباط با غرب دارد. هرچند که دولت محترم در زبان و در ظاهر به دنبال تحقق اقتصاد مقاومتی است، اما در

عمل هیچ درون‌زایی و بومی‌سازی در دولت یازدهم اتفاق نیفتاده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل تأکید مجدد و چندباره مقام معظم رهبری بر اجرای اقتصاد مقاومتی و نام‌گذاری سال ۹۵ به نام «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» را بتوان رویکردی دانست که دولت یازدهم نسبت به اقتصاد در پیش گرفته است. اقتصادی که امروز با مسامحه می‌توان نام آن را «اقتصاد مذاکراتی» دانست. یعنی چشم امید دولت برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی جامعه به آن سوی مرزهاست و دولت در این مدت عملاً این موضوع را نشان داده است. چندی پیش روزنامه «ایندیپندنت» به همراه یکی دیگر از روزنامه‌های انگلیسی از روابط اقتصادی آتی ایران و غرب تحلیلی آورده و نوشته بود: بازار لوازم آرایش ایران یکی از بازارهایی است که بعد از مذاکرات و اجرای برجام در حال رونق گرفتن است و این مذاکرات باعث گشایش در بازار این محصولات شده است.

۲- ارزیابی شما از ترکیب مجلس دهم و آسیب‌های احتمالی آن

چیست؟

آنچه را که در ادوار گذشته مجلس نشان داده است مجالس هم‌موضع با دولت‌های مستقر، نقش و عملکرد بهتر نسبت به مجالسی با موضع انتقادی یا خنثی، نداشته‌اند. نمونه این مسأله را می‌توان در نسبت مجلس ششم با دولت اصلاحات و مجلس هشتم با دولت احمدی‌نژاد یافت که در هر دو این مجالس، چالش‌ها به‌مراتب بیشتر بود و پیشرفت امور به‌کندی انجام می‌گرفت. از این رو می‌توان گفت مجلسی که الزاماً هم‌موضع با دولت نباشد، احتمالاً عملکرد بهتر و پیش‌برنده‌تری خواهد داشت، نظیر رابطه مجلس پنجم و دولت اصلاحات. دیگر نکته‌ای که می‌توان گفت، آنکه مجلس به جهت شأن‌شورایی خود، بهتر است متشکل از نظرات مختلف باشد؛ چراکه اگر این جدال‌ها به وضعیت احسن صورت گیرد، قطعاً منجر به تصمیماتی بهتر برای

نظام و مردم خواهد بود. مجلسی که در آن رقابت‌های درون جناحی شکل بگیرد یا خشنی باشد، از کنار مسائل یا به راحتی و سادگی عبور می‌کند و یا آنکه مسائل را با امور دیگر، همچون نزاع‌ها و اختلاف نظرهای داخلی، خلط می‌کند. اگر مواضع مختلفی در مجلس حاضر باشند و نمایندگان به واقع اهل نمایندگی فکری این جریانات باشند، طرفین دیدگاه‌های مختلف به دنبال استدلال‌های محکم‌تری می‌روند و رفتار خود را به علت زیر ذره بین جناح مقابل بودن، بیشتر مراقبت و با شئون نمایندگی تنظیم می‌کنند. البته باید دقت داشت که مجلس محل منازعه نیست.

۳- ارزیابی شما از اهداف سفر اخیر مقامات آمریکا به افغانستان

چیست؟

یکی از مسائل مهم آمریکایی‌ها در افغانستان، تداوم اشغال افغانستان و حضور در پایگاه‌های نظامی این کشور است و گفتگو در مورد صلح و ترغیب طالبان به این پروسه و حتی بحث اصلاحات انتخاباتی یا حمایت از دولت وحدت ملی و... در افغانستان برای مقامات واشنگتن اولویت چندانی ندارد؛ هر چند اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در دیدار با جان کری، آمریکا را هم‌پیمان محوری ملت و دولت افغانستان اعلام کرد و دلیل این امر را منافع و خطرهای مشترک به ویژه تروریسم دانست. وی در حمایت از قرارداد امنیتی کابل - واشنگتن گفت که قرارداد ما با دنیا بر اساس ارزش‌ها و تأمین حقوقی که در قانون اساسی این کشور آمده است، خواهد بود. اما واقعیت این است که توافق امنیتی با کابل بیش از هر مؤلفه‌ای مورد توجه آمریکا قرار دارد و مقامات آمریکایی نگران این مسئله هستند که با آغاز بحران سیاسی و فروپاشی دولت وحدت ملی و قدرت‌گیری طالبان، نتوانند حضور خود را در پایگاه‌های دائمی تداوم بخشند. به گفته اشرف غنی، تأکید آمریکا بر ثبات افغانستان و تبدیل این کشور به نقطه بنیادی ثبات در منطقه، از پشتیبانی و

حمایت ما برخوردار است و ما از کمک‌های واشنگتن و قربانی دادن هزاران جوان در این سرزمین تشکر می‌کنیم. اما اشرف غنی در حالی حضور چهارده ساله آمریکا در افغانستان و روابط با این کشور را عمیق و راهبردی قلمداد می‌کند که طی این سال‌ها نه تنها ثبات و امنیت این کشور تأمین نشده، بلکه بر روند ناامنی‌ها و تعدد گروه‌های تروریستی از جمله نفوذ داعش نیز افزوده شده و هم‌چنان امنیت به عنوان یک معمای حل‌نشده پا برجاست. با این حال اشرف غنی، جان کری را «قهرمان جنگ» معرفی و از تجربه حضور آمریکا در میدان‌های جنگ صحبت می‌کند. او انتظار دارد که تجربه جنگ نیروهای آمریکایی به تقویت نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان ختم شود. هم‌چنین سال جدید را سال حرکت و اصلاحات همه‌جانبه در افغانستان اعلام کرد و با سودمند خواندن سفر وزیر خارجه آمریکا از وی خواست بار دیگر به این کشور سفر کند، اما این واقعیت را نمی‌توان کتمان کرد که بیش از نیمی از بودجه سالانه افغانستان از طریق کمک‌های خارجی به خصوص کمک آمریکا تأمین می‌شود و اشرف غنی به نوعی حیات دولت را در وحدت ملی می‌داند و اتحاد و همدلی به ویژه در میان قشرهای سیاسی کشور را یک نیاز مبرم و ضروری بیان می‌کند.

مسلم است که آمریکا نه در گذشته با هدف تأمین ثبات و امنیت افغانستان در این کشور حضور یافته و نه در آینده چنان که اعلام کرده است، به تقویت نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان خواهد پرداخت، بلکه آموزش نیروهای دفاعی افغانستان تنها بهانه‌ای برای تداوم حضورشان در این کشور است. آمریکا دارای اهداف کلانی در منطقه است که نفوذ داعش در افغانستان، از پیامدهای این اهداف و حضور آمریکا در این محدوده محسوب می‌شود. یکی از راه‌های تجهیز و تقویت نیروهای نظامی افغانستان، تقویت نیروی هوایی این کشور است که برای مبارزه مؤثر با تروریست‌ها بسیار ضروری است، اما آمریکایی‌ها توجه کمتری به این امر دارند.

۴- به نظر شما دور جدید مداخلات سعودی ها در عراق چگونه تحلیل

می شود؟

برخی از کارشناسان بر این باورند که با توجه به اینکه فکر تکفیری ها برخاسته از وهابیت است و تقویت آنها در دوره ملک سلمان و نیز برخی تغییراتی که ملک سلمان انجام داده، روند گذشته در قبال عراق تداوم خواهد یافت. برخی از مسئولان امنیتی عراق نیز بر این نکته تأکید دارند و بر این باورند که سیاست درهای باز العبادی تأثیر چندانی در تغییر رویکرد سعودی در قبال عراق نخواهد داشت و عربستان هم چنان به شیوه های گذشته ادامه خواهد داد و مواضع العبادی در قبال سعودی صرفاً کاهش بهانه گیری ها را در پی داشته است. سیاست دوگانه امریکا در عراق و کاهش قیمت نفت از سوی سعودی ها که زیان چند میلیاردی به اقتصاد نفتی عراق وارد کرده است از اسناد دیگری است که به روند سیاسی - امنیتی عراق آسیب های جدی وارد کرده است. وضعیتی که عربستان در یمن ایجاد کرده نیز این نگرش را تقویت کرده است. در مقابل برخی هم بر این نظرند که ملک سلمان با سیاست درهای باز العبادی همسو خواهد شد و برای بهبود روابط با عراق گام برخواهد داشت؛ به ویژه که قبلاً انتقادهایی به عدم تحرک در خصوص بازگشایی سفارت سعودی در بغداد داشته است. خطر مشترک داعش برای دو طرف و «حضور عربستان در ائتلاف بین المللی ضد داعش» از دلایل این گروه است که برای اثبات این موضوع بیان می کنند. البته حوادث اخیر در یمن، برخی امیدهای این گروه به بهبود روابط را کمرنگ کرده است.

در پاسخ به این پرسش که سیاست سازش آقای حیدر العبادی در قبال کشورهای منطقه از جمله عربستان تا چه اندازه می تواند نقش مخرب سعودی را به نقش مثبت تغییر دهد؟ باید گفت این اقدامات هیچ یک از رویکردهای سعودی را تغییر نمی دهد. سعودی به دلیل پیروی از رویکرد وهابیت، که با ذات حاکمیت شیعی در عراق مشکل دارد و در تکفیر شیعیان با داعش

همسوست، به ادامه حضور قدرتمند شیعیان در حکومت عراق رضایت نخواهد داد. به همین دلیل نقش و مأموریت سعودی در عراق در نهایت تغییری نمی‌کند و اگر عربستان در قبال افتتاح و تسامح العبادی نرمش نشان دهد، موقتی و صوری است. حال سؤال اساسی این است که اگر در نیات و اهداف دولتمردان عراقی در قبال همسایگان شک نکنیم و حسن ظن داشته باشیم، در خصوص همسایگان عربی به ویژه عربستان سعودی این موضوع تا چه حد صادق است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که به نظر می‌رسد سیاست افتتاح العبادی در مورد عربستان نتوانسته تغییری محسوس ایجاد کند و جز نرمش‌های اولیه عربستان حاصلی نداشته است؛ به گونه‌ای که تحولات کنونی یمن نیز اوضاع را پیچیده‌تر کرده است. بنابراین حق با مالکی است که می‌گوید: «عربستان سعودی به تشدید اختلافات در منطقه دامن می‌زند و نمی‌خواهد با سیاست و تدبیر با مسائل کنونی تعامل کند».

۵- به نظر شما طرح ایالتی کردن اتحادیه اروپا باچه اهدافی دنبال

می‌شود؟

آنچه جای تعجب است اینکه اتحادیه اروپا هنوز به طور واقعی و اعتقادی مورد پذیرش اعضای آن نیست. برای مثال در غرب اروپا احزاب و گروه‌های زیادی، خواهان جدایی یا لغو قوانین مشترک اروپایی هستند. یا بریتانیا به عنوان قدرت برتر نظامی اروپا هنوز خود را همسایه اروپا می‌داند چه رسد به اینکه بخواهد به قوانین هم‌گرایی بیشتر تن دهد. همچنین کشورهای شرق اروپا هر چند به دلیل صرفاً امنیتی خواهان پیوستن به اتحادیه اروپا هستند، اما معتقدند همگرایی و یکسان‌سازی اقتصاد اتحادیه اروپا با کشورهای ضعیف اقتصادی فقط فقر را در این جوامع بیشتر می‌کند که بحران‌های مالی و اعتراضات گسترده در یونان گواه این واقعیت است. البته باید توجه کرد که موج جدایی‌خواهی در قاره اروپا به دنبال شروع بحران مالی جهانی و عیان

شدن ضعف‌های مدیریتی اروپا ایجاد شد. از طرفی اتحادیه اروپا به دلیل تنوع دولت - ملت همچنین تنوع قومی و نژادی هیچ وقت در عرصه جهانی همسویی مشترک سیاسی نداشته و این ضعف باعث شده است همواره در تحولات بین‌المللی دنباله‌رو باشد نه تصمیم‌گیرنده و حل‌کننده مناقشات. این وضعیت در کنار ناهمگونی اقتصادی همچنان اتحادیه را تهدید می‌کند. اما چرا اکنون از همگونی بیشتر در همه ابعاد سخن گفته می‌شود؟ به نظر می‌رسد مطرح شدن این طرح‌ها بین کشورهای اصلی تصمیم‌گیرنده در اروپا بیشتر برای محکم نگه داشتن همان همگرایی اقتصادی باشد تا سیاسی و طرح اخیر به عنوان آرزوی آینده مطرح است. البته نقش اروپا در بحث هسته‌ای ایران همچنین وضعیت فعلی منطقه و ظهور داعش و پدیده مهاجرت می‌تواند تا حدودی این طرح را برای اعضا جدی نشان دهد، اما قطعاً با گذشت زمان و آرام شدن دوباره منطقه، به احتمال زیاد، تمرکز بر همان نگه داشتن وضعیت فعلی خواهد بود.

۶- ارزیابی شما از علل بر کناری داود اوغلو از نخست‌وزیری ترکیه

چیست؟

همانگونه اطلاع دارید احمد داوداوغلو که سابقه وزارت خارجه ترکیه و مسئولیت تنظیم روابط با اروپا را نیز در کارنامه خود دارد، پس از جلسه‌ای که میان او و رئیس‌جمهور برای حل برخی اختلافات برگزار گردید، خواستار تشکیل کنگره فوق‌العاده حزب حاکم برای تعیین رئیس جدید شد. ۲۲ مه، میزبان جدید دفتر نخست‌وزیر تعیین می‌شود. ریشه‌های رخداد اخیر را باید در انتخاب اردوغان به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه در آگوست سال ۲۰۱۴ میلادی جستجو کرد، جایی که وی از نظر حقوقی و روی کاغذ، عهده‌دار منصبی تشریفاتی شد، اما در عمل جایگاه خود را به عنوان اثرگذارترین مرد حزب حاکم بر ترکیه حفظ کرد. تضاد به وجودآمده در این میان، داوداوغلو

رئیس حزب و نخست وزیر کشور را که منصبش بیشترین قدرت اجرایی در قانون اساسی پارلمانی ترکیه را دارد، ناراضی ساخت. حالا داوداوغلو پس از کناره گیری، اگر فرصت حضور در سیاست آنکارا حتی در حد سخنرانی و اعلام مواضع را داشته باشد، قهرمان همه کسانی خواهد شد که به آرمان های حزب عدالت و توسعه باور دارند ولی اردوغان را مسئول ایجاد انحراف در حرکت کشور به سمت آن آرمان ها تلقی می کنند.